

آیین‌های زیبایی‌ها



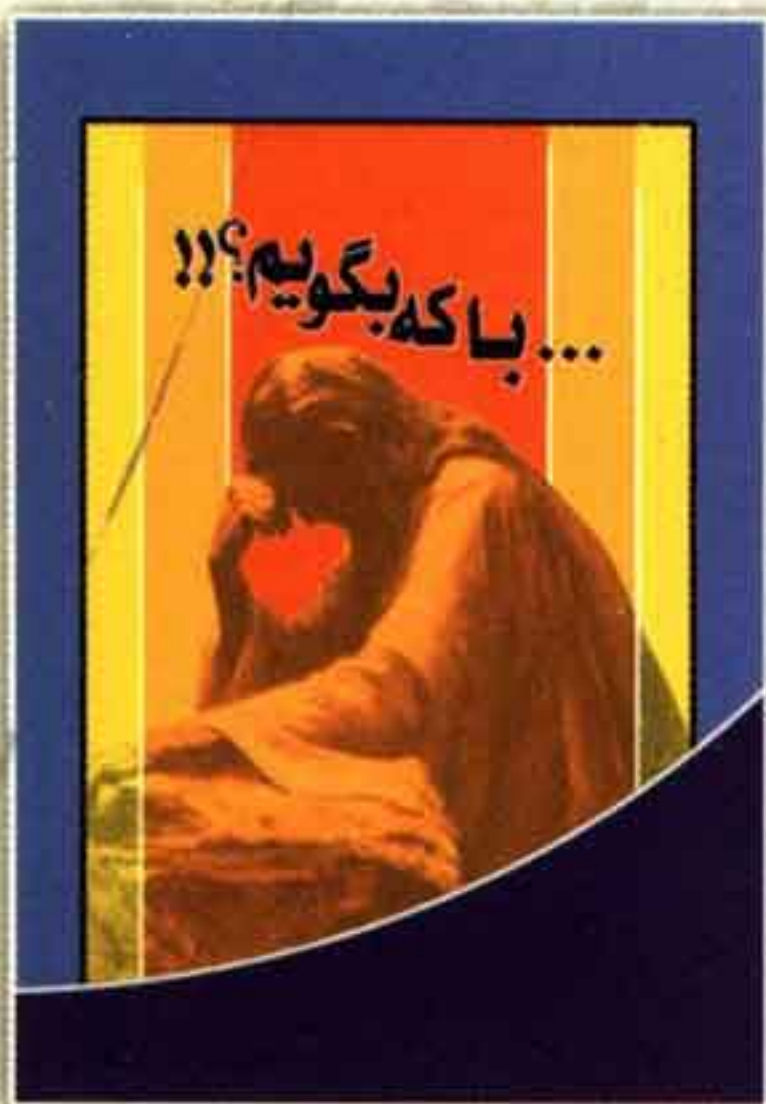
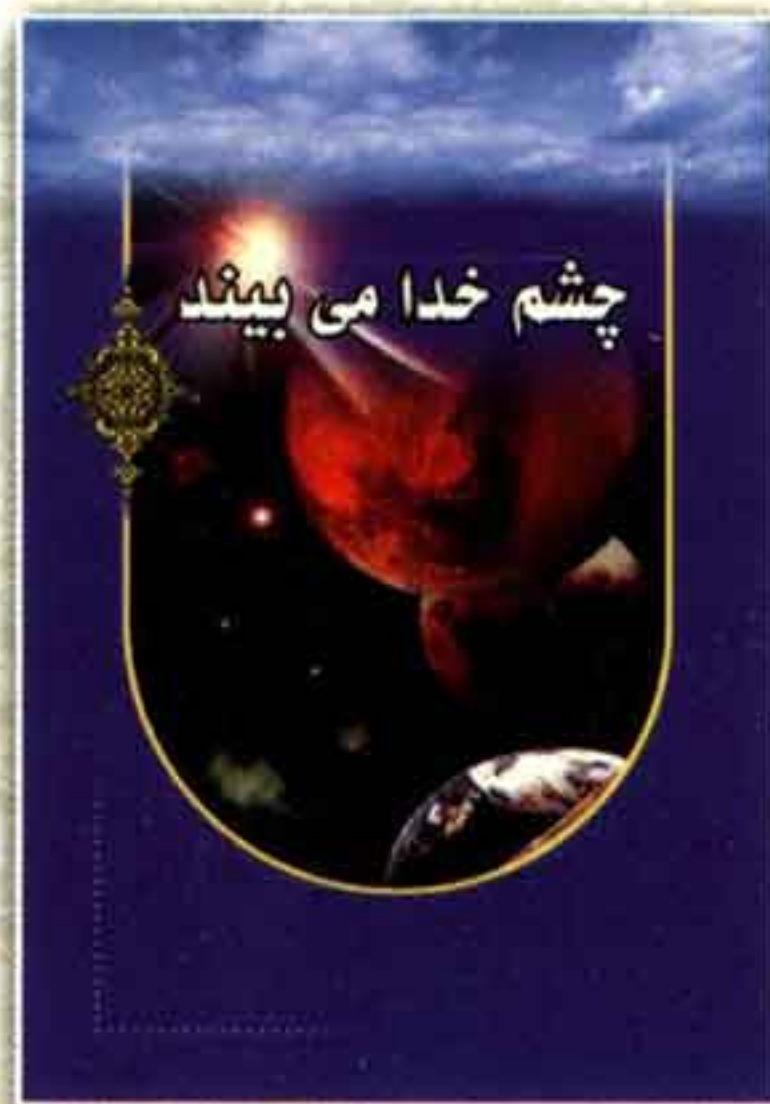
همراه با مقاله‌های:

✓ «چشم خدا» می بیند

✓ مهدویت و اطلاع رسانی

✓ با که بگویم...؟! ✓

بیت‌های برگزیده از شعرهای مولانا



« آینه‌ی زیبایی‌ها »

همراه با مقاله‌های:

- چشم خدایم بیند
- مهدویت و اطلاع‌رسانی
- با که بگویم...؟



مركز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج)

« سلسله مقالات شناخت‌شناسی مهدویت / ۲ »

مشمول بر چهار مقاله :

« ۱. آیینه زیبایی‌ها » ، « ۲. چشم خدا می‌بیند »

« ۳. مهدویت و اطلاع‌رسانی » ، « ۴. با که بگویم؟! ... »

سید محمود بحر العلوم میردامادی

تهیه و تنظیم / مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج)

تاریخ انتشار / مهرماه ۱۳۸۳

شعبان المعظم ۱۴۲۵

نوبت چاپ / اول

شمارگان / ۵۰۰۰

چاپ / باقری

قیمت / ۵۰۰ تومان

ناشر / انتشارات بهار قلوب

وابسته به / مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج)

اصفهان - خیابان چهارباغ پایین، ایستگاه حاج محمدعلی

صندوق پستی ۱۵۴ - ۸۱۳۹۵

تلفن ۶ - ۲۲۰۴۰۴۵

فاکس: ۲۲۳۷۲۵۰

پایگاه‌های اینترنتی مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج):

WWW . Imamalmahdi . com

WWW . Almahdi4u . com

E-mail : info @ Imamalmahdi . com

شابک / ۹-۵-۹۳۶۱۰-۹۶۴ ISBN: 964-93610-9-5

● مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار مقاله‌ی «آینه‌ی زیبایی‌ها»، «چشم خدا می‌بیند»، «اطلاع رسانی» و «با که بگویم؟!...» که پیش روی شما قرار دارد، مقالاتی است که در سفر نوشته‌ام. این مقالات بیان درد دل‌های فرهنگی و معنوی است. مطالعه‌ی این درد دل‌ها شاید وسیله‌ای برای بیداری همگان، به خصوص نسل جوان باشد.

چه کنیم تبسم یار و لبخند نگار، رضایت صاحب ولایت و خاتم امامت شامل حالمان گردد؟ وظیفه‌ی ما در زمان غیبت چیست؟ به ویژه وظیفه‌ی تبلیغ دین و ترسیم راه و روش امام مبین و کشف حصین حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) چگونه و با چه وسیله‌ای در این روزگار و عصر بی‌قرار، عصر توخّش به جای تمدّن، ظلم به جای عدالت، باید اجرا گردد؟!!

این‌ها مسائلی است که در این کتاب آمده‌است. امیدوارم هیئت‌های مهدوی و ندبه‌ای، در کنار اشک در فراق ولی نعمت، وسایل تحقیق در موضوع امام‌شناسی را فراهم‌کنند و در هر شهری کتابخانه‌ی تخصصی، بلکه در هر مسجد و حسینیه و مدرسه و دانشگاهی یک حرکت با عظمت تخصصی در امر مهدویت آغاز گردد و «جشن میلاد نور» به وسیله‌ی منتظران ظهور، در همه‌جا به یک دهه‌ی پرمحتوا تبدیل گردد و همه‌ی صاحبان فطرت در داخل و خارج، تبلیغات با ارزش مهدوی را بشنوند و ببینند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين
سیما بقیة الله فی الارضین
عجل الله تعالی فرجه الشریف و نحن معه

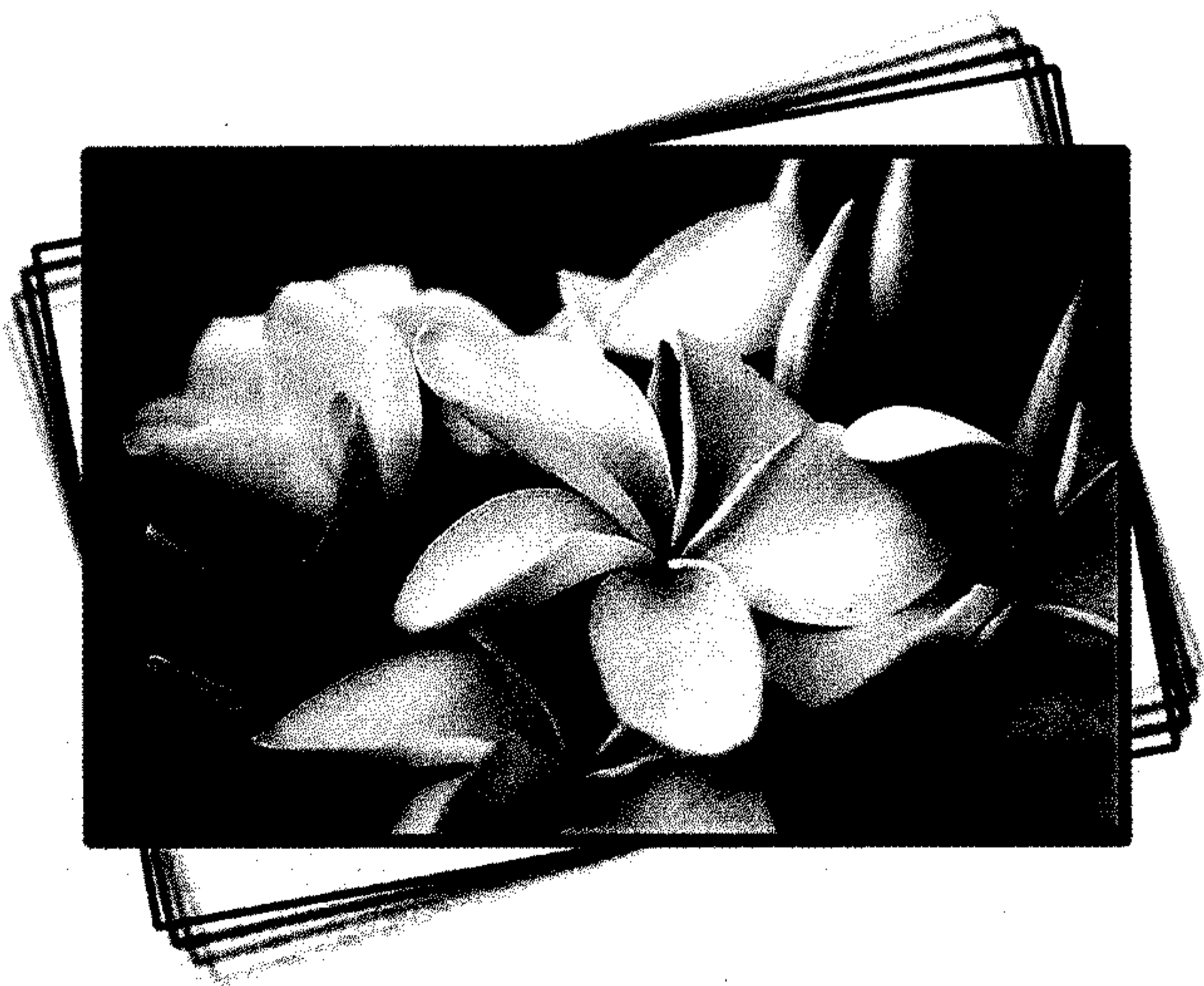
سید محمود بحر العلوم میردامادی

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۵

مبعث رسول گرامی ﷺ



آینه‌ی زیبایی‌ها



www.imamalmahdi.com



فرا از دکانی از فروشگاه



آینه‌ی زیبایی‌ها

تصوّر کنید انسان پاکیزه‌ای معطر و با ظاهر و باطنی آراسته به سمت شما می‌آید.

آیا شما از او فرار می‌کنید؟

هرگز، مگر از طهارت و پاکیزگی، عطر و زیبایی تنفر دارید؟
اگر شخص کثیف و آلوده‌ای با لباس چرکین و بدن متعفن از کنار شما عبور کند، یا در ماشین و یا در سالن غذاخوری کنار شما بنشیند، چه می‌کنید؟

آیا خود را جمع و جور نمی‌کنید؟ خود را کنار نمی‌کشید؟
پاسخ، مثبت است. چون انسان از آلودگی و کثافت و چرک و تعفن متنفر است.

آیا شیء گران‌بهایی را در اختیار این فرد آلوده قرار می‌دهید؟ آیا با وجود آلودگی، لباس مرتّب و پرارزشی را به او اهدا می‌نمایید؟



پاسخ، منفی است. چون انسان آلوده، قدرلباس با ارزش را نمی‌داند و ممکن است از روی بی‌خردی لباس گران‌بها را آلوده نماید.
سؤال دیگری دارم:

آلودگی جسمی و چرکین بودن بدن و لباس بدتر است یا آلودگی روحی و فکری؟

مثلاً شخصی حمام نرفته و بدن و لباس او آلوده و چرکین است، و دیگری حمام رفته و ظاهری آراسته دارد، ولی حسود و یا متکبر و مغرور است، از کدام یک از این دو بیشتر تنفر دارید؟

حتماً می‌گویید: آلودگی روحی و فکری بدتر و انسان آلوده به مفاسد روحی و فکری تنفر آورتر است، راست می‌گویید.

این نوع آلودگی‌هاست که اختلاف می‌آفریند و جنگ می‌افروزد. قتل و ترور، غارت و سرقت، ستم و تجاوز، و... از آلودگی فکر و روح سرچشمه می‌گیرد.

مثلاً حسد به اندازه‌ای بد است که خوبی‌ها را از بین می‌برد و فرد و جامعه را به پستی و زشتی می‌کشاند یا تکبر و غرور که کفرآور است و انسان را در برابر حق و حقیقت قرار می‌دهد.

البته آلودگی ظاهری و چرکین بودن بدن و لباس هم خوب نیست ولی آلودگی باطنی و روحی دو صد چندان بدتر می‌باشد.

مسلمان هم باید لباس ظاهرش خوب و پاکیزه باشد و هم به لباس باطن خود پردازد و روح و فکر خود را به لباس تقوا مزین نماید.

«لباس التقوی ذلك خیر» [۱]

امام مهدی پاک و پاکیزه است، زیرا از عترت و اهل البیت است، ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيَطْهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ [۲۱]. او عبد خداوند متعال است و مقام نبوت و رسالت ندارد، ولی عصاره‌ی پاکان و بقیه‌ی خوبان جهان، و آنچه از خوبی‌ها در خوبان عالم وجود داشته و دارد، در وجود مطهر او یافت می‌شود.

امام مهدی «تالی کتاب الله» است: او لا قرآن می‌خواند، چه خواندن خوبی! در تشرّف سید بحرالعلوم (رحمة الله علیه) خدمت حضرت، نقل شده که حضرت قرآن تلاوت می‌فرمودند؛ سید گفت: «چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن» [۲۲].

اصلاً قرآن را باید او بخواند، قرآن با اوست و او با قرآن است. ثانیاً: او کنار قرآن قرار گرفته است؛ مگر پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «دو شیء گران قدر بین شما می‌گذارم: کتاب الله و عترتی». این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر حوض کوثر بر من وارد شوند [۲۳]. کتاب خداوند موجود است، اما عترت کجاست!؟

امروز امام مهدی علیه السلام به عنوان وارث عترت و امامت، در کنار قرآن قرار گرفته است.

خواننده‌ی عزیز! حتماً به عبارت ﴿لَنْ يَفْتَرِقَا﴾ توجه کن، چطور ممکن است که روزی قرآن باشد و عترت نباشد؛ این امر با کلام رسول خدا ﷺ منافات دارد. پس امام مهدی علیه السلام آخرین فرد عترت معصوم در کنار قرآن و «تالی کتاب الله» است.

در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللهِ وَ

ترجمانه...» [۵] امام مهدی علیه السلام خواننده‌ی قرآن و قرآن ناطق و ترجمان کتاب الله است.

● مودّت امام مهدی علیه السلام

مودّت، محبّت همراه با ابراز و عمل به دستورات محبوب است، و می‌دانید خداوند متعال مزد رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله را مودّت عترت و اهل بیت ایشان قرار داده است.

قرآن می‌فرماید: ﴿الَا مِنْ شَاءِ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ [۶].

مطلوب خداوند دو مطلوب نیست، یعنی مسلمانان هم مودّت اهل بیت را داشته باشند و هم راه خدا را اتخاذ نمایند. بلکه این دو یکی است، یک مطلوب است که به عنوان مزد رسالت به حساب می‌آید، مودّت اهل بیت علیهم السلام که همان اتخاذ صراط مستقیم و انتخاب راه خداوند می‌باشد و شما خواننده عزیز می‌توانی در تفاسیر فراوان تفسیر صراط مستقیم را بشناسی که جز راه اهل بیت علیهم السلام راه دیگری نیست. [۷]

قرآن می‌فرماید: ﴿فَهُوَ لَكُمْ﴾ [۸] و این مودّت، و اتخاذ راه خداوند و شناخت صراط مستقیم به سود خود شماست.

به‌به! چه مهربانی و رأفت بزرگی از طرف خداوند؛ پیامبر فرستاده، کتاب قانون نازل کرده، تالی و مفسر در کنارش قرار داده و می‌گوید: مزد این پیامبر آن است که به کتاب قانون او براساس تفسیر تالی و مفسر آن، یعنی عترت، عمل نمایی و این به سود خودتان می‌باشد.

برادر و خواهر مسلمان! مودّت امام مهدی علیه السلام بسیار گران‌بهاست،

همان‌طور که خود آن حضرت در کلام پیامبر ﷺ، به نام «ثقل» عنوان شده است و ثقل به شیء گران‌بها می‌گویند.

ارزش امام مهدی علیه السلام نزد خداوند معلوم است، او آینه‌ی زیبایی‌ها است؛ زیبایی ایمان، تقوا، عبودیت، عدالت و راستی، در وجود وی جلوه‌گر است.

مودت او هم گران‌بهاست، بعضی لایق نیستند مودت داشته باشند. آدم‌های آلوده و کثیف، که لباس چرکین حسد و کبر و غرور بر روح و فکر آنها احاطه دارد و از لباس تقوا بی‌بهره‌اند، چگونه خداوند به آنها مودت و شیء گران‌بها عنایت می‌کند؟

راه چیست؟

راستی چرا بعضی مودت امام مهدی علیه السلام را ندارند؟ و از گوهر گران‌بهای مودت به دورند. پاسخ این است که:

اولاً، این گروه شاید اهل بیت علیهم السلام را نشناخته باشند. شناخت مودت آور است، شما چه مقدار امامتان را شناخته‌اید؟ هر مقدار می‌شناسید، دوست می‌دارید.

برای همین است که فرموده‌اند: «کسی که بمیرد و امام زمان خودش را نشناخته باشد، به موت جاهلیت مرده است».^[۹]

راستی همین است؛ مسلمان وقتی تالی و مبین واقعی قرآن، یعنی امام زمان را شناسد، به او مودت ندارد و مسلمان بدون مودت یعنی مسلمانی که به اجر و مزد رسالت توجه نداشته و با میزان و شاقل قرآن و سنت بیگانه بوده در نتیجه به مرگ جاهلیت مرده است.



ثانیاً، شاید حق را فهمیده و حجّت بر او تمام شده، ولی فساد درون و آلودگی قلب و مریضی روح، وی را از نگاه به زیبایی‌ها و استشمام عطرها محروم نموده، حسد و کبر چشم دل او را کور کرده است. شما از کور دل چه توقع دارید؟ زیبایی و عطرگل و حتی وجود خود گل را انکار می‌کند.

راه این است که بشر از حسد و کبر و صفات رذیله‌ی دیگر خود را رها نماید. راه این است که بشر به پرورش و تزکیه‌ی روح پردازد و خود را از تاریکی‌ها و چرکی‌های فکری و فرهنگی برهاند. مهدی شناسی با «تقوا» میسر است.

مهدی یعنی هدایت شده، چه کسی او را هدایت کرده است؟ هدایت پیشوایان معصوم با خداوند است و هدایت ما با پیشوایان معصوم؛ یعنی آنها واسطه‌ی هدایت ما می‌باشند.

پس هدایت شده‌ی از طرف خداوند، می‌تواند هادی مردم باشد. حضرت مهدی علیه السلام جزء پیشوایان هدایت شده و صادق است و ما دستور قرآنی داریم با پیشوایان صادق باشیم. قرآن می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ [۱۰۱]

می‌بینید... قبل از این که بفرماید: ﴿ کونوا مع الصادقین ﴾ می‌فرماید:

﴿ اتَّقُوا اللَّهَ ﴾. کلام ما همین است: اتَّقُوا اللَّهَ!

مهدی شناسی اتَّقُوا اللَّهَ را می‌طلبد، باید برای نشست با امام پاکیزه، پاکیزه شوی؛ لباست پاکیزه باشد، خودت را از آلودگی‌ها و چرکی‌ها شست و شو دهی.

مهدی‌شناسی، تزکیه‌ی روح و پاکی قلب می‌خواهد؛ باید برنامه‌ی نبی مکرم اسلام ﷺ ﴿یزکیهم﴾^{۱۱۱} را در نظر‌بگیری و صفات رذیله، خودخواهی، علوّ‌طلبی، ریا و سمعه و شرک را ترک نموده، از گناه توبه‌نمایی.

● دو نکته

دو نکته را برای خوشبختی در نظر بگیرید:

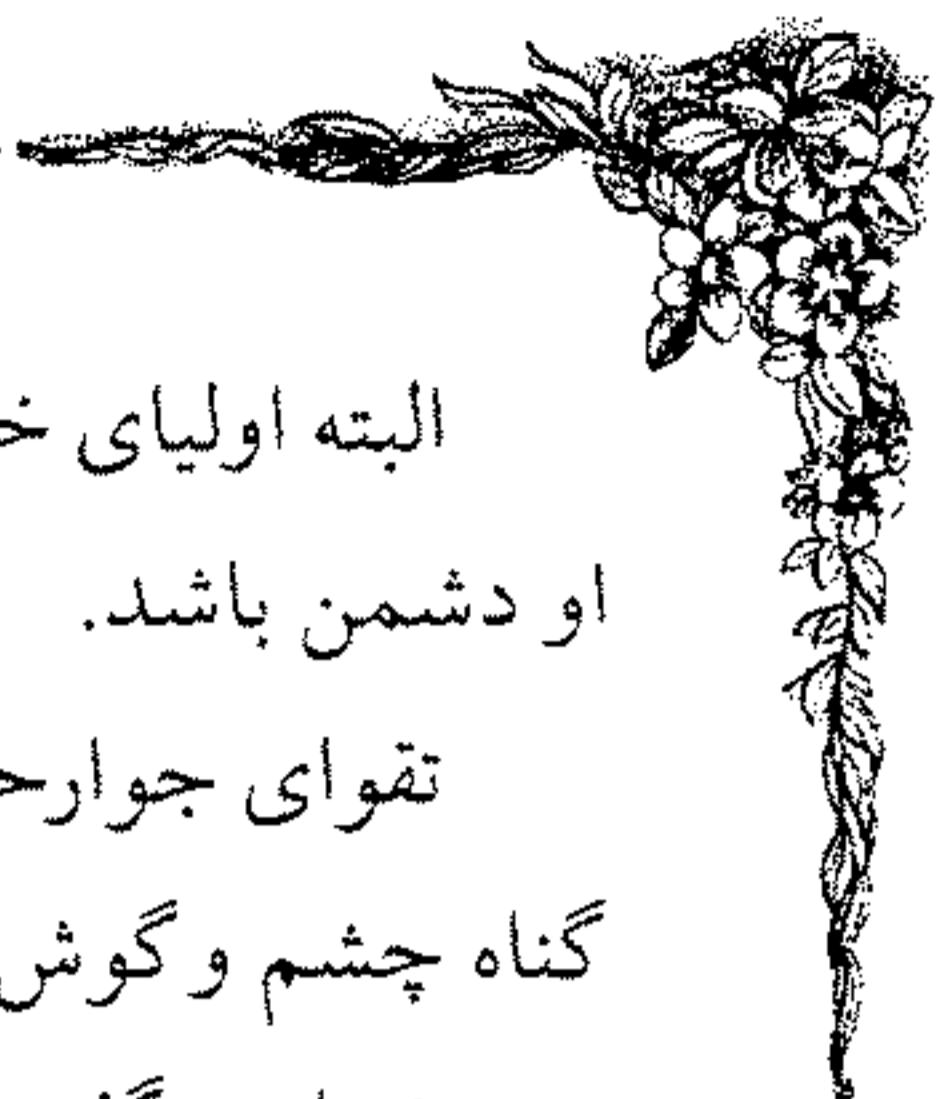
۱- در طیّ راه و مسیر مواظبت کنید که پای شما به خار و خس و اشیاء اذیّت‌کننده مبتلا نگردد.

در سیر الی الله خارگناه، موذی روح و قلب آدمی است. انسان با گناه به زمین می‌خورد و در سیر و سلوک موفق نمی‌شود. «اتَّقوا الله» به همین معناست، به معنای مواظبت و رعایت کردن، خود را از آلودگی‌ها حفظ نمودن است، و شما توجه دارید آلودگی‌ها دو نوع‌اند: «قلبی» و «جوارحی».

انسان متقی، و در واقع سالک راه خداوند، باید هم تقوای قلبی داشته باشد، و هم تقوای جوارحی

تقوای قلبی این است که انسان بداند مالک ملک فقط خداوند متعال است؛ عالم اوست، غنی اوست، قادر اوست، و او می‌تواند از علم و غنا و قدرتش به بندگان خوبش عنایت فرماید.

تقوای قلبی این است که آدمی دل و قلبش را فقط به خدا بدهد، یعنی دل و قلب آدمی جای محبّت خداوند باشد.



البته اولیای خداوند را برای رضای خدا دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد.

تقوای جوارحی، این است که انسان سالک مواظبت کند تا گرفتار گناه چشم و گوش و زبان و دیگر جوارح نگردد.

خواهید گفت: ملاک این که این کار گناه است یا نه، چیست؟ چه گناه قلبی و روحی و چه گناه جوارحی، ملاک و معیارش قرآن و سنت رسول الله ﷺ است، اما به تفسیر و تبیین هادی که در هر زمانی وجود دارد.

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ [۱۲]

پیامبر منذر است، اما بیان انذار او و تبیین نسخه‌ی وی، با هادی می‌باشد.

هادی بعد از پیامبر، علی بن ابی طالب علیه السلام است و هادی امروز، امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

ما با میزان و شاقل امامت این بزرگواران می‌توانیم صواب را از گناه تشخیص دهیم و حلال و حرام را از زبان هادی دریافت کنیم.

ممکن است سؤال کنید: مگر قرآن و سنت پیامبر معلوم و آشکار نیست، می‌گوییم مگر ما در قرآن متشابهات نداریم؟ همان‌طور در سنت، هادی که راسخ در علم [۱۳] است، انسان سالک را به خوب و بد، حلال و حرام، آگاه می‌کند و نسخه‌ی خدا و رسول را توضیح می‌دهد.

۲- نکته‌ی دیگری که برای خوشبختی لازم است، این است که با هادی حرکت کنید؛ نه مقدم و نه مؤخر. [۱۴] در این مسیر طولانی و این

راه ظلمانی، بدون چراغ حرکت کردن، کار عاقلان و کاری عاقلانه نیست.

﴿ قیل أرجعوا ورائکم فالتمسوا نوراً ﴾. [۱۵]

برگردید نور بیاورید! این چه نوری است؛ نور با مهدی بودن است، نور ندبه در فراق مهدی علیه السلام، نور زیارت آل یاسین، نور خیریه و مدرسه ساختن به نام و یادش، نور جشن دهه‌ی مهدویه.

آیه را خوب توجه کن!

﴿ یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین ﴾. اوّل، «اتقوا

الله»؛ دوم «با صادقین بودن»، یعنی تقوا داشتن بر اساس مکتب صادقین باید باشد، نه این که آنچه را که من و دیگران اسمش را تقوا می‌گذاریم، دستورالعمل باشد. تقوا در کلام خدا و سنت رسول، به توضیح و تبیین صادقین یعنی اهل بیت علیهم السلام مطلوب است.

﴿ وأنزلنا معهم الكتاب والمیزان ﴾ [۱۶] نگاه کن! کتاب و میزان، «کتاب

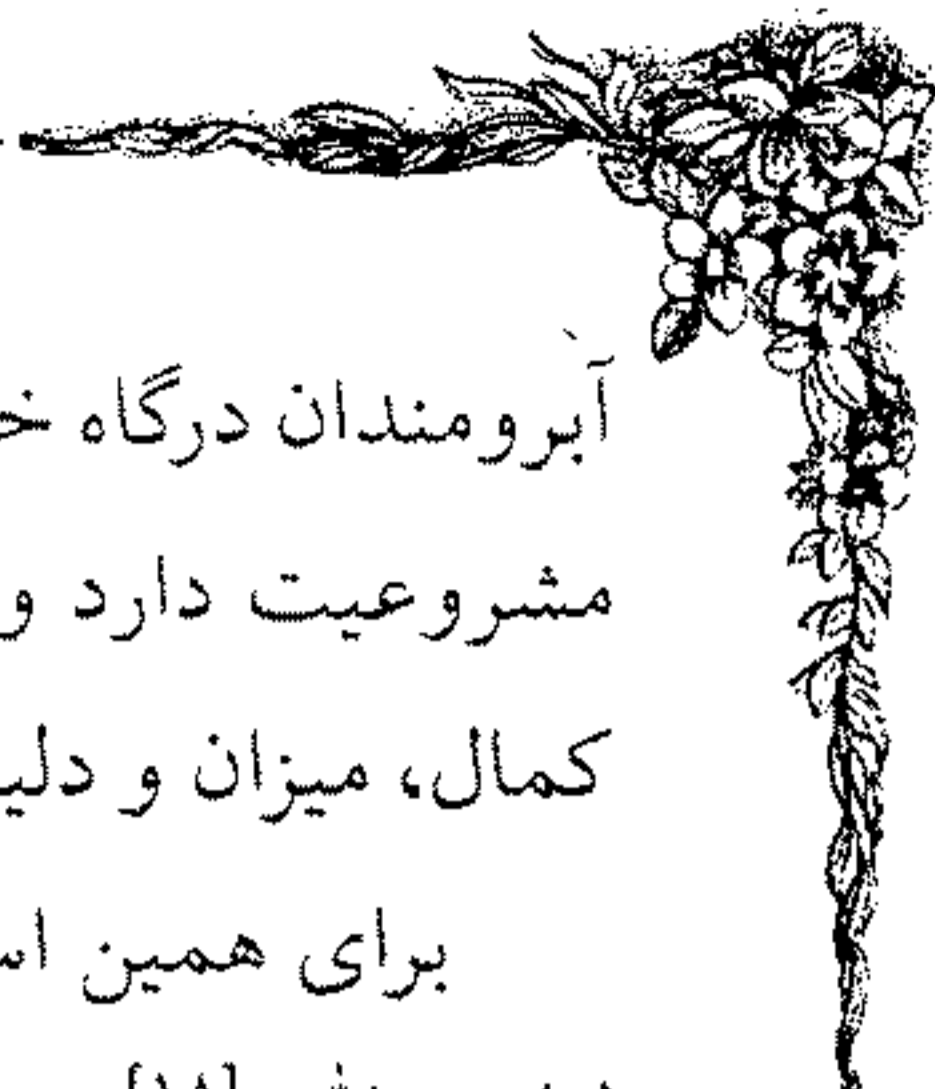
الله و عترتی»، قرآن و علی علیه السلام و امروز قرآن و مهدی علیه السلام فلاح آور و عامل و خوشبختی می‌باشد.

همین مطلب جای دیگر قرآن نیز آمده است:

﴿ یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة ﴾. [۱۷]

در این آیه اوّل تقوا را دستور می‌دهد و بعد توسّل به وسیله را، و این توسّل یک امر الهی است.

توسّل به عترت برای أخذ دستورالعمل و توضیح مراد خداوند از آیات متشابهات و حلال و حرام الهی - توسّل به عترت جهت رفع اجمال قرآن و فهم تفصیلی آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، توسّل به عترت،



آبرومندان درگاه خداوند، برای رفع مشکلات مادی و معنوی و این امر مشروعیت دارد و فرمان ﴿ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ - برای اهل فضل و کمال، میزان و دلیل خوبی است.

برای همین است که به امام علیه السلام می‌گوییم: «یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله». [۱۸]

او خدا نیست، وجیه نزد خداوند است، می‌تواند به اذن خداوند برای ما شفیع گردد.

پس باز امر «اتَّقُوا» در آیه‌ی شریفه با همراه بودن با آبرومندان هم آمده است.

آن آبرومندان کیانند؟

تاریخ را بخوانید! حتماً تاریخ را بخوانید، نه تاریخ دروغین همراه با جعل و مکر را... بسیار با احتیاط، با تدبیر، بدون شتاب‌زدگی، تاریخ صحیح، واقعیت‌ها را، بدون تعصب بخوانید.

آبرومندان پیشگاه خداوند کیانند؟ چه کسانی در مباحثه با پیامبر شرکت داشتند؟ [۱۹]

«آیه‌ی تطهیر» و «داستان کساء» چه می‌گویند؟

امروز فرزند محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، یعنی مهدی آل محمد علیهم السلام «وجیه عندالله» است و ﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ امروز یعنی با مهدی آل محمد بودن؛ و ﴿ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ امروز، یعنی در راه مهدی آل محمد کار و تلاش داشتن.

«این السبب المتصل بین الأرض والسماء». [۲۰]

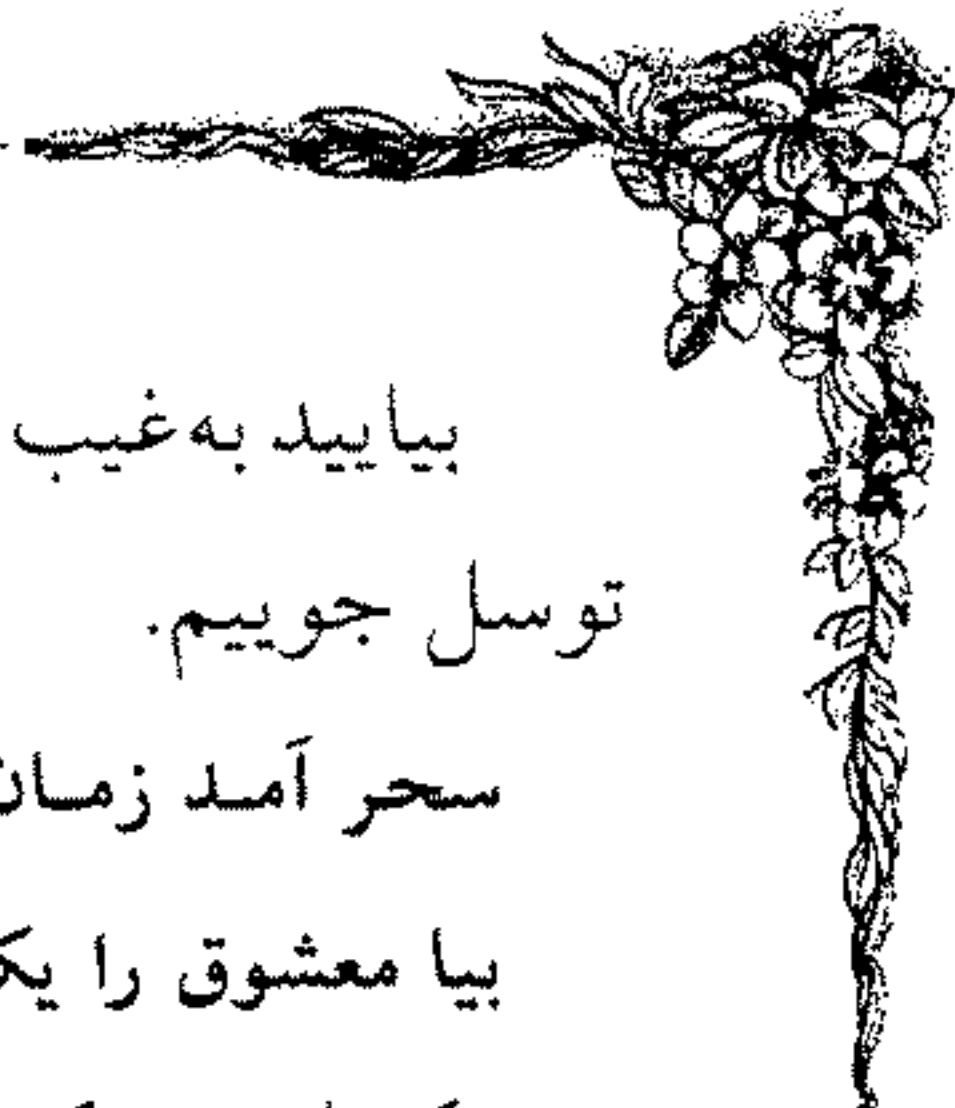
کجاست آن وسیله‌ی الهی؟ کجاست آن سبب که انسان را از خاک به عالم پاک برساند و به او سیر و سلوک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یادآوری نماید؟ سنت و روش مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، سنت و روش پیامبر است؛ [۲۱] از خودش چیزی نمی‌گوید، آنچه خداوند فرموده و در سنت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده، توضیح و تعلیم می‌دهد.

آیا می‌توانیم به او راه پیدا کنیم؟ «این بقیة الله؟» کجاست بقیة الله؟ یعنی عروج سینه‌های سوخته، رهبر و آخرین اندوخته، کجاست؟ در ندبه، حالت انتظارت را نشان می‌دهی، روان خویش را مهدوی می‌کنی، گلاب مهدوی می‌زنی!

خیر چیست و کجاست؟ همه به دنبال اویند؛ همه به دنبال او می‌گردند، اما او را نمی‌یابند؛ اشتباه رفته‌اند؛ با شهرت طلبی و شهوت خواهی که نمی‌توان به خیر رسید: ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ [۲۲]. مهدی برای شما خیر است، فقط «مهدی هذه الأمة من نسل الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين» برای شما خیر است.

کجا می‌روید؟ کجا می‌روید خیر این جاست! مگر قرآن نخوانده‌اید؟ مگر دلسوز خود و اجتماعتان نیستید ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾، ولی مطلب این است که می‌فرماید: ﴿إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ ایمان گره‌گشاست ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ [۲۳] غیب حق تعالی است و مظهر غیب خداوند، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

مگر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام غایب نیست، مگر یونس عَلَيْهِ السَّلَام غایب نبود. امام مهدی هم به قدرت خداوند زنده و غایب است.



بیاید به غیب مؤمن باشیم و به بقیة الله و آخرین اندوخته‌ی خداوند
توسل جوییم.

سحر آمد زمان وصل دلدار کجا شد عاشقی با قلب غمبار؟

بیا معشوق را یک دم صدا کن به لبیک ولا، رو جانب دار!

کجا برویم که امن تر از خانه‌ی فرزند امین باشد؟ مگر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

امین نیست؟ عترت او نیز امین‌اند، مهدی او نیز امین است.

امین تر از مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کیست و کجاست؟ از زبان میلیون‌ها نفر انسان

به شما می‌گویم: ما را راهنمایی کنید.

ما را راهنمایی کنید! مگر نمی‌دانید باید زکات علمتان را بدهید،

اگر علم دارید؟!

آیا آگاهید امین درگاه خداوند متعال، امروزه کجاست؟

آیا در کتاب خدا و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نشانه‌ای از او دارید؟

شما را به خدا، من سرگردان را ارشاد کنید! آیا در «رضوی» است

یا در «ذی طوی»؟ [۲۴] آیا در مدینه است یا کربلا؟

شما را به خدا، غریق را نجات دهید! من هم مثل میلیون‌ها نفر

انسان غریق این اقیانوس مهلک‌ام.

آیا اثری از کشتی نجات نمی‌بینید؟ آیا سراغ ستاره‌ی نجات بخش

را دارید؟ مگر نجات غریق در اسلام واجب نیست؟

مگر صدای غریق را نمی‌شنوید؟

ای عالمان! اندیشمندان، مصلحان، صلح‌خواهان، دلسوزان...!

صدای مرا نمی‌شنوید؟ من غریق گناهم، غریق شهوت و شهرت، حیران

و سرگردان «ایسم»‌ها و مسلک‌ها؛ تبلیغاتشان بر حیرتم می‌افزاید! آیا چاره‌ای نمی‌یابید؟

چاره‌ای برای من بیچاره؟!

انسان این قرن، قرن توخّش به جای تمدّن، قرن ظلم به نام عدل. چاره‌ای برای همه‌ی بیچارگان دنیا؛ می‌دانید که نجات غریق، کار صواب و برای آن، چه ثواب‌ها می‌نویسند؟

﴿مَنْ أَحْيَاهَا﴾ [۲۵] را خوانده‌اید؟

ببایید آب شیرین و گوارایی به کام من بریزید، قبل از این که مرگ مرا در کام خود بگیرد!

﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؟ [۲۶] آفرین به قرآن! به کلام الهی، به وحی آسمانی، سخن از «ماء معین» می‌گوید!

در مورد این آیه فکر می‌کنم، آیا مقصود از «ماء معین» چیست؟ و آب گوارا به دست چه کسی است؟

چه کسی ساقی تشنگان است؟ شما به من بگویید: ساقی کوثر چه کسی است؟ الآن نسل تشنه‌ی حقیقت را چه کسی سیراب می‌کند؟

﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؟ ...

یافتم... یافتم! من به شما زکات علم می‌دهم؛ شکر یافتن در یافتن دیگران است؛ نجات دیگران از مهلکه‌ی جهل و غفلت!

«ماء معین» مهدی آل محمد علیهم‌السلام است.

آب گوارا، از «بحرین» علم و عصمت... همان بحرین که «لؤلؤ» و «مرجان» دارد... [۲۷] لؤلؤ صلح و مرجان قیام!



مهدی هم صلح دارد با مستضعفان، و هم قیام دارد با مستکبران.
 آب آور و ساقی تشنگان، نه مردگان! بیایید تشنه باشیم و به مصداق
 ﴿قلیل من عبادی الشکور﴾ [۲۸] به ﴿بئر معطله﴾ [۲۹] سری بزنیم و دست
 ساقی را ببوسیم.

یافتم!... یافتم!

مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح
 بخوانید.

علوخواهی و فساد انگیزی، مگر مصلح بودن است؟!

﴿إعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها﴾ [۳۰]

مهدی آل محمد علیهم السلام مصلح است؛ شما اگر راست بگویید و به
 وظایف زمان غیبت عمل کنید، زمینه سازان صلح‌اید.
 عالمان! اندیشمندان! به علم و اندیشه‌ی خودتان مغرور نگردید،
 شما کمی از زیاد را هم نمی‌دانید، قطره‌ای از اقیانوس علم را هنوز حایز
 نیستید!

برای چه تکبر می‌کنید و به چه علت مغرورید؟

چه بخواید و چه نخواهید، ﴿من عنده علم الكتاب﴾ [۳۱] خواهد
 آمد.

آیا خود را با او برابر می‌بینید؟ ﴿هل یستوی الذین یعلمون والذین
 لا یعلمون﴾ [۳۲] یا به وجود او ایمان ندارید؟! پس «روایات المهدی علیه السلام»
 در کتب فریقین چه می‌شود؟ و مگر او فرزند امام عسکری علیه السلام یازدهمین
 اخترخاندان رسالت نیست؟ [۳۳] مگر می‌شود او هنوز متولد نشده باشد؟

با علمتان جهل می‌ورزید، علم وسیله‌ی بیداری مردم است، نه بهانه‌ای برای نشر جهالت!

حمد خدای را، که آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ﴾ [۳۴] را خوانده و تفسیر و تأویلش را دانستم.

خداوندا! تشنه بودم، آب حیات مهدوی به من رساندی و از دریای مهلک جهل و غفلت و عدم شناخت امام مهدی علیه السلام نجاتم دادی! با این آیه، دانستم که آمدن او حتمی است.

می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا﴾ - الله اکبر! - از ناحیه‌ی قدرت، قادر متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَتَبْنَا﴾؛ در کتب آسمانی قبل، در صحف سماویه بشارت داده‌ایم، به تشنگان گفته‌ایم، که حکومت زمین به بندگان صالح می‌رسد. مقصود حکومت مهدی آل محمد علیهم السلام است؛ پس چرا کلمه‌ی بندگان را به کار برده است؟ حکومت او حکومت بندگان خداوند است، نجات بندگان در تحت لوای ولایت اوست؛ مگر می‌شود کسی بنده‌ی صالح باشد، بدون این‌که توّسل و تمسّک به ولایت او داشته باشد؟! به به... چه آیه‌ای!

این آیه را برای همگان بخوانید، به زبان‌های مختلف ترجمه کنید، در مدخل دانشگاه‌های دنیا بزنید؛ همه بدانند که او خواهد آمد.

همه بدانند تا مأیوس نباشند؛ همه بدانند تا امیدواری را با امید استقبال کنند و فاتحه‌ی یأس را در جامعه بخوانند!

مسلمانان، با آیه‌ی ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾ [۳۵] به انتظار آمدن حبل الله باشند و با گل علم و عمل، مقدم منتظر را گرامی بدارند. موخّدان، با

عطر توحید و کلمه‌ی « لا اله الا الله » به دیدار شرط فلاح بشتابند^[۳۶] و بزرگی کردگار را در آینه‌ی دلدار ببینند.

بر آن سریم که سر به پایش نهیم و مقدمش را بوسه باران کنیم.
بر آن قصدیم که بر محور « کتاب الله » و میزان « عترت »، مطهر باشیم
تا لایق درک مطهر شویم!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
سید محمود بحر العلوم میردامادی

● پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۶.
- ۲- سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳.

قالت عائشة: خرج النبي ﷺ غداه وعليه مرط مرخل من شعر اسود فجاء الحسن بن علي ﷺ فادخله ثم جاء الحسين ﷺ فدخل معه ثم جاءت فاطمة ﷺ فادخلها ثم جاء علي ﷺ فادخله، ثم قال: ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا﴾

(صحيح مسلم، كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل اهل بيت النبي ﷺ / السنن الكبرى، بيهقي، حديث ۲۸۵۸)

عن ام سلمة قالت: في بيتي نزلت: ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت﴾، قالت فارسل رسول الله ﷺ الى علي وفاطمة والحسن والحسين ﷺ فقال: «هؤلاء اهل بيتي». حاكم نيشابوري پس از نقل این روایت از بخاری انتقاد کرده و می‌گوید: «هذا حديث صحيح على شرط البخاري و لم يخرجه».

(المستدرک على الصحيحين، كتاب معرفة الصحابة، حديث ۴۷۵۹ به بعد)

عن ابي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: نزلت هذه الآية في خمسة: في

وفي علي والحسن والحسين وفاطمة عليهم السلام: ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس / اهل البيت و يطهركم تطهيرا﴾.

عن انس ان النبي صلى الله عليه وآله كان يمرّ ببیت فاطمة عليها السلام ستة اشهر كلما خرج الى الصلاة فيقول الصلاة: ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا﴾.

(تفسير جامع البيان، طبري، ذيل آيه‌ی شريفه، حديث ٢١٧٢٧ به بعد)

اخرج الطبراني عن ام سلمه رضي الله عنها: ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لفاطمة رضي الله عنها، ائتني بزوجهك و ابنيه فجاءت بهم فالقى رسول الله صلى الله عليه وآله عليهم كساء فدكيا ثم وضع يده عليهم ثم قال: اللهم ان هؤلاء اهل محمد صلى الله عليه وآله - و في لفظ آل محمد عليهم السلام - فاجعل صلواتك و بركاتك على آل محمد عليهم السلام كما جعلتها على آل ابراهيم انك حميد مجيد قالت ام سلمه رضي الله عنها: فرفعت الكساء لادخل معهم فجذبه من يدي و قال: انك على خير.

(تفسير الدر المنثور، سيوطي، ذيل آيه‌ی شريفه، به ضميمه‌ی چند روايت ديگر)

٣- نجم الثاقب، صفحہ ٦١٢.

٤- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله عزوجل و عترتي كتاب الله

حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتي اهل بيتي و ان اللطيف الخبير اخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا بم تخلفوني فيهما.

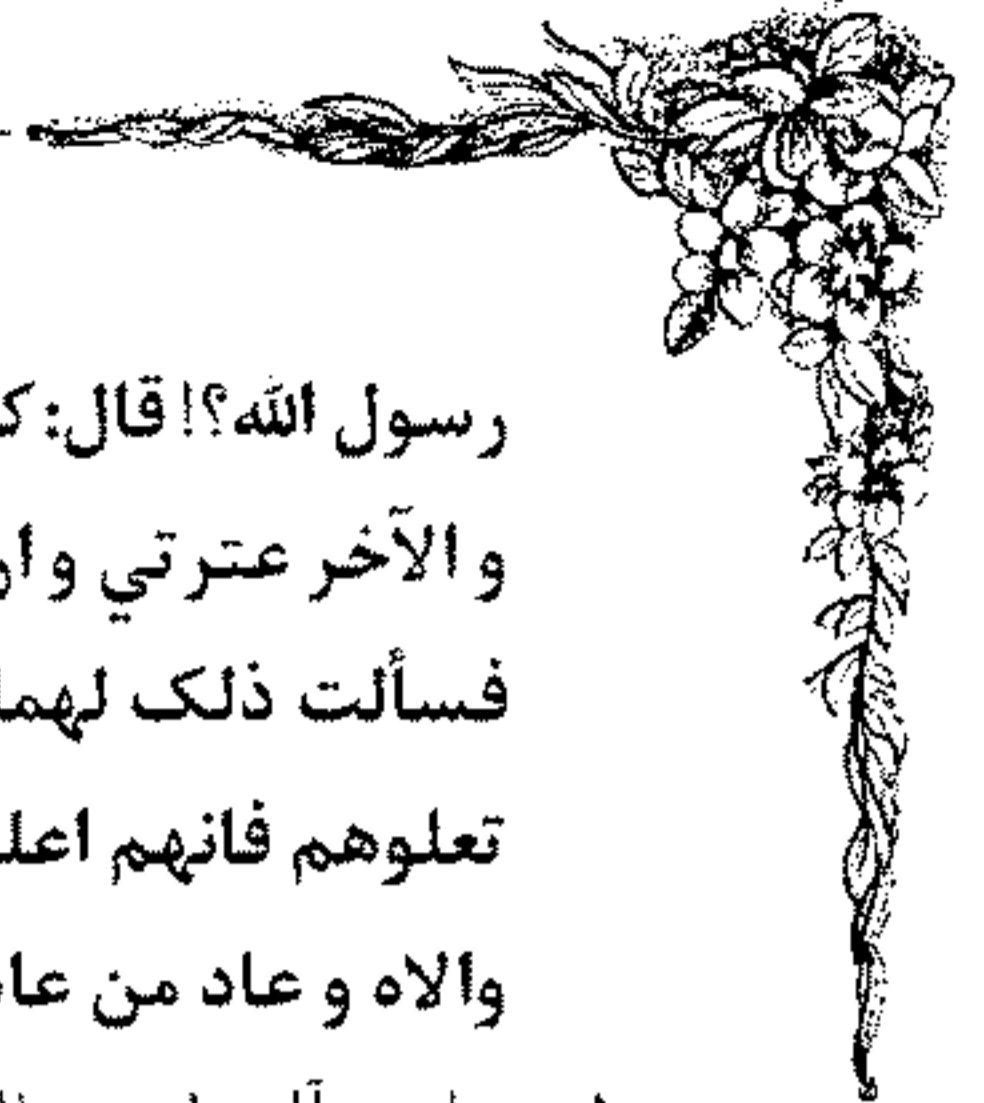
(مسند احمد، جلد ٣، صفحہ ١٨، و جلد ٢، صفحہ ١٧ / كنز العمال، متقى هندی حديث ٩٤٤ و احاديث بعد از آن)

عن زيد ابن ارقم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وآله يوما خطيباً فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: الا ايها الناس فانما انا بشر يوشك ان ياتي رسول ربي فاجيب و انا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله فيه الهدى و النور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به فحث على كتاب الله و رغب فيه ثم قال و اهل بيتي اذكرم الله في اهل بيتي اذكرم الله في اهل بيتي اذكرم الله في اهل بيتي

(صحيح مسلم، طبع سعودي، كتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل علي بن ابي

طالب عليه السلام / سنن الدارمي، دارالكتب العربي، جلد ٢، صفحہ ٥٢٤، حديث ٣٣١٦)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين؟ قالوا و ما الثقلان، يا



رسول الله؟ قال: كتاب الله طرفه بيد الله و طرفه بايديكم فاستمسكوا به ولا تضلوا
والآخر عترتي وان اللطيف الخبير نبأني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض
فسألت ذلك لهما ربي فلا تقدموهما فتهلكوا و لا تقصروا عنهما فتهلكوا و لا
تعلوهم فانهم اعلم منكم من كنت اولي به من نفسه فعلى وليه اللهم وال من
والاه و عاد من عاداه. (كنز العمال، متقى هندی، حديث ۹۵۷)

۵- زیارت آل یاسین علیه السلام، مفاتیح الجنان، محدث قمی .

۶- سوره ی مبارکه ی فرقان، آیه ی ۵۷ .

۷- عن ابي بريدة في قول الله اهدنا الصراط المستقيم قال صراط محمد و آله / عن
ابن عباس في قول الله تعالى اهدنا الصراط المستقيم قال: يقول قولوا معاشر
العباد: اهدنا الى حب النبي و اهل بيته / عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلوات الله عليه
لعلي بن ابي طالب عليه السلام: انت الطريق الواضح و انت الصراط المستقيم و انت
يعسوب المؤمنين / عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلوات الله عليه: ان الله جعل
علياً و زوجته و ابنائه حجج الله على خلقه و هم ابواب العلم في امتي من
اهتدى بهم هدى الى صراط مستقيم / عن ابي جعفر الباقر عن ابيه عن جده عليه السلام
قال، قال رسول الله صلوات الله عليه: من سره ان يجوز على الصراط كالريح العاصف و يلج
الجنة بغير حساب فليتولّ وليي و وصيي و صاحبي و خليفتي على اهلي علي
ابن ابي طالب عليه السلام، و من سره (و من اراد خ) ان يلج النار فليترك ولايته فوعزه
ربّي و جلاله انه لباب الله الذي لا يؤتى الامنه، و انه الصراط المستقيم و انه الذي
يسأل الله عن ولايته يوم القيامة / عن ابي عبد الله عليه السلام قال: الصراط الذي قال
ابليس: ﴿ لا قعدن لهم صراطك المستقيم ﴾ (اعراف: ۱۶) فهو عليّ ۷ / عن حذيفة
قال: قال رسول الله صلوات الله عليه: ان تولوا علياً - و لن تفعلوا - تجدوه هادياً مهدياً يسلك
بكم الطريق / قال عبدالرحمن بن زيد بن اسلم عن ابيه في قول الله تعالى: ﴿ صراط
الذين انعمت عليهم ﴾ قال: النبيّ و من معه و عليّ بن ابي طالب و شيعته .

حاکم حسکاني در کتاب «شواهد التنزيل» که به تفسیر آیات نازلہ در شأن اهل بیت
اختصاص دارد با نقل این روایات و نظایر آن، منظور از «صراط مستقیم» را منحصر
در وجود مقدس پیغمبر خدا صلوات الله عليه و اهل بیت معصوم ایشان علیهم السلام می داند.

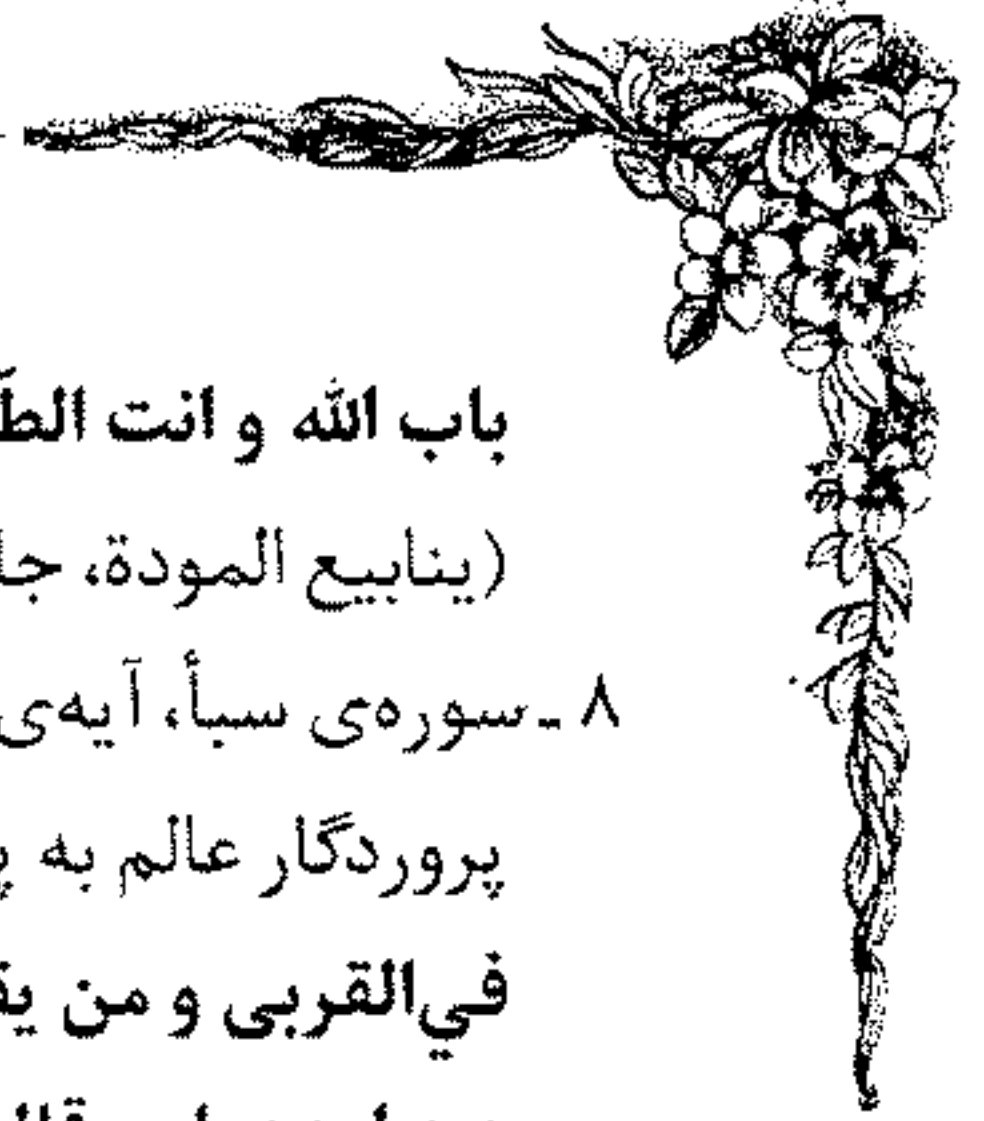
قندوزی حنفی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿ان الذين لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناكبون﴾ (توبه: ۷۴) از اصبع ابن نباته از لسان در افشان امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «صراط، اهل بیت هستند». (ینابیع المودة، ج ۱، صفحه‌ی ۳۳۸ با ذکر چند روایت دیگر با این مضمون). وی همچنین در ذیل آیه شریفه ﴿وانك لتدعوهم الى صراط مستقیم﴾ (مؤمنون: ۷۳) از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌نویسد: «صراط مستقیم» ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۹)

خطیب خوارزمی در مناقب می‌نویسد: صراط بر دو قسم است: صراط دنیا و صراط آخرت، منظور از صراط دنیا، علی بن ابی طالب علیه السلام و منظور از صراط آخرت، پل (روی) جهنم است؛ کسی که صراط دنیا را بشناسد می‌تواند از صراط آخرت بگذرد. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن گاه که قیامت بر پا شود و صراط بر جهنم نصب شود، احدی از آن نمی‌گذارد، مگر کسی که جوازی با عنوان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به همراه داشته باشد و این همان قول خداوند تعالی است که فرمود: ﴿وقفوهم انهم مسئولون﴾: آن‌ها را نگاه دارید که مورد بازخواست و پرسش هستند». (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۸)

ابواسحاق ثعلبی مفسر معروف عامه نیز در تفسیر «الکشف والبیان» به نقل از ابوهریره منظور از «صراط مستقیم» را صراط و راه محمد و آل محمد علیهم السلام می‌داند.

قندوزی حنفی با نقل چند روایت دیگر به اثبات دلالت صراط مستقیم بر وجود اقدس حضرات معصومین علیهم السلام می‌پردازد که ذیلاً به بعضی آنها اشاره می‌شود: حضرت علی بن الحسین علیه السلام می‌فرماید: «ما (اهل بیت) ابواب الله و صراط مستقیم و گنجینه‌ی علم الهی و ترجمان وحی خدا و ارکان توحید و جایگاه سر خداوندی می‌باشیم». (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۶ و جلد ۳، صفحه‌ی ۳۵۹)

امام باقر و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «منظور از صراط مستقیم امام است و منظور از این که خداوند فرموده است: ﴿ولاتتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله﴾ (انعام ۵۳) راه غیر امام است و ما (اهل بیت) راه خدا هستیم». (ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۳۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یا علی! انت حجة الله و انت



باب الله و انت الطريق الى الله و انت النبا العظيم و انت الصراط المستقيم ...».

(ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۴۰۲)

۸- سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۷: ﴿قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم﴾.

پروردگار عالم به پیامبرش امر می‌فرماید: ﴿قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى و من يقترف حسنة نزد له فيها حسنا﴾. (شوری: ۲۳)

عن ابن عباس قال لما نزلت: ﴿قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى﴾ قالوا: يا رسول الله! من هؤلاء الذين امرنا الله بمودتهم؟ قال: «علي عليه السلام و فاطمة عليها السلام و ولداهما عليهم السلام». (شواهد التنزيل، جلد ۲، صفحه ۱۳۱)

بیضاوی مفسر معروف عامه می‌نویسد: چون این آیه‌ی شریفه نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: نزدیکان تو (که خداوند امر به مودت آنان فرموده) چه کسانی هستند؟ فرمود: «علی عليه السلام و فاطمه عليها السلام و دو پسرشان عليهم السلام». سپس فرمود: «معنی اقتراف حسنه (کار نیکو کردن)، کسب طاعت، خصوصاً محبت آل رسول است».

(انوار التنزيل، بیضاوی، جلد ۲، صفحه ۳۹۷) دیگر مصادر عامه نیز نظیر تفسیر کشاف، جلد ۴، صفحه ۲۲۰؛ مناقب ابن مغزالی، صفحه ۲۶۳؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ تفسیر ثعلبی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، صفحه ۱۰۱ و ۱۳۵؛ احیاء المیت، سیوطی، صفحه ۲۳۹؛ الدر المنثور، جلد ۷، صفحه ۳۴۸؛ تفسیر طبری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ شواهد التنزيل، جلد ۲، صفحه ۱۳۰ و ... مصداق «قربى» را آل محمد عليهم السلام و مصداق «اقتراف حسنه» را مودت آل محمد عليهم السلام می‌دانند.

۹- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

این روایت و نظایر معنوی آن: (بغیر امام، ليس في عنقه بيعة، و...) در مدارک عامه نظیر: صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ۱۴۷۸؛ کتاب الامارة؛ تفسیر ابن‌کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه ﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾؛ ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۴۵۶، نقل شده است.

۱۰- سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۹.

رازی مفسر معروف عامه می‌نویسد: «کسی که جایز الخطاست واجب است به کسی

که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را "صادقین" نامیده است؛ لذا این آیه دلالت می‌کند بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان شوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشند و الا این دستور، تکلیف به مالایطاق است.» (تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷؛ تاریخ مدینه‌ی دمشق، ترجمه‌ی علی بن ابی طالب رضی الله عنه، جلد ۴۲، صفحه‌ی ۳۶۱؛ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳؛ فتح القدير شوکانی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۰۲؛ الصواعق المحرقة ابن حجر، صفحه‌ی ۱۵۰؛ ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۴۸ و ۳۵۸؛ الدر المنثور سیوطی، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۱۶؛ روح المعانی آلوسی، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۴۰ و... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود مقدس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذعان نموده‌اند.

۱۱ - ﴿هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين﴾. (سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲)

۱۲ - سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷.

عن ابن عباس قال: لما نزلت (انما انت منذر و لكل قوم هاد)، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «انا المنذر و علي الهادي من بعدي و ضرب بيده علي صدر علي». فقال: «انت الهادي بعدي يا علي! بك يهتدي المهتدون». و في المناقب عن محمد بن مسلم قال: سئلت هذه الآية عن جعفر الصادق رضی الله عنه قال: «قال كل امام هاد لكل قوم في زمانه». (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹۷)

عن عبدالرحيم عن الباقر رضی الله عنه قال في تفسير الآية رسول الله صلی الله علیه و آله: «انا المنذر و علي الهادي، اما والله ما زالت فينا الى الساعة». (مأخذ پیشین)

عن ابي هريره في قوله تعالى: ﴿انما انت منذر﴾ يعني رسول الله صلی الله علیه و آله و في قوله: ﴿و لكل قوم هاد﴾، قال: سألت عنها رسول الله صلی الله علیه و آله و قال: «ان هادي هذه الأمة علي بن ابی طالب رضی الله عنه». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹۷)

عن عبدالله بن عامر قال: از عجت الزرقاء الكوفيه الى معاويه فلما ادخلت عليه قال لها معاوية: ما تقولين في مولى المؤمنين علي؛ فانشات تقول:

صلی الاله على قبر تضمنه نور فاصبح فيه العدل مدفونا
 من حالف العدل والايمان مقترنا فصار بالعدل والايمان مقرونا
 فقال لها معاوية كيف غررت فيه هذه الغريرة؟ فقالت: سمعت الله يقول في
 كتابه لنبيه: ﴿انما انت منذر و لكل قوم هاد﴾ المنذر رسول الله ﷺ، والهادي
 علي ولي الله ﷺ. (شواهد التنزيل، جلد ٢، صفحہ ٣٠٢)
 روایات دیگری با همین مضامین در دیگر کتب عامه نظیر: کنز العمال، متقی هندی،
 حدیث ٤٤٤٣؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ٢، صفحہ ٥٢٠؛ المستدرک علی الصحیحین،
 حاکم نیشابوری، جلد ٣، صفحہ ١٤٠؛ الدر المنثور سیوطی، جلد ٤، صفحہ ٦٠٨
 و ... به چشم می خورد.

١٣- ﴿ولا يعلم تأويله الا الله والراسخون في العلم﴾. (سوره آل عمران، آیه ٧)
 ... عن ابان بن ابي عياش حدثني سليم بن قيس الهلالي قال: سمعت عليا يقول:
 ما نزلت علي رسول الله ﷺ آية من القرآن الا قرانيها - او املاها - علي فاكتبها
 بخطي و علمني تأويلها و تفسيرها و ناسخها و منسوخها و محكمها و متشابها و
 دعا الله لي ان يعلمني فهمها و حفظها، فلم انس منه حرفا واحدا. في حديث
 طويل اختصرته.

عن انس قال: قال النبي ﷺ علي يعلم الناس بعدى من تأويل القرآن ما لا يعلمون.
 عن علقمه بن قيس قال: قال علي ﷺ: «سلوني يا اهل الكوفة قبل ان لاتسألوني
 (كذا) فوالذي نفسي بيده ما نزلت آية الا وانا اعلم بها اين نزلت و في من نزلت،
 في سهل ام في جبل او في مسير ام في مقام».

عن عمير بن بشر الخثعمي قال: قال عمر: علي ﷺ اعلم الناس بما انزل الله علي
 محمد ﷺ.

(شواهد التنزيل، جلد ١ صفحہ ٣٠ به بعد، فصل ٤، في توحده بمعرفة القرآن و
 معانيه و تفرد به بالعلم بنزوله و مافيه)

١٤- «المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق» (مفاتيح الجنان،
 صلوات ماه شعبان)

١٥- سوره حديد، آیه ١٢ و ١٣.

﴿ يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين ايديهم و بايمانهم... يوم يقول المنافقون والمنافقات للذين آمنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا ورائكم فالتمسوا نوراً... ﴾.

(روى) القمي عن الصادق عليه السلام: «... و من لم يجعل الله له نوراً يعني اماماً من ولد فاطمة عليها السلام فما له من نور فما له من امام يمشي بنوره كما في قوله تعالى: يسعى نورهم بين ايديهم و بايمانهم، قال: انما المؤمنون يوم القيامة نورهم يسعى بين ايديهم و بايمانهم حتى ينزل منازلهم من الجنان». (تفسير الصافي، سوره‌ی نور آیه‌ی ۴۰)

۱۶- سوره‌ی حديد، آیه‌ی ۲۵.

عن داود الرقي قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿... والسماء رفعها و وضع الميزان﴾، قال: «السماء» رسول الله صلى الله عليه وآله قبضه الله ثم رفعه اليه و وضع الميزان و «الميزان» امير المؤمنين عليه السلام و نصبه لهم من بعده قلت: ﴿الا تطغوا في الميزان﴾؟ قال: «لا تطغوا» في الامام بالعصيان والخلاف قلت: ﴿واقموا الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان﴾؟ قال: اطيعوا الامام بالعدل ولا تبخسوه في حقه». (تفسير برهان، ذيل آيات شريفه)

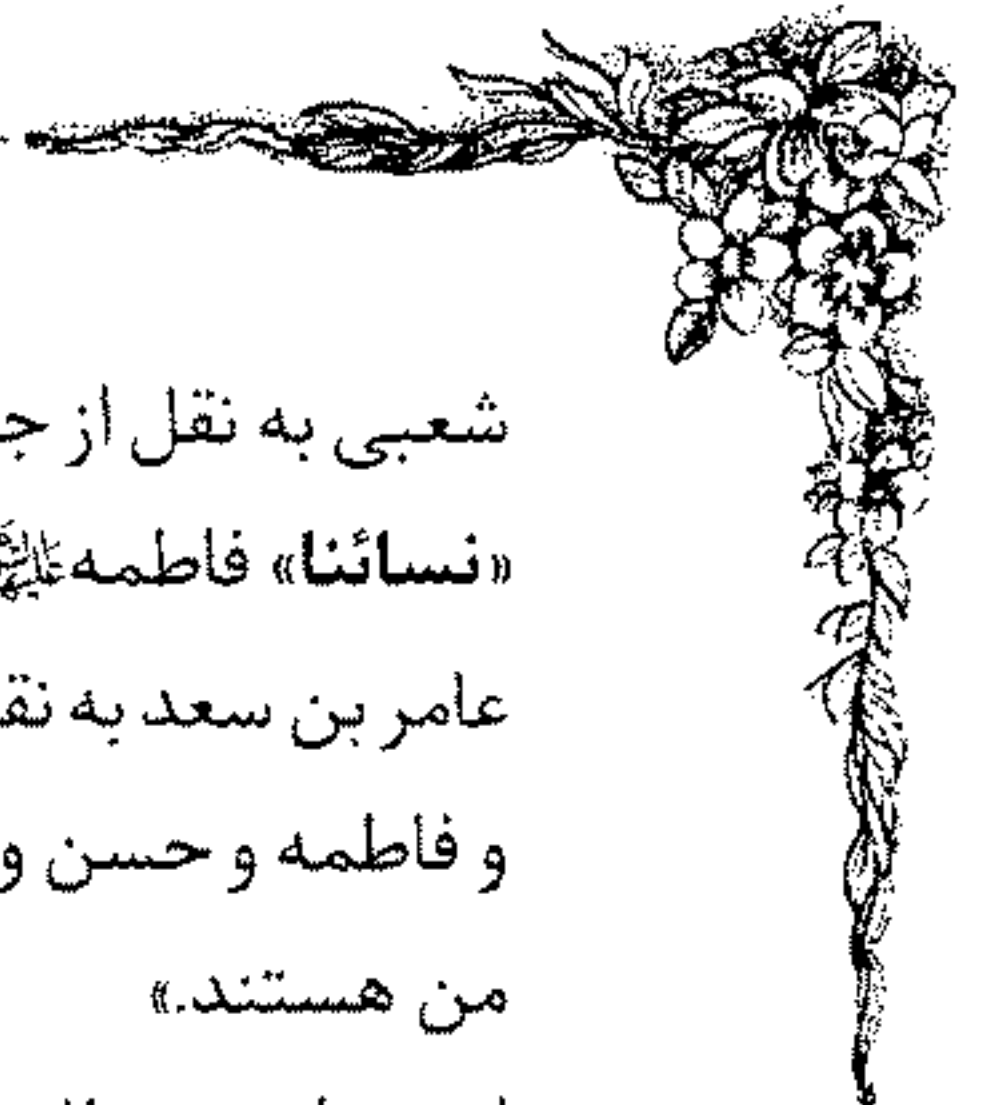
در زیارت امیرالمؤمنین عليه السلام در روز مولود، می خوانیم: «السلام عليك يا ميزان يوم الحساب». (مفاتيح الجنان)

۱۷- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۵.

اميرالمؤمنين عليه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: «ائمه از فرزندان من هستند، هرکس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده و هرکس مخالفت آنان کند، با خدا مخالفت ورزیده است؛ ایشانند عروة الوثقى و ایشانند وسیله (تقرب) به خداوند عزوجل». (ینابيع المودة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۹۲)

۱۸- دعای توسل، مفاتيح الجنان.

۱۹- ﴿فمن حاجك فيه من بعد ما جائك من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائكم و نسائنا و نسائكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين﴾. (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۱)



شعبی به نقل از جابر می‌گوید: منظور از «ابنائنا» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از «نسائنا» فاطمه علیها السلام و مصداق «انفسنا» علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند. عامر بن سعد به نقل از پدرش گوید: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و عرضه داشت: «بارخدا یا! این‌ها اهل من هستند.»

این روایت و نظایر آن را صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»، حدیث ۳۲؛ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۲۰، با ذکر ۹ روایت؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفة الصحابة، باب «من مناقب اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله» با ذکر ۷ روایت؛ الدر المنثور، ذیل آیه‌ی شریفه، به عبارات و طرق مختلفه از بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابونعیم، حاکم نیشابوری، ابن جریر، ابن مردویه، عبدالرزاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی، تفسیر طبری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ تفسیر کشاف زمخشری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ جامع ترمذی، حدیث ۳۷۲۴؛ کفایة الطالب گنجی، الباب الثانی والثلاثون فی قوله عزوجل فی آیه المباهلة؛ مناقب ابن مغزلی حدیث ۳۶۲؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ و... نقل نموده‌اند.

رازی، مفسر معروف و متعصب عامه، ذیل این آیه‌ی شریفه می‌نویسد: «بدان که گویا این روایت در میان همه‌ی اهل تفسیر و حدیث، صحیح شمرده شده است.» ۲۰- دعای ندبه.

۲۱- عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «القائم من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی ملّتی و شریعتی...» (کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶) ۲۲- سوره‌ی هود، آیه ۸۶.

عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول: ... اذا خرج (القائم) اسند ظهره الی الکعبه و اجتمع الیه ثلاث مائه و ثلاثه عشر رجلا و اول ما ینطق به هذه الآیه «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»، ثم یقول: «أنا بقیة الله فی ارضه...» (بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۱۹۲)

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

خروج کند، به خانه‌ی کعبه تکیه فرماید و ۳۱۳ نفر نزد او اجتماع کنند. اولین جمله‌ای / که آن حضرت در این هنگام بر زبان جاری می‌کند، این آیه‌ی شریفه است.

۲۳- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می‌کنند و بر محبت اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۱۴)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی یونس ﴿فقل انما الغیب لله فانظروا...﴾ می‌فرماید: «غیب در این آیه حجت قائم علیه السلام است.» (ینابیع المودّة، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۴۱)

۲۴- اشاره به فرازی از دعای شریف ندبه «... بأی أرض تقلک او ثری ابرضوی او غیرها أم ذی طوی؟» («رَضوی» کوهی است در نزدیکی مدینه و ذی طوی موضعی است در یک فرسخی مکه در راه تنعیم).

امام باقر علیه السلام در حالی که با دست مبارکش به ناحیه‌ی «ذی طوی» اشاره می‌نمود، می‌فرمود: «برای حضرت صاحب الامر علیه السلام غیبتی است در بعضی از این شعبه‌ها و کوه‌ها.» (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نمل)

۲۵- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۲: ﴿من قتل نفساً... فکأنما قتل الناس جميعاً و من أحيأها فکأنما أحيأ الناس جميعاً﴾ .

۲۶- سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۰.

علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در مورد این آیه فرمود: «یعنی هنگامی که امامتان غایب شود، کیست که جز او برایتان امامی جدید بیاورد؟» (ینابیع المودّة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۵۳)

۲۷- ﴿مرج البحرین يلتقیان، بینهما برزخ لا یبغیان... یرج منهما اللؤلؤ والمرجان﴾ (سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۱۹ تا ۲۲)

سلمان و ابن عباس و ضحاک درباره‌ی این آیات شریفه می‌گویند: «منظور از بحرین، علی و فاطمه علیهما السلام و منظور از برزخ، پیامبر صلی الله علیه و آله و مراد از لؤلؤ و مرجان، حسنین علیهما السلام می‌باشند.» (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۰۸؛ مناقب ابن مغازلی صفحه‌ی ۲۷۷)

۲۸- سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳.

۲۹- سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۵: ﴿وَبِئْرٍ مَعَطْلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ﴾. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«منظور، علی عليه السلام است». (مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۸۴)
 علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر عليه السلام نقل می‌کند که درباره‌ی این آیه‌ی شریفه فرمود: «منظور از ﴿بِئْرٍ مَعَطْلَةٍ﴾ امام صامت و ﴿قَصْرِ مَشِيدٍ﴾ امام ناطق است. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۲۷)

مرحوم علی بن ابراهیم قمی (علیه الرحمة) می‌نویسد: «و اما قوله: ﴿وَبِئْرٍ مَعَطْلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ﴾ قال: هو مثل لآل محمد عليه السلام; قوله ﴿بِئْرٍ مَعَطْلَةٍ﴾، هي التي لا يستسقي منها وهو الامام الذي قد غاب فلا يقتبس منه العلم، و«القصر المشيد» هو المرتفع وهو مثل لأمير المؤمنين عليه السلام والائمة عليهم السلام وفضائلهم المشرفة على الدنيا وهو قوله: ﴿ليظهره على الدين كله﴾. وقال الشاعر في ذلك:

بئر معطلة و قصر مشرف	مثل لآل محمد <small>عليهم السلام</small> مستطرف
فالقصر مجدهم الذي لا يرتقي	والبئر علمهم الذي لا ينزف

(تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۰)

۳۰- سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۷.

في الاكمال عن الباقر عليه السلام قال: «يحييها الله تعالى بالقائم عليه السلام بعد موتها يعني بموتها كفر اهلها والكافر ميت». (تفسیر الصافی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، باب فی نوادر الکتاب، حدیث ۱۳؛ تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه)

۳۱- سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴۳.

عن ابی سعید الخدری قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله تعالى: «ومن عنده علم الكتاب» قال: «ذلك اخي علي بن ابی طالب عليه السلام».

(شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنفيه، ابن عباس، ابی صالح)

۳۲- سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹.

عن ابی جعفر عليه السلام في قوله تعالى: ﴿قل هل يستوي الذين يعلمون...﴾ قال: ﴿الذين يعلمون﴾ نحن؛ ﴿والذين لا يعلمون﴾ عدونا؛ ﴿انما يتذكر اولوا الالباب﴾ شيعتنا.

عن الضحاک عن ابن عباس في قوله: ﴿هل يستوي الذين يعلمون﴾ قال: يعني بـ ﴿الذين يعلمون﴾ علياً عليه السلام واهل بيته من بني هاشم و ﴿الذين لا يعلمون﴾ بني اميه و ﴿اولوا الالباب﴾ شيعتهم (اي شيعة اهل البيت عليهم السلام) (شواهد التنزيل جلد ۲، صفحه ۱۱۶)

۳۳- بسياری از دانشمندان سنی تصريح نموده‌اند که مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرزند بلا فصل امام حسن عسکری عليه السلام می‌باشد.
(راجع المنتخب الأثر في الامام الثاني عشر، الامام المهدي عليه السلام عند اهل السنة) ۳۴- سوره‌ی انبياء، آیه‌ی ۱۰۵.

عن الباقر والصادق عليهما السلام في قوله تعالى: ﴿ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الأرض يرثها عبادي الصالحون﴾، قالوا: «هم القائم و أصحابه». (ينابيع المودة، جلد ۳، صفحه ۲۴۳)

۳۵- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: «العروة الوثقى المودة لآل محمد عليهم السلام» (ينابيع المودة، جلد ۱، صفحه ۳۳۱)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن ابي طالب عليه السلام: «أنت العروة الوثقى». (ينابيع المودة، جلد ۳، صفحه ۲۷۸)

صاحب مناقب می‌نویسد: «ابن عباس گوید: نزد پیامبر صلى الله عليه وآله بودیم که یک اعرابی آمد و گفت: ای رسول خدا! شنیده‌ام که می‌گویی به ريسمان الهی چنگ زنید. ريسمان و حبل الهی چیست؟ پس رسول خدا صلى الله عليه وآله دستش را در دست علی عليه السلام قرار داد و به او فرمود: «به این شخص متمسک شوید، او حبل الله المتين است.» (ينابيع المودة، جلد ۱ صفحه ۳۵۶)

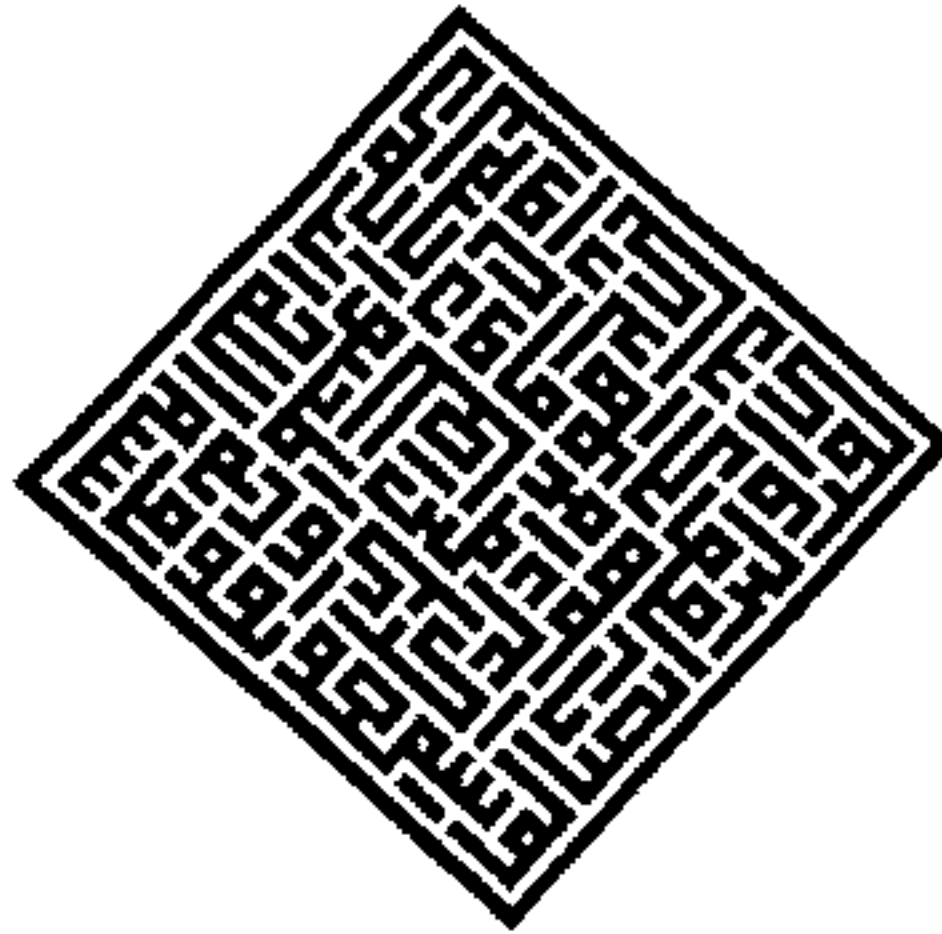
عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله «من احب ان يركب سفينة النجاة و يستمسك بالعروة الوثقى و يعتصم بحبل الله المتين فليوال علياً وليأتم بالهداة من ولده».

عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: «نحن حبل الله الذي قال الله: ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً...﴾ فالمستمسك بولاية علي بن ابي طالب عليه السلام المستمسك بالبر

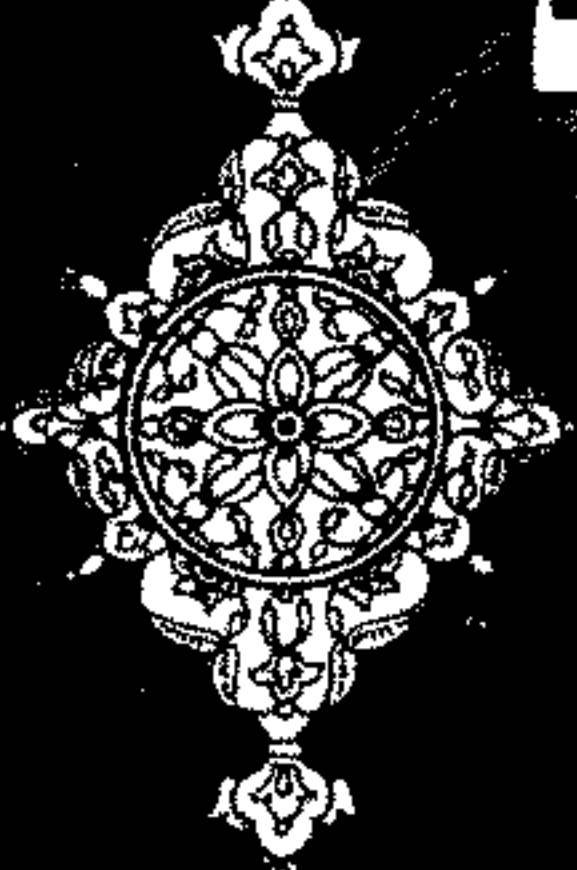
فمن تمسك به كان مؤمنا، و من تركه كان خارجاً من الايمان».
 عن ابن عمر قال: قال رسول الله ﷺ قال لي جبرئيل قال الله تعالى: «ولاية علي بن ابي طالب ﷺ حصني، فمن دخل حصني امن من عذابي». (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحہ ۱۳۰)

۳۶- اشاره به حدیث سلسله الذهب.

قال (علي بن موسى الرضا ﷺ): سمعت أبي موسى ابن جعفر يقول سمعت ابي جعفر بن محمد ﷺ يقول: سمعت ابي محمد بن علي ﷺ يقول: سمعت ابي علي بن الحسين ﷺ يقول: سمعت ابي الحسين بن علي ﷺ يقول: سمعت امير المؤمنين علي بن ابي طالب ﷺ يقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول: سمعت جبرئيل ﷺ يقول: سمعت الله جل وعز يقول: «لا اله الا الله حصني، فمن دخل حصني امن من عذابي»؛ فلما مرت الراحلة نادانا: «بشروطها و أنا من شروطها». «لا اله الا الله دژ محکم من است؛ پس هر آن کس که در قلعه و دژ من درآید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، برما (محدثان نیشابور) بانگ برآورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحار الأنوار، جلد ۴۹، صفحہ ۱۲۳)



چشم خدا می بیند





... حسین شناسان، چرا مهدی شناسی را دنبال نمی کنند؟!؟

مگر عاشورا با انتظار، بی ارتباط است؟

چرا، دهه ی عاشورا و دهه فاطمیه داریم، اما دهه ی مهدویه نداریم؟!؟

... اگر دولت و ملت تمام ماه شعبان را گردهمائی و کنفرانسهای

مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است.

... جشن های روز جهانی کودک را دیدی، چه کارهائی، چه بودجه ای؟!؟

اما به عین الله که می رسیم چشمانمان را می بندیم، یا وقت نداریم و

یا بودجه!!!

... در برابر تهاجم علیه مهدویت چه کرده ایم ...؟!؟



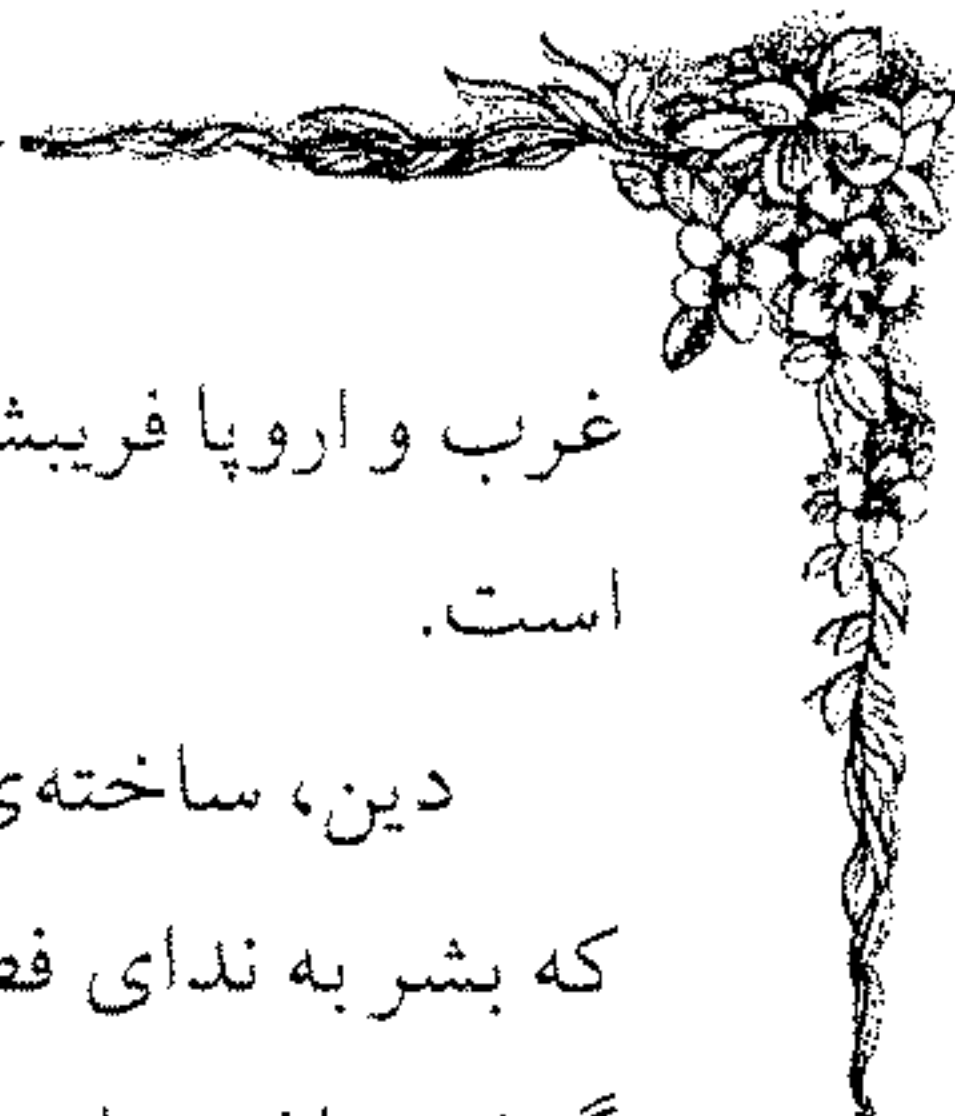
« چشم خدا » می بیند

اگر دیده باشید قلعه‌ها و دژها دیده‌بان دارد، دیده‌بان اخبار بیرون را کسب می‌کند، و به درون دژ و خودی‌ها خبر می‌دهد، به ویژه اگر خطری پیش بیاید، نقش او مانند عین (چشم) است که مُخبر اخبار و خطرها به مغز است.

امام رضا علیه السلام از قول اجداد خود علیهم السلام و از قول خداوند متعال، دین را به قلعه و دژی استوار تشبیه فرموده است. [۱]

این قلعه و دژ برای چیست و به چه کار می‌آید؟ یکی از جوانان خوبمان سؤال می‌کرد که آیا دین، ساخته‌ی ذهن بشر است؟

گفتم: این سخن، ممکن است برای آن‌ها که مجسمه‌ی تبلیغات غربی‌ها و مقلد بیگانه هستند، قابل قبول باشد؛ چون در مسیری سیر می‌کنند که هر حقیقتی را وارونه می‌بینند. ولی نزد آن‌ها که تبلیغات پوچ



غرب و اروپا فریبشان نداده و با دین، بیگانه نیستند، این مطلب مردود است.

دین، ساخته‌ی بشر نیست؛ بلکه بشر ساخته‌ی دین است. آن‌گاه که بشر به ندای فطرت و عقل خود توجه کند و به اوامر پیشوایان نور گوش جان بسپارد، ساخته می‌شود و صفات انسانی در وجود او شکفته می‌گردد و به کمال و رستگاری دست می‌یابد.

این عامل کمال و رستگاری، همان «دین» است که خداوند متعال برای حفظ آن دیده‌بان و «عین» قرار داده است. دیده‌بان خطر را می‌بیند و به اهل دین خبر می‌دهد.

حال دو مطلب را دوستانه بررسی می‌کنیم:

(۱) بدیهی است که دیده‌بان باید ببیند؛ یعنی نباید کور باشد. باید مفاسد و خطرات عقیدتی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، سیاسی و... را بشناسد و درک کند. اگر سارق را نبیند، اگر دشمن را نشناسد، «... کوری ببین عصاکش کور دگر شده»؛ این چه دیده‌بانی است؟!

در یکی از مجلاتی که مطالعه می‌کردم، به مطلب عجیبی برخوردم؛ نوشته بود: «امام زمان باید تجربه بیندوزد»!!!

آقای نویسنده! امام زمان تجربی چه کاری از پیش می‌برد؟ آن هم امام زمانی که صدها سال تجربه آموخته و هنوز هم محتاج تجربه است!!!

آیا ائمه‌ی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علم و آگاهی شان تجربی بوده است یا خدایی؟

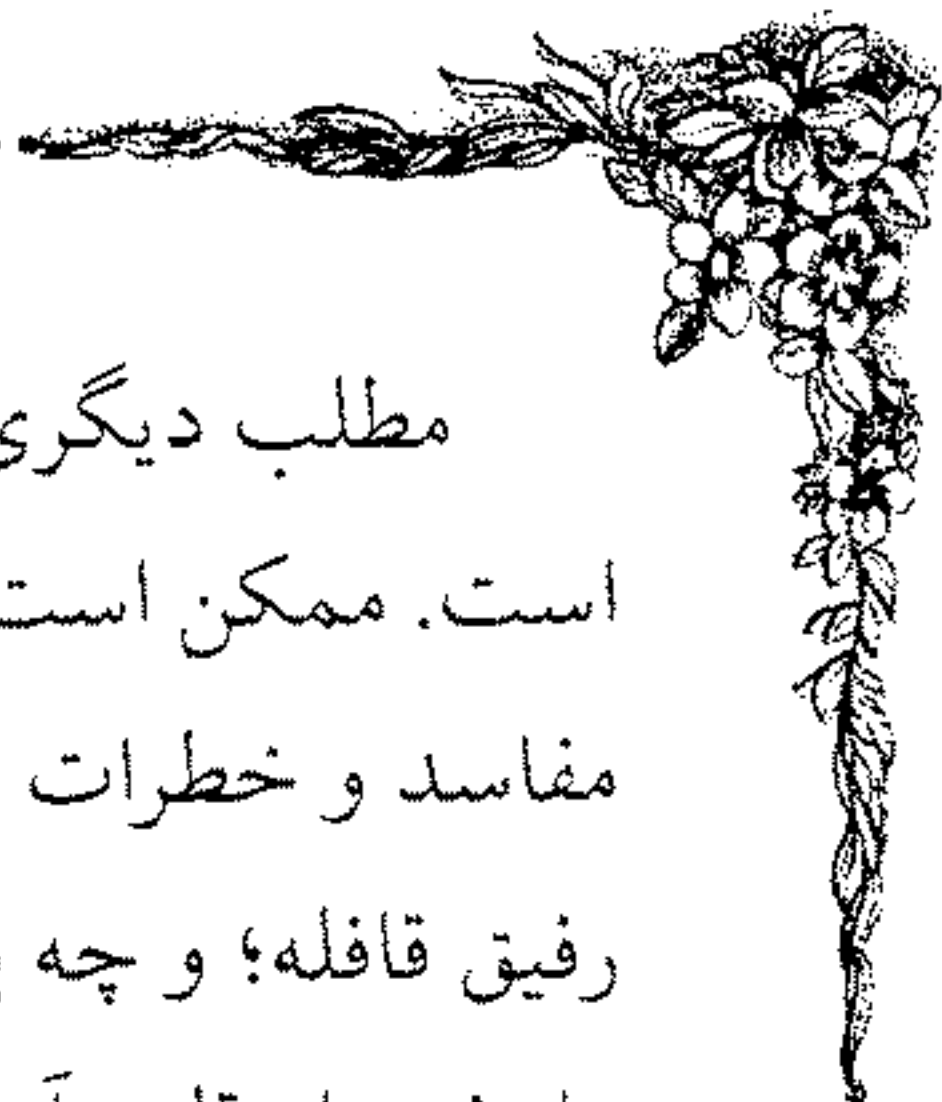
اگر امام، به مدرسه و درس محتاج است، چه کسی استاد اوست؟
و اگر استادی داشته باشد، پس استاد باید امام باشد؛ چرا که استاد،
أعلم از شاگرد است.

به نظر شما چرا این مطالب در مجلات دینی به چشم می خورد؟
آیا نویسندگان این مقالات جاهل اند یا عالم منحرف؟ و چرا اجازه ی
چاپ این مطالب از طرف مسئولین صادر می شود؟
باید بدانیم که منبع و منشأ علم امام، خداوند متعال است. دیده بان
قلعه و دژ دین محتاج کسب تجربه و یا علم آموزی از مردم نیست، بلکه
تنها نیازمند علمِ علیم بالذات است.

(۲) دیده بان باید صادق و امین باشد. داستان چوپان دروغگوراً حتماً
شنیده اید، چوپان دروغگو نمی تواند حافظ و نگهبان باشد؛ نمی تواند
قلعه و دژ را نگهداری کند.

این جاست که باید گفت: خوشا به حال شیعیان، که اولاً معتقد به
علم امامان علیهم السلام هستند و ثانیاً معتقد به عصمت و پاکی آنان.
شیعه معتقد است ائمه علیهم السلام که دیده بان دژ اسلامند، هم علم الهی
دارند و هم عصمت الهی.

ممکن است کسی بگوید: شیعه به چه دلیل این اعتقاد را دارد؟
در جواب می گوئیم: به دلیلی که شرح آن گذشت (دلایل عقلی) و
ادله ی دیگر (دلایل نقلی)؛ که در کتب کلامی و متون اعتقادی بحث آن
به خوبی آمده است. آیات قرآن و روایات بی شمار بر علم امام و عصمت
او دلالت دارد.



مطلب دیگری که باید بررسی شود، شناخت دیده‌بان واقعی دژ است. ممکن است کسانی به دروغ خود را دیده‌بان معرفی کنند، ولی مفسد و خطرات را کتمان کرده و نگویند و خود شریک دزد باشند و رفیق قافله؛ و چه بسا سارقین را به دژ راه داده و شرایط را برای برباد دادن بنیاد قلعه آماده سازند.

این جاست که لزوم بحث امام‌شناسی مطرح می‌شود، امت باید در حدّ خود، عین بصیر و نافذ و اندیشه‌ی صحیح و روشن داشته باشد تا «عین الله واقعی» را بشناسد.

حدیث نبوی «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» [۲] که در کتب شیعه و عامّه آمده است، وظیفه‌ی ما را در «معرفت الحجّة» معلوم نموده است.

کسانی که به دنبال این امر مهم و معنوی نیستند، چه جوابی برای «یوم الدّین» آماده کرده‌اند؟

سفارش‌های «قرآن و عترت» نسبت به علم‌آموزی و کسب دانش، سفارش به کسب دانستنی‌های تجربی و ریاضی نیست؛ اگرچه این علوم و دانستنی‌ها بسیار خوب و در واقع، فضل است، امّا علمِ مطلوب و ذوالمقدّمه، معرفت نسبت به «عین الله» و شناخت دیده‌بان قلعه و دژ اسلام است.

البته تصوّر نشود که دانستنی‌های تجربی، ریاضی و دانش دانشگاهی مردود اسلام است، هرگز! اگر خوب بررسی کنید می‌بینید که مؤسّس این علوم هم، رهبران اسلامی و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام هستند.

«پروفسور مونتگمری وات» (استاد عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان) در کتاب «تأثیر اسلام در اروپا» چنین می نویسد:

«ما اروپایی ها مدیون بودن فرهنگمان را به اسلام نادیده می گیریم. ما اغلب اوقات، گستره و اهمیت تأثیر اسلام را بر میراث فرهنگی مان دست کم می گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلی چشم پوشی می کنیم. امروزه بر ما اروپاییان غربی است که برداشت غلط خود را اصلاح کنیم و بر دینمان نسبت به جهان اسلام و عرب اعتراف نماییم.» [۳]

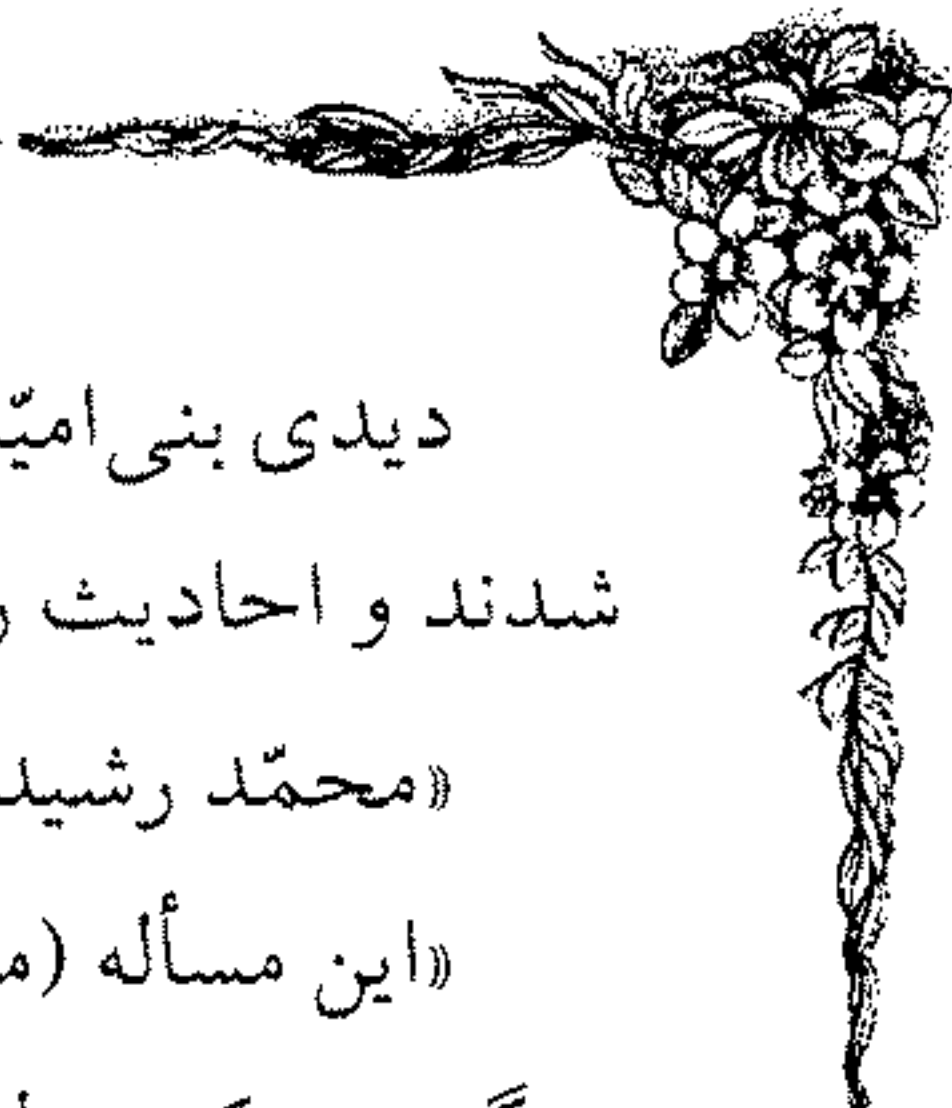
چه کسی می تواند دانش اهل بیت علیهم السلام به خصوص امام باقر و امام صادق علیهم السلام را انکار نماید؟

امام صادق علیه السلام با تربیت چهار هزار شاگرد در رشته ها و علوم مختلف دینی و فنون گوناگون در بین اندیشمندان و محققان بزرگ جهان، مشهور و معروف است و چونان ستاره ای می درخشد.

مطلب مورد نظر ما در این جا آن است که کسب معرفت حجت خدا، وظیفه ی بزرگی است که اگر به آن عمل نکنی، از جمیع خیرات و معارف باز می مانی و به فریب دزدان راه مبتلا می گردی.

صادق و کاذب را باید شناخت و به ولایت صادق و رهبری دیده بان و عین راستین، دل بست.

اگر عین الله و دیده بان خبیر و صادق را شناسی و به نگهبان سارق و ستم پیشه دل بسپری، نه دنیایت آباد می گردد و نه می توانی آخرتی همراه با نورانیت داشته باشی.



دیدى بنى امیه و بنى عباس و حکام جور قبلى، کسب دانش را مانع شدند و احادیث را دفن کردند؟

«محمد رشید رضا» صاحب «المنار» می‌نویسد:

«این مسأله (منع نقل و نوشتن حدیث) بر فرهنگ اسلامى ضربه‌ی بزرگی زده که به‌طور طبیعى جبران ناپذیر می‌باشد». [۴]

واویلاه! چه بگویم؟ برای فریب انسان‌ها و کسب به‌ناحق قدرت‌ها، عین‌الله واقعی و دیده‌بان حقیقی را سارق، و سارق را نگهبان و پاسدار معرفی کردند.

از یکی از بزرگان اهل شام سؤال شد: «ابو تراب» کیست که او را لعن می‌کنید؟

پاسخ داد: فکر می‌کنم یک سارق فتنه‌گر باشد!!! [۵]

یا علی! «یا عین‌الله الناظره و یدة الباسطة و أذنه الواعية!» [۶] قربانت گردم، فدایت شوم، ای اوّل مظلوم! ظلمی که بر تو روا داشتند، در حقّ فرزندت مهدی علیه السلام هم روا می‌دارند.

پس باید عین‌الله را شناخت، چشم خدا تا کجا را می‌بیند؟ ﴿فَسِیرِی اللّٰهُ عَمَلْکُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ﴾ [۷]

آیا حرف‌های روشن‌فکرانها را بزنیم یا سخن خدا را شنوا باشیم؟ آنها می‌گویند: امام نابغه است، استعدادش زیاد است، حافظه‌ی خوبی دارد.

ما می‌گوییم: این طرز تفکر از امام‌شناسی شیعه، که قرآنی است، دور است. امام، استاد، معلم و بزرگ‌نوابغ است. خوش‌استعدادان و

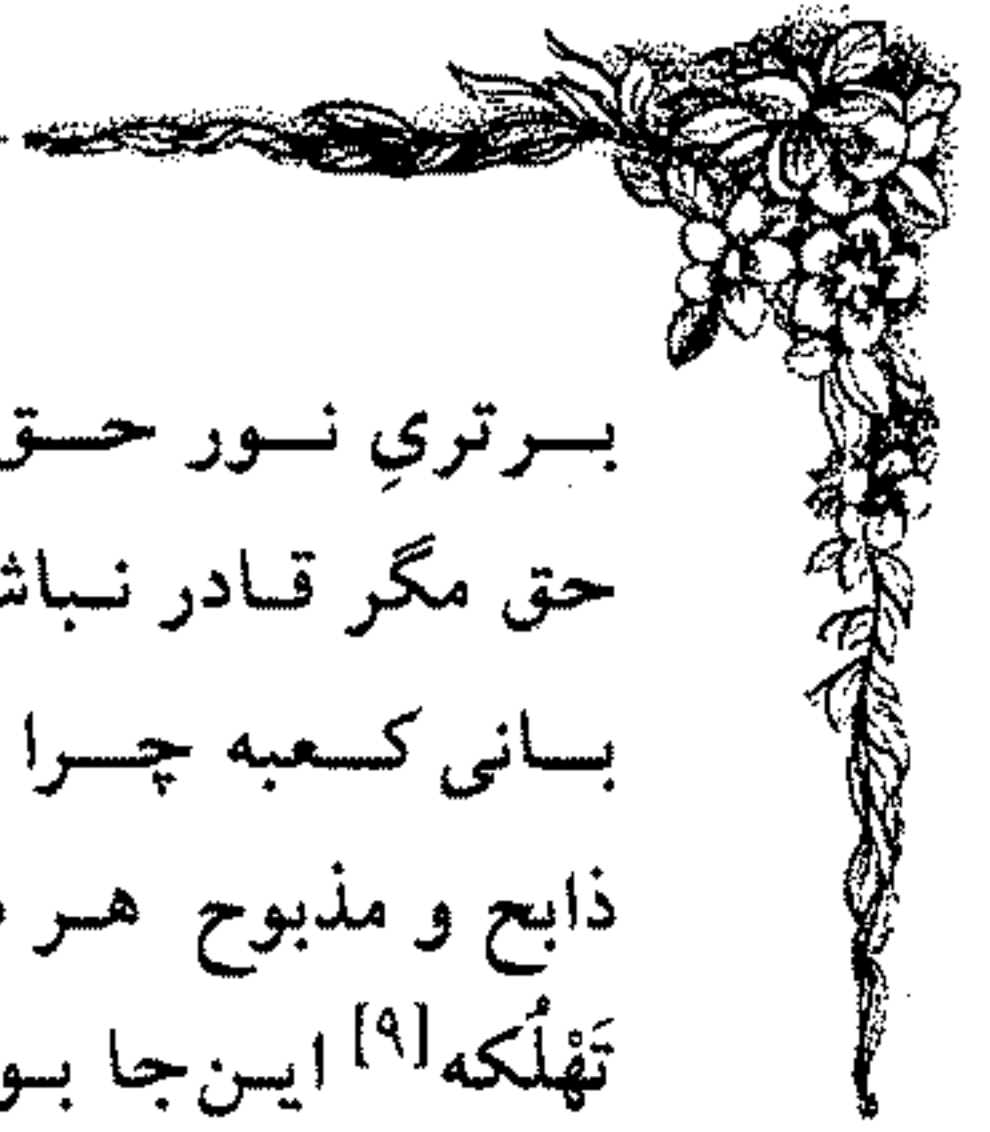
حافظه داران عالم، نظر شده‌ی امامند. امام عین الله است، چشم خدا!
 / خوب فکر کن! می گویم امام «عین الله» است، چشم خدا.
 مثلاً آیا امام حسین علیه السلام وقایع کربلا را نمی دانست؟ اسرار را نمی دید؟
 از شهادت با خبر نبود؟

البته که می دانست و می دید؛ «عین الله» کور نیست، اما گاهی این
 آگاهی را بروز نمی دهد و برای مصلحت و یا مصالحی، مطلب را آشکار
 نمی فرماید. این مطالب، ابتدائیات مدرسه‌ی شیعه است، ولی بعضی
 نویسندگان و یا گویندگان غافل اند و یا خود را به غفلت می زنند.

علامه‌ی بزرگوار مرحوم آقای محمدتقی جعفری رحمته الله علیه می فرماید:
 «علم ماورای طبیعی و تصرف خلاف روش طبیعی در حقوق و
 مقررات تثبیت شده که از بنده‌ای مانند خضر بروز کرده است، اثبات
 کننده‌ی همین مزیت است که پیشوایان الهی و اولیاء الله دارا می باشند.
 انکار این حقیقت، یا از عدم اطلاع ناشی می شود و یا از مقایسه‌ی کار
 پاکان با مردم معمولی، که از حیات چیزی جز خور و خواب و خشم و
 شهوت بهره‌برداری نکرده‌اند. افرادی که به جهت تخلّق به اخلاق الله
 دارای علم ماورای طبیعی و تصرف در طبیعت‌اند، به قدری فراوانند که
 جایی برای بحث و تردید نمی گذارد. در صورتی که بنا به اصول مسلمه‌ی
 اسلامی، مخصوصاً عالم تشیع، مقام امام علیه السلام خیلی بالاتر از اولیاء الله
 معمولی است.»^[۱۸]

تو چرا در واقعه شک می کنی؟
 از چه علت منکری تو علم را؟

در حیاتت ظلم را حک می کنی؟
 آگهی آن امام حلم را



برتری نور حق در چیستی؟
 علم غیب رب به نزد کیستی؟
 حق مگر قادر نباشد ای فضول!
 علم را اعطا نماید بر فحول؟
 بانی کعبه چرا ذابح شده؟
 در مسیر عشق حق فاتح شده
 ذابح و مذبوح هر دو حجت‌اند
 در مسیر دین حق در نصرت‌اند
 تَهْلُکَه [۹] این جا بود یافوز رب؟
 معرفت دریاب، فاقد از ادب!
 تَهْلُکَه، بی عشق مولا بودن است
 بی‌ولا در فکر عقبا بودن است [۱۰]

از توفیق شرکت در رکاب محمد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام باز
 ماندیم و از حضور در مدرّس علی دوم علیه‌السلام و دو امام دانش و بینش امام
 باقر و امام صادق علیهما‌السلام تا امام عسکری علیه‌السلام دور افتادیم. یک کلاس برایمان
 باقی مانده است؟ آن، کدام کلاس است؟ کلاس انتظار!... ولی تو بگو
 انتظار بدون معرفت «عین‌الله» چه انتظاری است؟

انتظار، عبادت است؛ اما باید بدانیم منتظر چه کسی هستیم و
 وقتی او بیاید چه می‌شود؟ او چه می‌خواهد؟ او چه می‌کند؟
 «أُذُنٌ سَامِعَةٌ» [۱۱] او که هم بیناست و هم شنوا... به بینایی و شنوایی
 خداوند؛ اشک ما را در فراقش می‌بیند و «لَيْتَ شِعْرِي» ما را در جمعه‌های
 غمبار می‌شنود.

جدّش امیرالمؤمنین علیه‌السلام «أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» بود و او «أُذُنٌ سَامِعَةٌ». هم
 شنوای امر خداوند است و هم سامع‌گدایی مأموم.

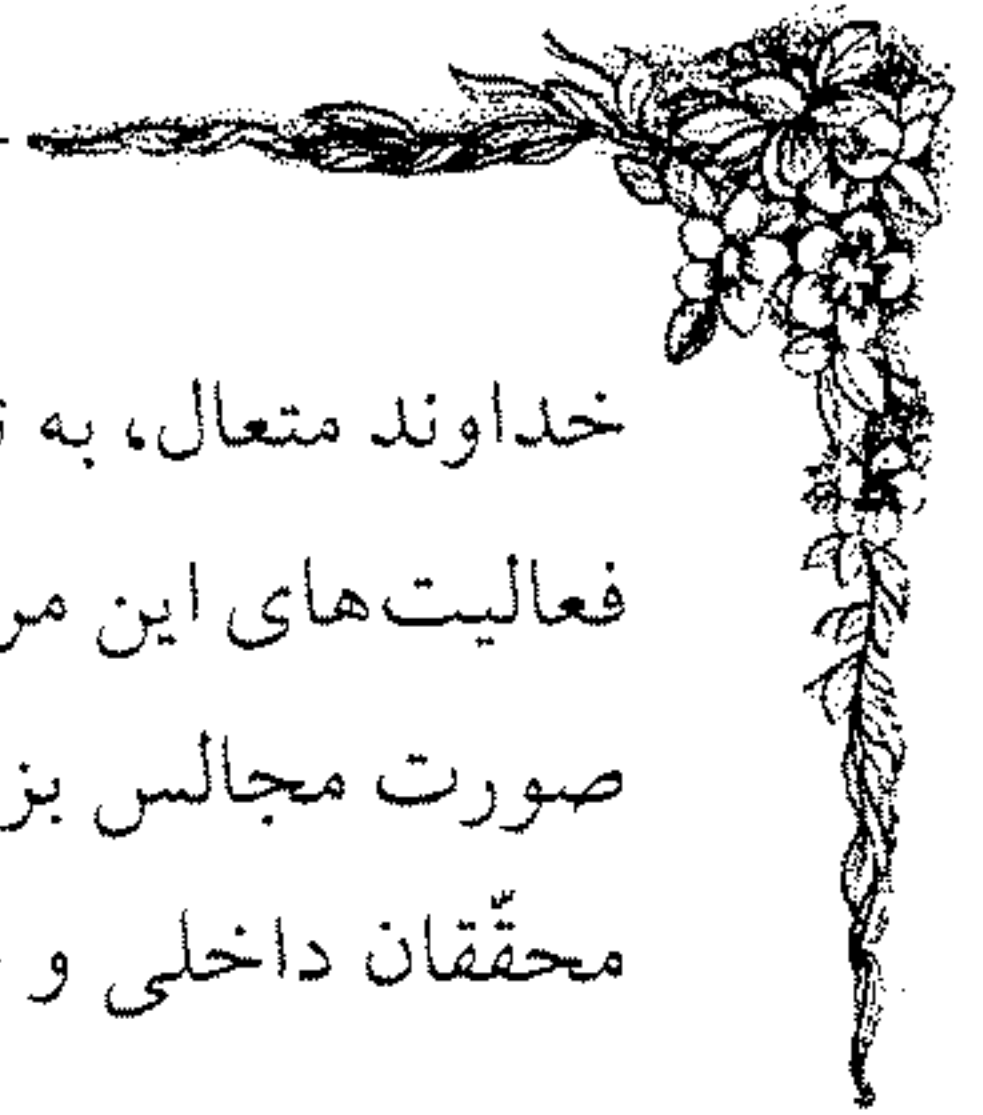
حسین شناسان چرا مهدی‌شناسی را دنبال نمی‌کنند؟ مگر عاشورا
 با انتظار، بی ارتباط است؟ چرا دهه‌ی عاشورا و دهه‌ی فاطمیّه داریم،
 اما دهه‌ی مهدویّه نداریم!؟

اگر دولت و ملت تمامی ماه شعبان را گردهمایی و کنفرانس های مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است. جشن های روز جهانی کودک را دیدی؟ چه کارهایی، چه بودجه ای؟! اما به «عین الله» که می رسیم چشمانمان را می بندیم؛ یا وقت نداریم و یا بودجه! ولی واقعیت این است که از عشق عین الله بی خبریم و بعضاً وظیفه شناس نیستیم.

در برابر تهاجم علیه «مهدویت» چه کرده ایم و چه می کنیم؟ البته خادمان مخلصی در صحنه هستند که کمی از زیاد وظیفه ها را انجام داده و با برپایی مجالس، نشر نشریه ها و آثار صوتی و تصویری و یا از طریق فعالیت در سایت های اینترنتی و... تلاش دارند. ولی آیا همه ی عاشوراییان به لزوم تشکیل یک دهه همایش امام شناسی، حداقل در ایام ولادت عین الله (حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) توجه کامل دارند؟

عاشوراییان اگر به ده ها روایت در باب خصایص و سیره ی امام حسین و امام زمان علیه السلام توجه نمایند و اگر به شعار یاوران امام زمان علیه السلام (یا لثارات الحسین علیه السلام) دقت کنند و در پیوند فرهنگ عاشورا با انتظار در زیارات و اعمال شب نیمه ی شعبان اندیشه نمایند، تلاشی همانند دهه ی عاشورا، در بزرگداشت دهه ی مهدویّه خواهند کرد.

این جانب پیشنهادهایی را حدود دوازده سال قبل در بزرگداشت دهه ی مهدویّه، تشکیل مدرسه و کتابخانه تخصصی در موضوع مهدویت و مبارزه با تهاجم مخالفان، حضور بزرگان فقها ارائه دادم، و به عنایت



خداوند متعال، به تأسیس مرکزی جامع و مدرسی نافع پرداختم. از جمله فعالیت‌های این مرکز، تشکیل جشن‌های دهه‌ی مهدویّه می‌باشد که به صورت مجالس بزرگ، کنفرانس‌ها و همایش‌های تخصصی، با حضور محققان داخلی و خارجی برگزار می‌گردد.

● یک وظیفه‌ی بزرگ

اولاً، برای شناخت و شناساندن معارف مهدوی به کتاب و وسایل دیگر برای مطالعه و تحقیق نیاز است. این وسایل چرا باید فقط در قم و تهران متمرکز باشد؟ مگر شهرهای دیگر نباید امام زمان خویش را بشناسند؟ مهدویّون شهرهای دور و نزدیک، داخل و خارج باید با ارشاد مؤسسات تخصصی مهدوی و با یاری اهل خیر، کتابخانه‌های تخصصی در ارتباط با معارف امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تأسیس نمایند، و نسل جوان را به مطالعه و بهره‌برداری از سایت‌ها، سی‌دی‌های آموزنده و کتب سازنده سوق دهند. بحمدالله این مقصد از طرف مرکز تخصصی حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف اصفهان دنبال شده و بحول‌الله و قوّته، قصد داریم ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصصی با موضوع مهدویت، در داخل و خارج تأسیس نماییم که بعضی از این شعب در داخل و خارج کشور تأسیس شده است.

ثانیاً، برای تأسیس کتابخانه و یا چاپ و نشر کتاب و مجله به ناظران خبیر و متخصص نیاز است؛ والاّ چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم که به جایی دیگر رفته‌ایم. مثلاً کتاب یا مجله‌ای بدون توجه، چاپ و منتشر می‌شود

که ممکن است مبلغ مخالفین مهدویت و انتظار گردد و یا عاملی نفوذی، مقاله‌ای برخلاف معتقدات شیعه و امام زمانی‌ها در مجله یا کتابی چاپ نماید. بی ادبی نسبت به بزرگان دین و تبلیغ غربی‌ها و مستشرقین، راه دادن به مخالفین ولایت ائمه علیهم‌السلام و مرجعیت شیعه، اختلاف و دودستگی بین مهدویون و مؤسسات مهدوی، هیئت‌های ندبه‌ای و برگزارکنندگان دهه‌ی فرخنده‌ی مهدویّه، خطرانی است که در پیش روی ما قرار دارد. چنانچه این حرکت تبلیغی مهدوی - یعنی تأسیس ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصصی پیرامون حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - از طرف همه‌ی مؤسسات تخصصی مهدوی دنبال شود و مهدویون و هیئت‌های مذهبی در تهران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و... هرکدام ۳۱۳ کتابخانه‌ی امام زمانی تأسیس نمایند و با حدود دوهزار عنوان کتاب تخصصی و سازنده‌ی مهدوی، مساجد و حسینیه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها را نورافشانی کنند، دیگر «بابی» و «بهایبی» چه می‌تواند بکند؟

مهم این است که ما به نسل جوانمان غذای فکری و معنوی سالم برسانیم و راه‌های سوء استنادی دشمنان را مسدود سازیم. البته در تأسیس کتابخانه‌های مذکور، هماهنگی و همفکری مؤسسات تخصصی مهدوی بسیار مطلوب است. اگر هرکدام از این ۳۱۳ کتابخانه یک جوان متقی و ولایی بسازد، شما ۳۱۳ سرباز برای فرماندهان خاص حضرت ساخته‌اید و این کار کوچک و کمی نیست.

مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم‌السلام چند نفر را ساختند؟ عدد، کم بود؛ اما ارزش زیاد؛ سلمان محمدی الگویی خوبان جهان؛ اباذر استاد أحرار عالم؛



عبّاس بن علی علیه السلام، سرور و مراد مجاهدان راه خدا؛ حبیب بن مظاهر، نمونه‌ی رشادت و شجاعت.

ما نباید از قَلت یار نگران باشیم. تَبَسُّم نگار و دعای دلدار، حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را بس!

خداوند به پیامبر خویش می‌فرماید: ﴿حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ﴾. [۱۲]

مهم این است که به وظایفمان در زمان غیبت عمل کنیم و بدانیم «چشم خدا» ما را می‌بیند و حتی از خطورات قلبیه‌ی ما باخبر است. نباید یأس در فکر ما راه پیدا کند. باید بدانیم زمینه برای تبلیغ فراهم است. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند دنیا را به تشیع و راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متوجه سازند.

شما می‌توانید با یک کتاب «المراجعات» یا «الغدیر» و یا کتاب‌های فارسی مانند «شب‌های پیشاور» و «آن‌گاه هدایت شدم»، و هابیون غیر مُعاند را به تشیع نزدیک نمایید.

با یک کتاب «منتخب الأثر» یا کتب فارسی در ردّ بابیت و بهائیت مانند کتاب «نصیحت به فریب خوردگان باب و بهاء» (ترجمه‌ی نصایح الهدی الی من کان مسلماً فصار بابیاً) می‌توانید هادی راه گمشدگان باشید. مردم بر فطرت خداپرستی و حق‌خواهی خلق شده‌اند. ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ

الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾. [۱۳]

اگر ما بتوانیم حق را خوب تبلیغ کنیم، یعنی اولاً بدون هوا و هوس و ثانیاً به زبان روز، کسی از حق فرار نمی‌کند، مگر این که لجوج و عنود باشد.

جوانان، حق خواه هستند؛ جوان، زیبایی را دوست می دارد. اگر شما زیبایی های دین را به او نشان دهید، زیبایی های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای او بیان کنید، چه دلیلی دارد او از دین و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرار کند؟

خانمی مسیحی از آلمان^[۱۴] به مرکز تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام اصفهان آمد و مسلمان گردید. گفتم: چرا اسلام را اختیار کردی؟ گفت: آیا شما زیبایی را دوست ندارید؟ گفتم: البته. گفت: اسلام زیباست و من آن را دوست دارم!

در خاتمه عرض می کنم این جانب دست همه ی بزرگان را می بوسم و از آنها در راه مقدس خدمات مهدوی، ارشاد و راهنمایی می طلبم. و نیز دست هیئتی ها، ندبه ای ها، برگزارکنندگان جشن های دهه ی مبارکه ی مهدویّه و شاعران و مادحین را می بوسم و از آنها برای تأسیس کتابخانه های مذکور و ترویج اندیشه ی مهدوی و تبلیغ فکر انتظار و به دست آوردن رضایت یار، یاری می طلبم.

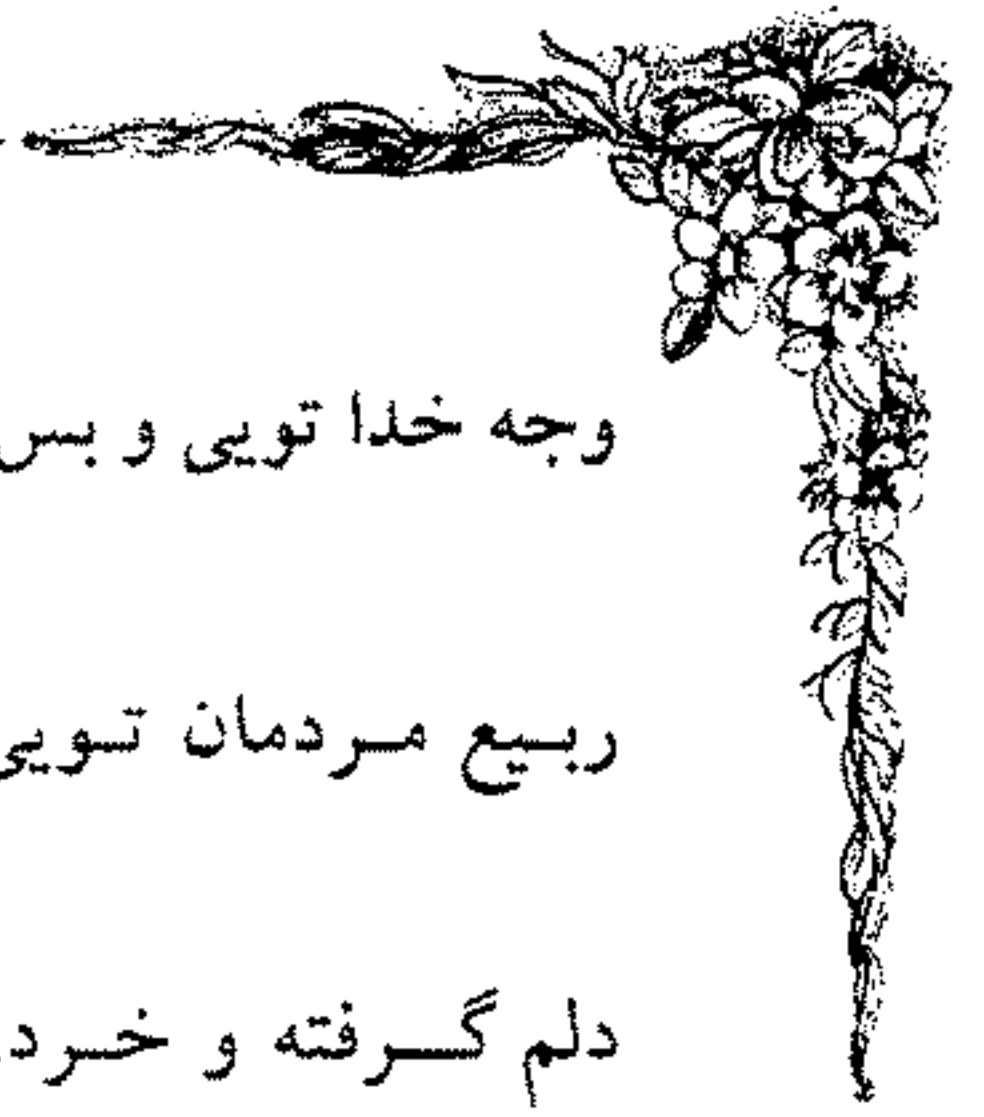
درخواست دیگرم این است: هرکجا که این نوشته را خواندید، در ختامش از جان و دل بگویید: «السّلام علیک یا ابا عبدالله»، و پس از آن عرض کنید: «اللّهم عَجّل لولیک الفرج». [۱۵]

باب محبّت تو را به بسمله باز کنم

به نام جاودانهات سخن سرآغاز کنم

اصل «متّم نوره» وجود اطهرت بوّد

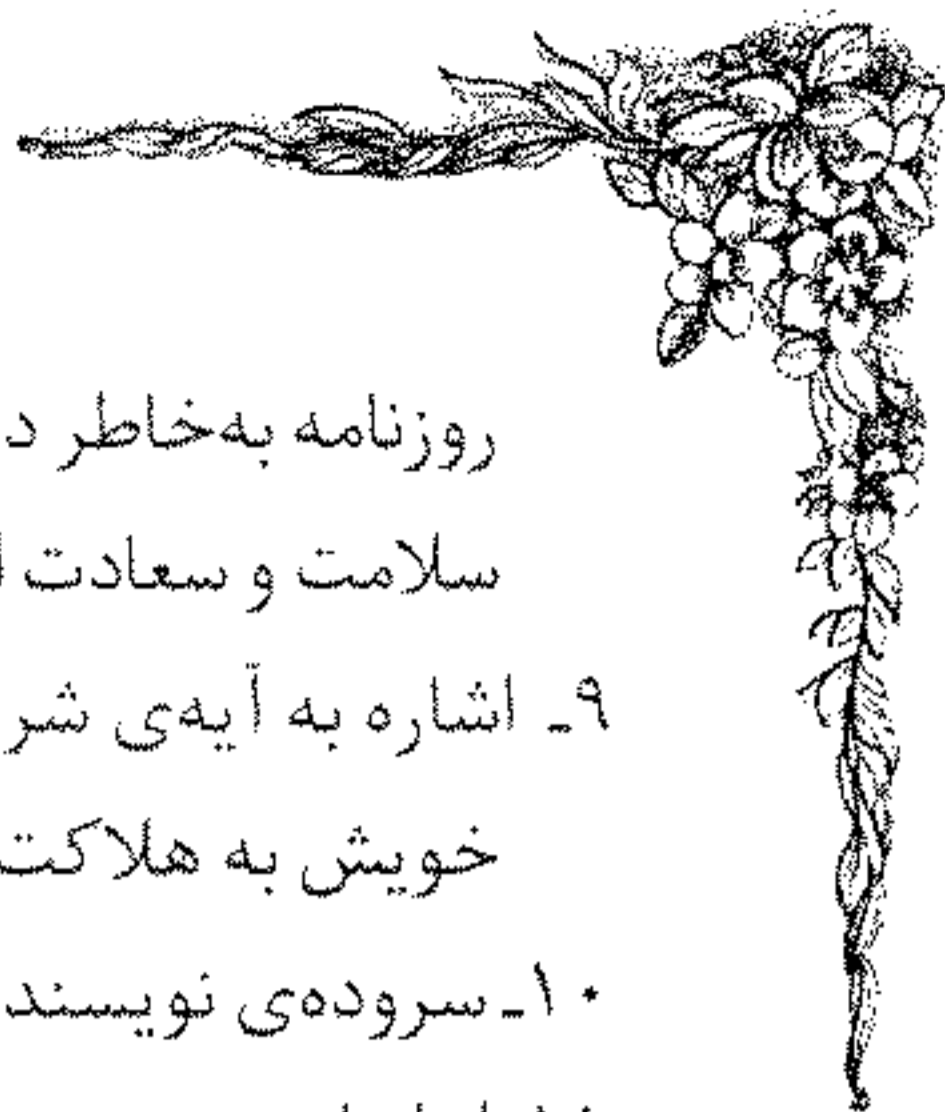
برای که ، برای چه ، این سند ابراز کنم؟



وجه خدا تویی و بس، بگو کجاست خانه‌ات
مدد کنی اگر مرا، میل به پرواز کنم
ربیع مردمان تویی، نشاط روزگار ما!
قلوب خستگان ره، به عشق تو ساز کنم
دلم گرفته و خرد، خموش بین قافله
به نام نامی‌ات شها، علاج صد آز کنم
سفره‌ی شاهانه‌ی تو نصیب خلق عالمین
برای جمع عاشقان، سخن به آواز کنم
گر مددی ز یمن تو، رسد به جان خسته‌ام
به مثل روز عاشقان، کار دو سرباز کنم
شکوه انتظار من! فتح و ظفر به دست توست
خانه‌ی دل برویم و سرای دل باز کنم
گر فکنی به جان من، موذت الهی‌ات
سر بدهم به راه تو، سلام جانباز کنم
گر به مهار نفس خود، عنایتی شود مرا
هوی برم، هوا پرم، اوج دو صد باز کنم
در این تهاجم عدو، تو سلم به کوی توست
صبر نمایم و از آن، جلوه‌ی ممتاز کنم
تلاش بی‌ولایت، نماز بی‌وضو بود
روی دلم به عشق حق، یاد تو آغاز کنم
نام تو و مسیر تو، به دل قرار می‌دهد
قرار دل! بیا برم، به عشق تو راز کنم
گر نظرم به روی تو، فتد آیا حبیب من!
اگرچه "کوچک" ام ولی به عرشیان ناز کنم^{۱۶۱}

● پی نوشت ها:

- ۱- اشاره به حدیث « سلسله الذهب ». (مراجعه شود به پی نوشت شماره ی ۳۶، از مقاله ی « آینه ی زیبایی ها »)
- ۲- کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (ینابیع المودة، ج ۳، ص ۴۵۶).
- این روایت به عبارات دیگر نیز در مسانید شیعه و عامه نقل شده است. صحیح مسلم چاپ سعودی، ج ۳، ص ۱۴۷۸، کتاب الامارة و نیز تفسیر ابن کثیر ذیل آیه ی شریفه ی ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ آورده است:
- رسول اکرم ﷺ فرمود: «کسی که بمیرد، درحالی که بیعت امامی برگردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی» هفتاد روایت با همین مضمون از طرق عامه نقل شده است).
- ۳- به نقل از دانشنامه ی امام علی علیه السلام، ج ۱۱، ص ۳۰۹.
- ۴- تفسیر «المنار»، جلد ۶، ص ۲۸۸.
- ۵- مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۴.
- ۶- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ی امیرالمؤمنین علیه السلام: ﴿...و تعیها اذن واعیه﴾ در سوره ی الحاقه، آیه ی ۱۲.
- حاکم حسکانی حنفی می نویسد: از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که پیغمبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند مرا امر کرد که تو را نزدیک نمایم و دور نکنم و تو را بیاموزم تا فراگیری و این آیه ﴿و تعیها اذن واعیه﴾ بر من نازل گشت. پس ای علی! تو آن گوش شنوا برای علم من هستی و من شهر و تو دروازه ی آن شهری، و وارد شهر نمی شوند مگر از در آن». (شواهد التنزیل، جلد ۲، ص ۲۷۴، به ضمیمه ی ۲۱ روایت دیگر با همین مضمون).
- ۷- سوره ی توبه، آیه ی ۱۰۵.
- ۸- برگرفته از جزوه ی «سخنی کوتاه در علم امام» چاپ ۵۱/۶/۱۸ که به شماره ی ۸۲۱ در کتابخانه ی ملی به ثبت رسیده است. این مقاله در روزنامه ی جام جم به تاریخ ۸۲/۱۲/۲۱ شماره ی ۱۱۰۴ منتشر شده است. سزاوار است از مسئول محترم این



روزنامه به‌خاطر درج بعضی از مقالات آموزنده و ولایی تشکر و سپاسگزاری گردد.
سلامت و سعادت ایشان و همه‌ی خدام امام زمان علیه السلام را از خدای متعال خواستاریم.
۹- اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾، «و خود را با دستان خویش به هلاکت نیفکنید».

۱۰- سروده‌ی نویسنده.

۱۱- از اسامی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در «نجم الثاقب».

۱۲- سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۴.

۱۳- سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰.

۱۴- خانم دوریس از آلمان.

۱۵- مرحوم آیت‌الله موسوی اصفهانی رحمته الله در کتاب شریف «مکیال المکارم» می‌نویسد:

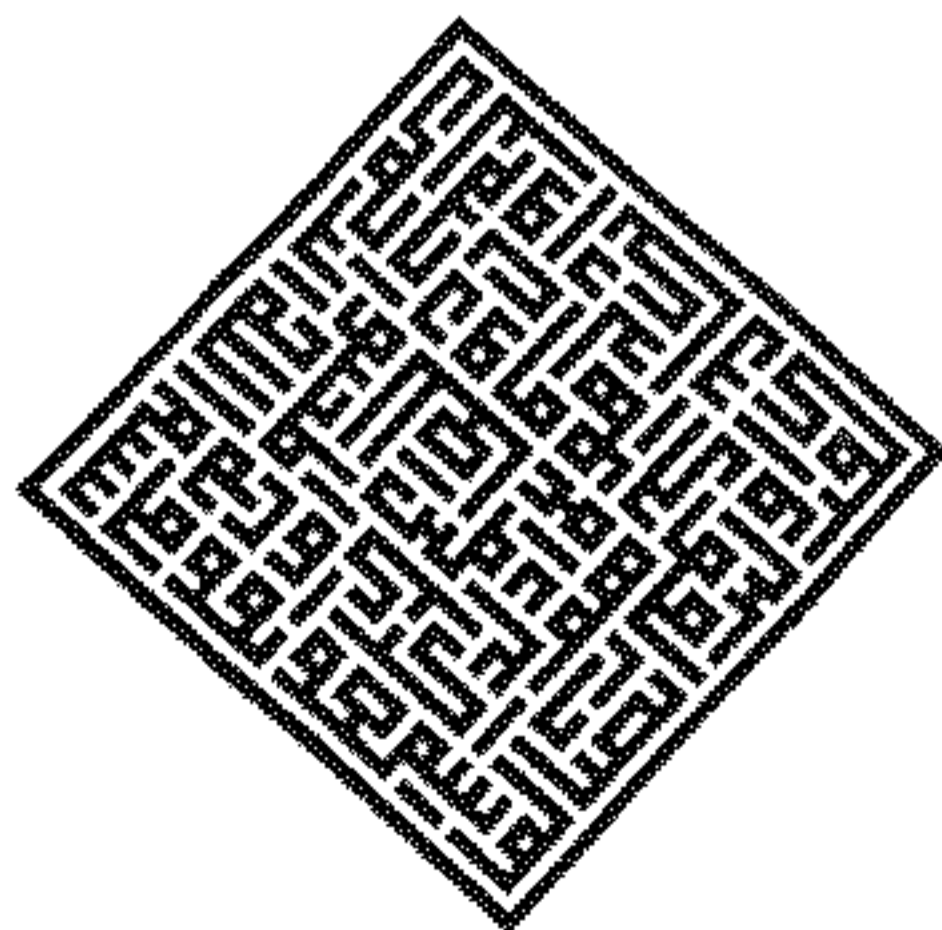
«یکی از دوستان صالحم برای من نقل نمود که در خواب مولانا حجة بن الحسن علیه السلام

را زیارت کردم و حضرت فرمایشی به این معنا فرمود: «همانا من برای مؤمنی که

مصیبت جد شهیدم (سیدالشهداء علیه السلام) را یاد نماید و پس از آن برای من به تعجیل

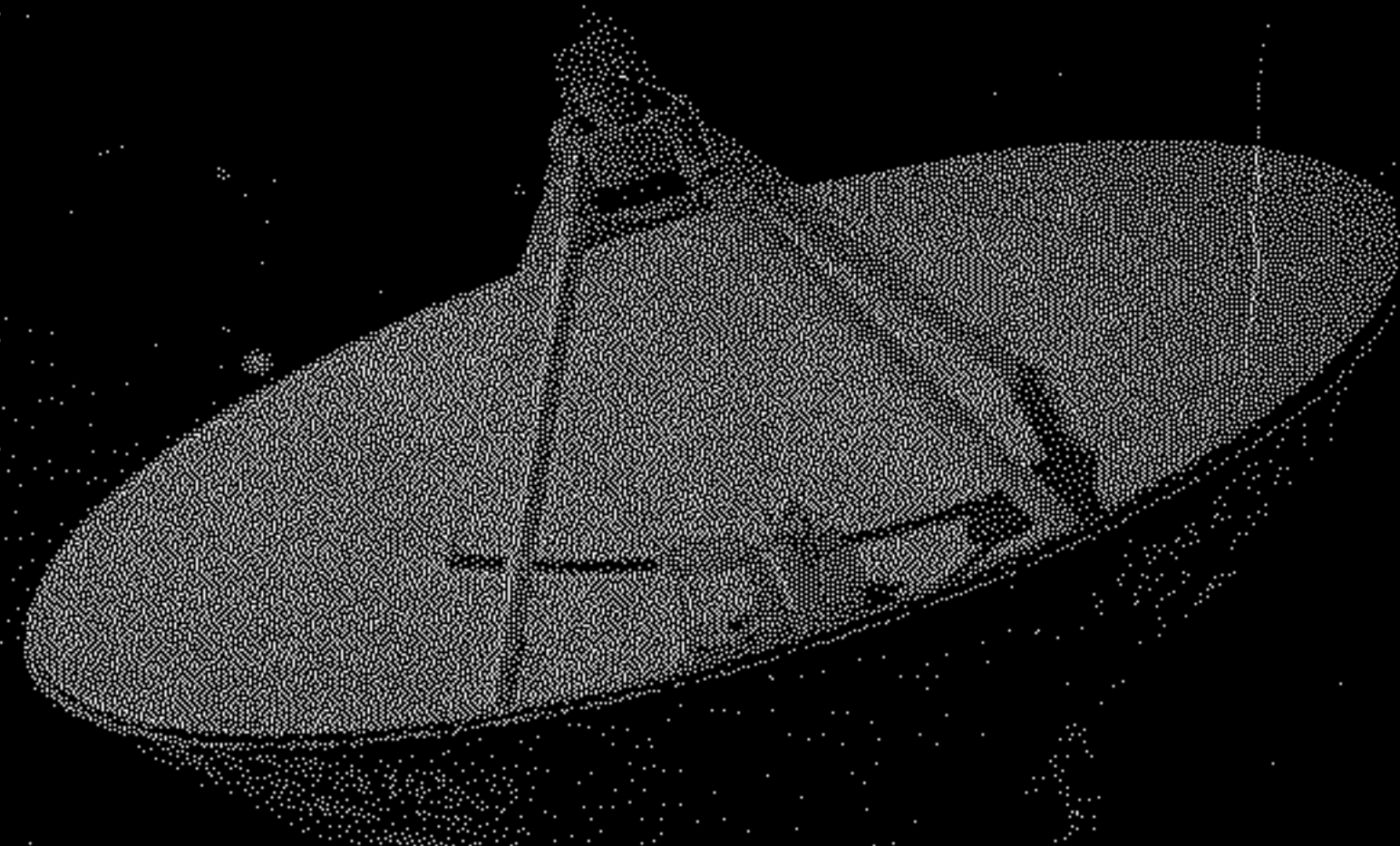
فرج و تأیید، دعا کند، دعا می‌نمایم». (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶)

۱۶- سروده‌ی نویسنده.

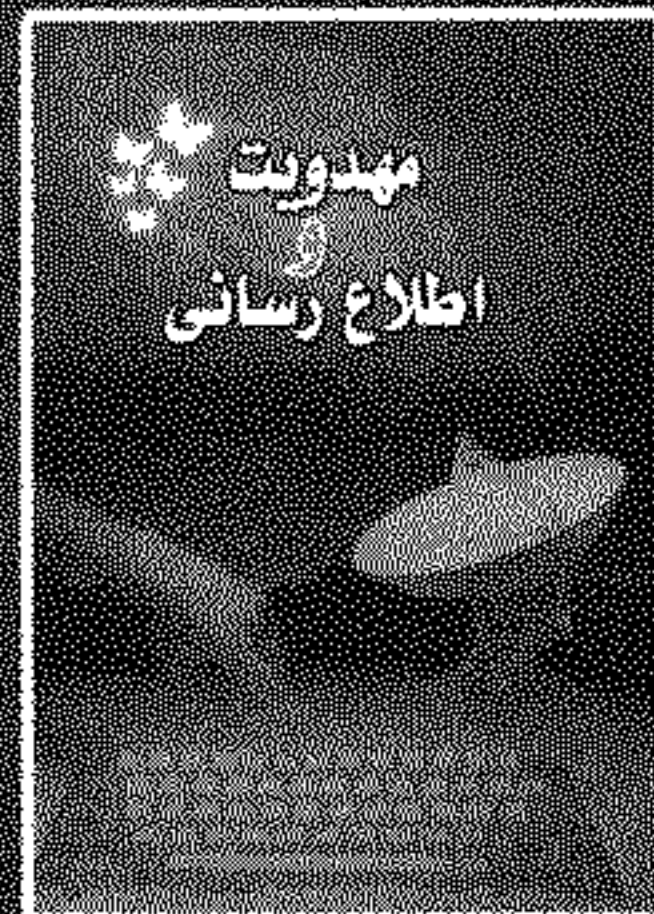




مهديت و اطلاع رساني



دهه فرخنده مهر و آبان مبارک است



www.imamalmahdi.com

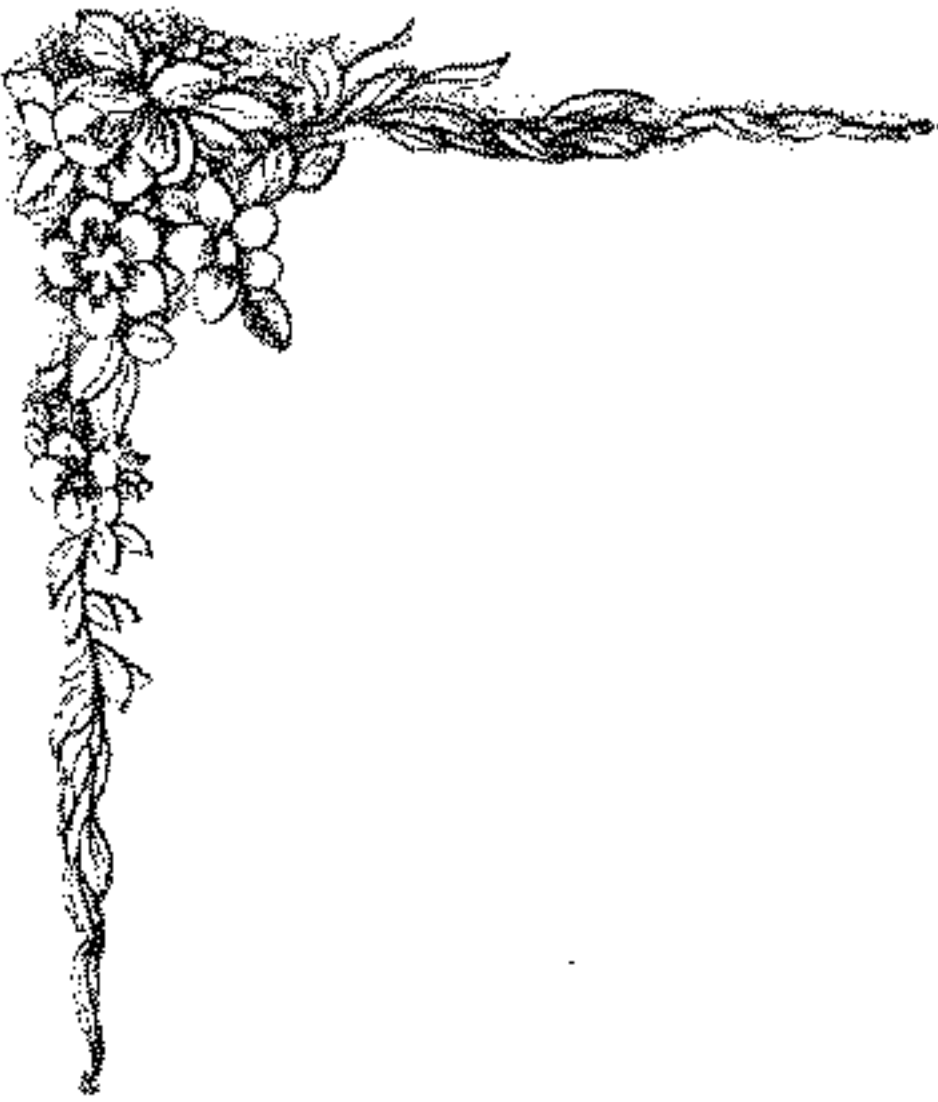


... ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست ...

... آیا در فکر فیلم و سریال بوده که صفا و صلح، وفا و جود امام مهدی علیه السلام را نشان دهیم؟

... آیا اطلاع رسانی از کار و راه دشمن، دسیسه ها و جعل ها و مکرها، وهابیت فرزند استعمار، بابیت و بهائیت دست نشانده حکومت های طاغوتی داشته ایم؟!

فرازهایی از نوشتار

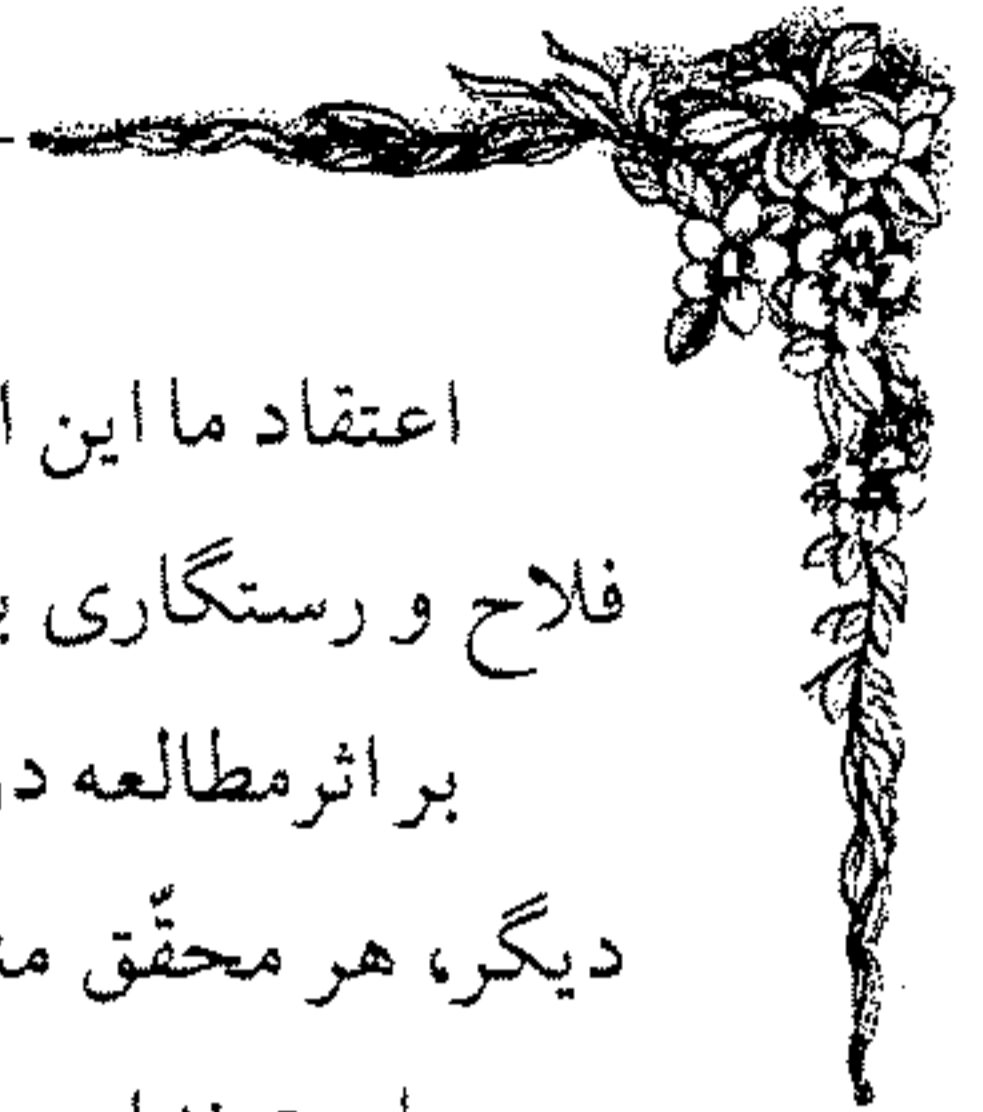


مهدویت و اطلاع رسانی

بشر می خواهد به سوی کمال و فلاح حرکت کند، و هرگز قاصد راه انحطاط و بدبختی نمی باشد.

مدینه‌ی فاضله در فلسفه‌ی افلاطون قبل از میلاد، پیروزی اهورامزدا بر اهریمن در تفکر زردشتیان، تعابیر تورات و انجیل در مورد آینده‌ی جهان و دیدگاه مثبت هندوئیسم در موضوع فردای عالم، و حتی نگاه ماتریالیست‌ها و ملحدین، پیرامون اصلاحات امر مالکیت و تشکیل خانواده‌ی واحد، بیان‌کننده‌ی این معناست که بشر به آینده‌ی خود، خوش بین است و برای به دست آوردن سعادت تلاش می کند.

آن چه مورد بحث و گفت و گوست و با اختلاف آرا روبه رو گشته، بحث اصل فلاح و رستگاری است که در کدام مکتب و راه و روش یافت می شود؟ و آینده‌ی جهان با حاکمیت کدام حاکم و کدام قانون، اداره می گردد؟



اعتقاد ما این است که اسلام، دین کامل و کامل‌ترین ادیان و باعث فلاح و رستگاری بشر می‌باشد.

بر اثر مطالعه در قوانین اسلام و مقایسه‌ی آن با قوانین ادیان و مذاهب دیگر، هر محقق منصفی می‌تواند به این نتیجه برسد.

ما حق نداریم عقیده‌ی خودمان را به هیچ کس تحمیل کنیم، [۱] اما حق داریم به همه‌ی مردم دنیا و محققان عالم، پیشنهاد تحقیق داده، و آنها را در این مسیر یاری رسانیم.

اطلاع رسانی در موضوع اسلام، معرفت خدا و رسول ﷺ و ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام، یک واجب دینی و زکات علم محسوب می‌گردد. [۲] امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاع رسانی پیرامون خیرات و خوبی‌ها و شرور و بدی‌ها نیازمند است.

اولین مطلب که باید به اطلاع همه‌ی مردم دنیا برسد، این است که: «فلاح و رستگاری» را می‌توانید در «مکتب اسلام» پیدا کنید.

یکی از پایه‌های مهمّ خوشبختی، علم و دانش است؛ یعنی آگاهی از خود و موجودات دیگر.

ببینید دستور علم‌آموزی و فراگیری دانش، در کدامین مکتب آمده است.

اسلام پیشنهاد علم‌آموزی نمی‌دهد، اما فرمان می‌دهد علم بیاموزید و دانش کسب کنید. [۳] اسلام افراد بی‌فکر و بی‌دانش را توبیخ و سرزنش می‌نماید.

آقا و خانم محقق! به هر دین و مذهبی که بدان مؤمن هستی، روی

آیات قرآن مجید و دستورات اسلام فکر کن و بدون تعصب، ببین این مطلب درست است یا نه.

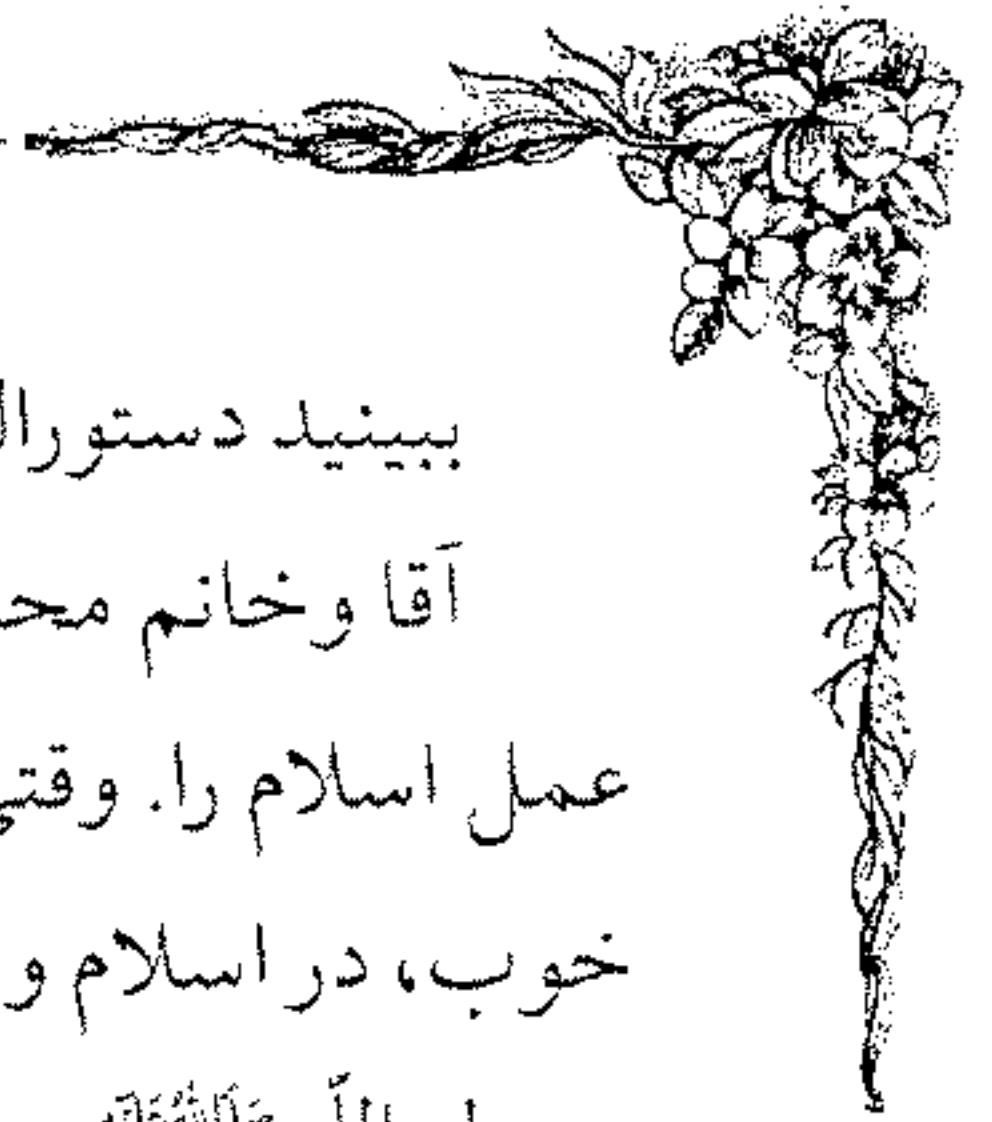
البته ما نباید اعمال بعضی از مسلمان نماها و خلفا و سلاطین را در مخالفت با علم آموزی و کسب دانش، ملاک قرار دهیم و به این دین مقدس بدبین باشیم.

باید به مردم دنیا بگوییم: آینه‌ی اسلام‌نمایی، «علی علیه السلام» است. ببینید علمش را، با این که زمان به او اجازه نداد علمش را آشکار کند، اما در همه‌ی علوم، مبدأ و منبع بوده است. مکتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام مکتب خودشناسی، جامعه‌شناسی، طبیعت‌شناسی، تاریخ‌شناسی و در نتیجه، خداشناسی است. مکتب امام مهدی علیه السلام هم همین طور است. «فَانْتَهُم عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ» [۴] خاندان پیامبر مانند خود آن بزرگوار، مروّج علم و دانش و دشمن جهل و نادانی بوده و هستند.

چرا مکتب انتظار، فلاح آور و باعث خوشبختی است؟ چون امامش عالم، و مأمومش دانش‌پژوه و طالب علم است.

در مکتب انتظار، علم‌آموزی ممنوع نیست، تحقیق و بررسی مردود نیست، بلکه برخلاف روش سران حکومت‌های استعماری و سیاست‌های شیطانی، یک امر واجب است.

یکی دیگر از پایه‌های مهم خوشبختی، عمل به خوبی‌هاست؛ عمل طبق علم واقعی نه عمل به القائات شیطانی و دستورات عملهای استعماری. اول عالم بشو، خودشناسی را پی‌گیری کن، بعد جهان‌شناسی و سپس خداشناسی را دنبال کن و بعد به عمل پرداز.



ببینید دستورالعمل عمل به خوبی‌ها چه خوب در اسلام آمده است. آقا و خانم محقق خودش بیاید مطالعه کند؛ هم علم اسلام را و هم عمل اسلام را. وقتی خوب بررسی کرد، می‌فهمد اخلاق خوب، اعمال خوب، در اسلام وجود دارد. البتّه اسلامی که آیین‌هاش، اصحاب خوب رسول الله ﷺ و بالاتر از آنان عترت علیهم‌السلام هستند.

امروز، امام مهدی علیّه‌السلام که وارث عترت علیهم‌السلام است، عملش مثل علم او بهترین و برترین عمل‌هاست.

لذا از ما تقوا می‌خواهد، خوبی می‌خواهد، سفارش امام مهدی علیّه‌السلام به همه‌ی انسان‌ها، علم‌آموزی و عمل به سجایای انسانی و دوری از ظلم و ستم می‌باشد.

ما باید به متدینین ادیان مختلف و به اهل سنت اطلاع‌رسانی کنیم که محمد ﷺ، همان «پرکلیوس» "Perikleos" [۵] به معنای بسیار ستوده می‌باشد که به خاطر علم و عملش در بین انبیا و رسل و میان اولیا، بدین نام معروف و مشهور است.

هم‌چنین کلام خداوند در کتب قبل و صحف سماویه، مدحش را به خوبی بیان می‌دارد: ﴿يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ [۶] و امروز وصی او، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، با همه‌ی بزرگی او - به غیر از سمت نبوت و رسالت - در میان اولیای الهی و سفیران ربّانی بسیار ستوده است.

رمز این‌که نام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، «م. ح. م. د» [۷] است، چیست؟

تا به حال به این مطلب برخورد کرده‌اید؟

هم‌نام پیامبر اسلام، همان که قبلاً گفتم، «محمد»، «بسیار ستوده»،

«پرکلیوس Perikleos» ... چرا...؟

این یک اتفاق نیست، یک کار بدون فکر... بدون دلیل... اسم امام

مهدی علیه السلام را اسم پیامبر قرار داده‌اند؟ البته می‌دانید که القاب و کنیه‌های

امام مهدی علیه السلام فراوان است، و یک اطلاع رسانی وسیع و عمیق برای

همگان می‌طلبید. ولی سخن ما در این جا بر سر اسم آن حضرت است،

چرا اسم او «م. ح. م. د» است؟ «بسیار ستوده» یعنی چه؟

چرا ستوده است، چه کسی او را مدح می‌کند، برای چه؟

۱- برای علمش؛ که فوق همه‌ی علم‌هاست، خداوند علم او را ستوده

است. ﴿مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^{۱۸} امروز، اوست.

امام مهدی علیه السلام، علم و دانش به تکوین و جهان آفرینش دارد و از

ذره تا کیهانشان، کوچک و بزرگ عالم، برّی و بحری، آسمانی و زمینی

را می‌بیند و می‌داند. «تالی کتاب تشریح» است، «ترجمان کتاب الله»^{۱۹}

است، قرآن ناطق، عالم به حقایق و دانا به دقایق می‌باشد.

۲- برای عملش؛ امام مهدی علیه السلام بهترین عامل به قانون خداوند است،

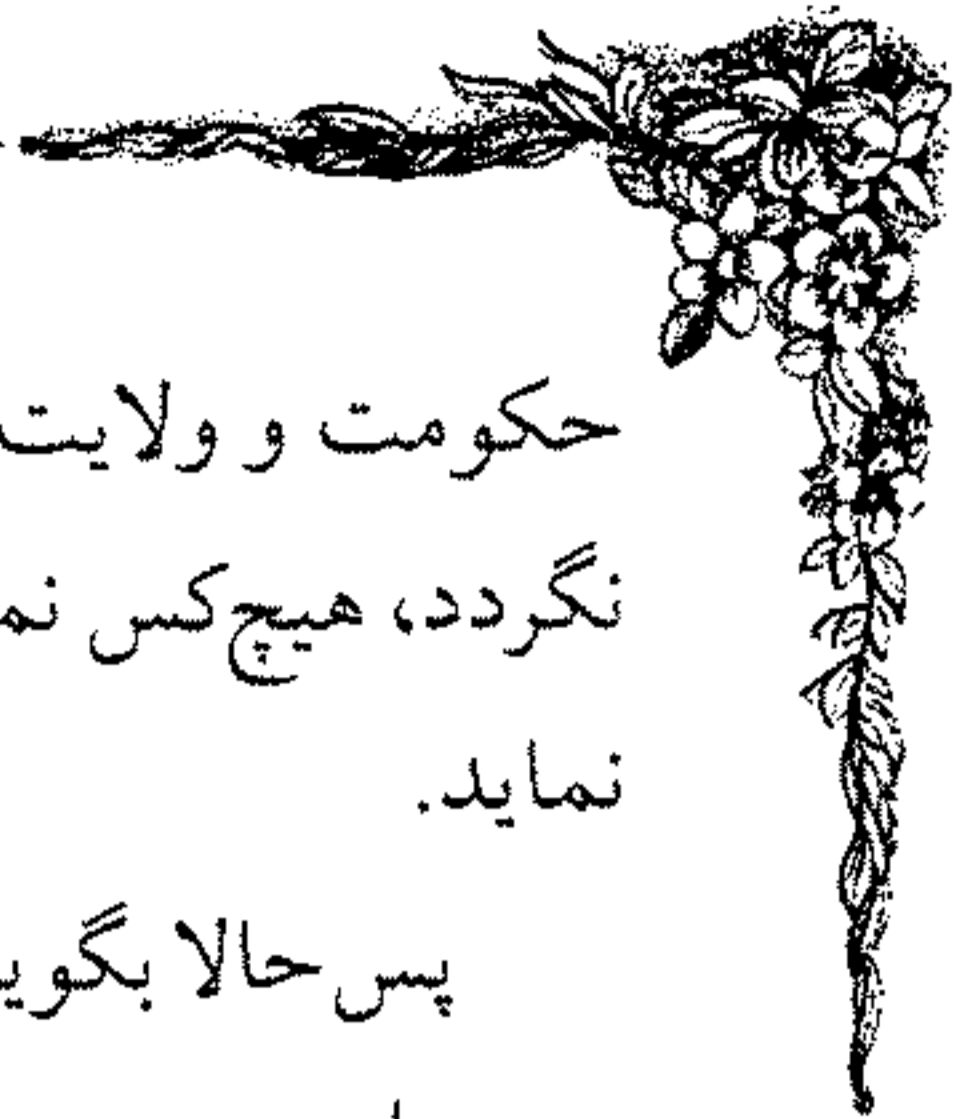
عبادتش فوق عبادت‌هاست، صبرش فوق همه‌ی صبرهاست، تو بین

چندین قرن است منتظر فرمان خداوند است تا عدل را بیاورد و تاریکی

را برطرف سازد. این کار چه مقدار صبر می‌خواهد؟

و تا ظهور، پیش نیاید و مردم، علمش را نبینند، و عملش را درک

نکنند، تا زیبایی‌های او آشکار نشود و شیرینی علم و عمل، حکم و عبرت،



حکومت و ولایت، سجایای اخلاقی و عرفانی وی برای لایقان ظاهر نگردد، هیچ‌کس نمی‌تواند معنی «بسیار ستوده» و حتی «ستوده» را درک نماید.

پس حالا بگویید: یا مهدی! یا صاحب الزمان! اسم نبرید، در «ستوده» و «بسیار ستوده» می‌مانید، نمی‌توانید درک کنید. ولی ظهور که آمد، پرده کنار می‌رود و مثل آشکار شدن تسبیح، خداوند متعال برای اهل کمال، مدح عالی و دانی را می‌فهمی؛ غزل خوانی موجودات، تمجید جمادات و نباتات و حیوانات. [۱۰]

چه می‌گویی؟! «ستوده» را بزرگان عالم مدح می‌کنند، حتی «عیسی» به وزارتش قیام می‌کند [۱۱] و ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ [۱۲] که فرمانش را استماع و با فوریت، مجری می‌باشند.

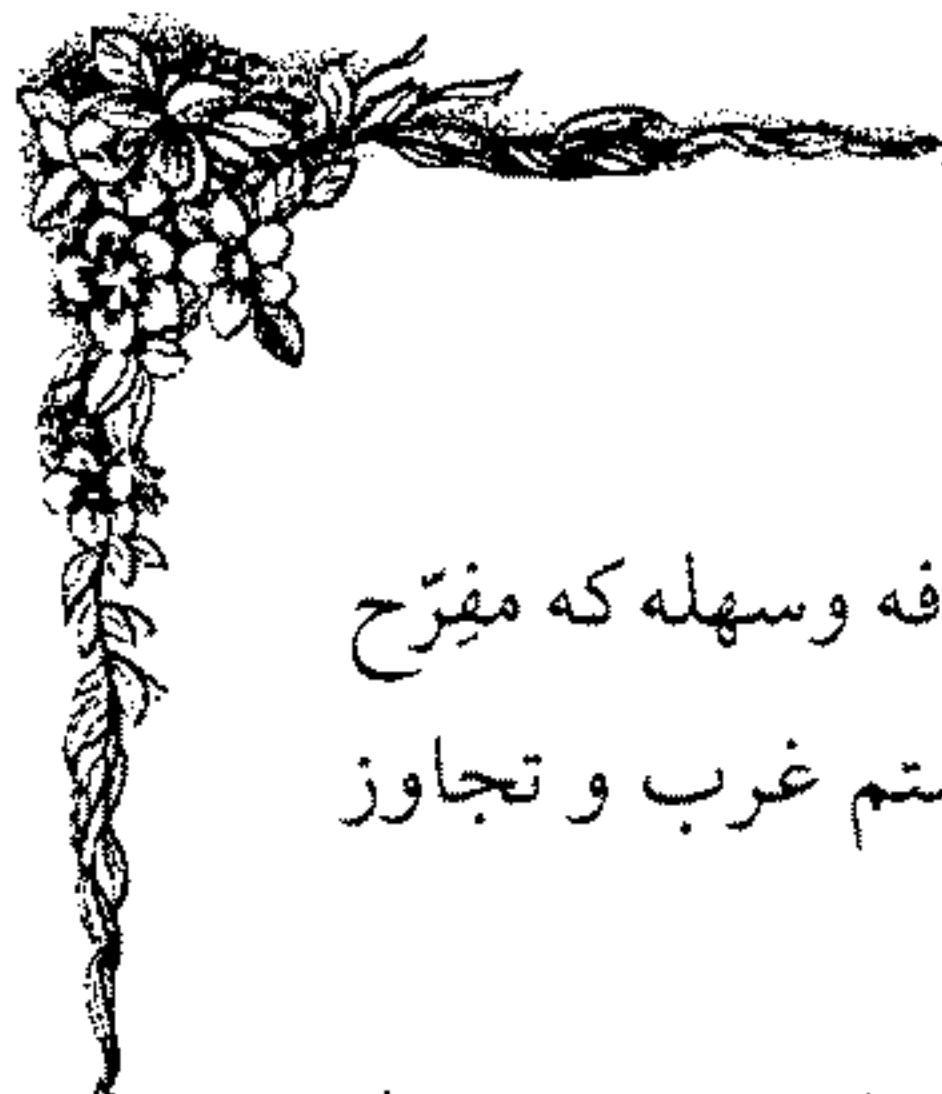
ما باید اطلاع‌رسانی کنیم که ظهور زیباست، مگر خودمان ظهور را دیده‌ایم؟

نه، اما از صادق مصدق به ما رسیده است، از قرآن، از حدیث معتبر فریقین.

دشمنان، ظهور را بد جلوه می‌دهند، انتقام! خون! خون ریزی! ما چه کرده‌ایم و چه گفته‌ایم؟

آیا در فکر ساختن فیلم و سریال بوده‌ایم که: صفا و صلح، وفا و جود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان دهیم؟

نه از خودمان، بلکه از قرآن، از اخبار، از تاریخ، از تشریفات حقیقی از این انقلاب ۲۵ سال گذشته است، نه دشمن به ما فرصت داده و نه



از فرصت کمی که داشته‌ایم استفاده کرده‌ایم؟!
 در زمان کسب اطلاعات و عصر اطلاع رسانی، کوفه و سهله که مفرج
 اولیا و مفرج ستم‌دیدگان بود، لگدمال کفر بعث و ستم غرب و تجاوز
 اروپا گردید؛ ولی جمکران چه...؟!!

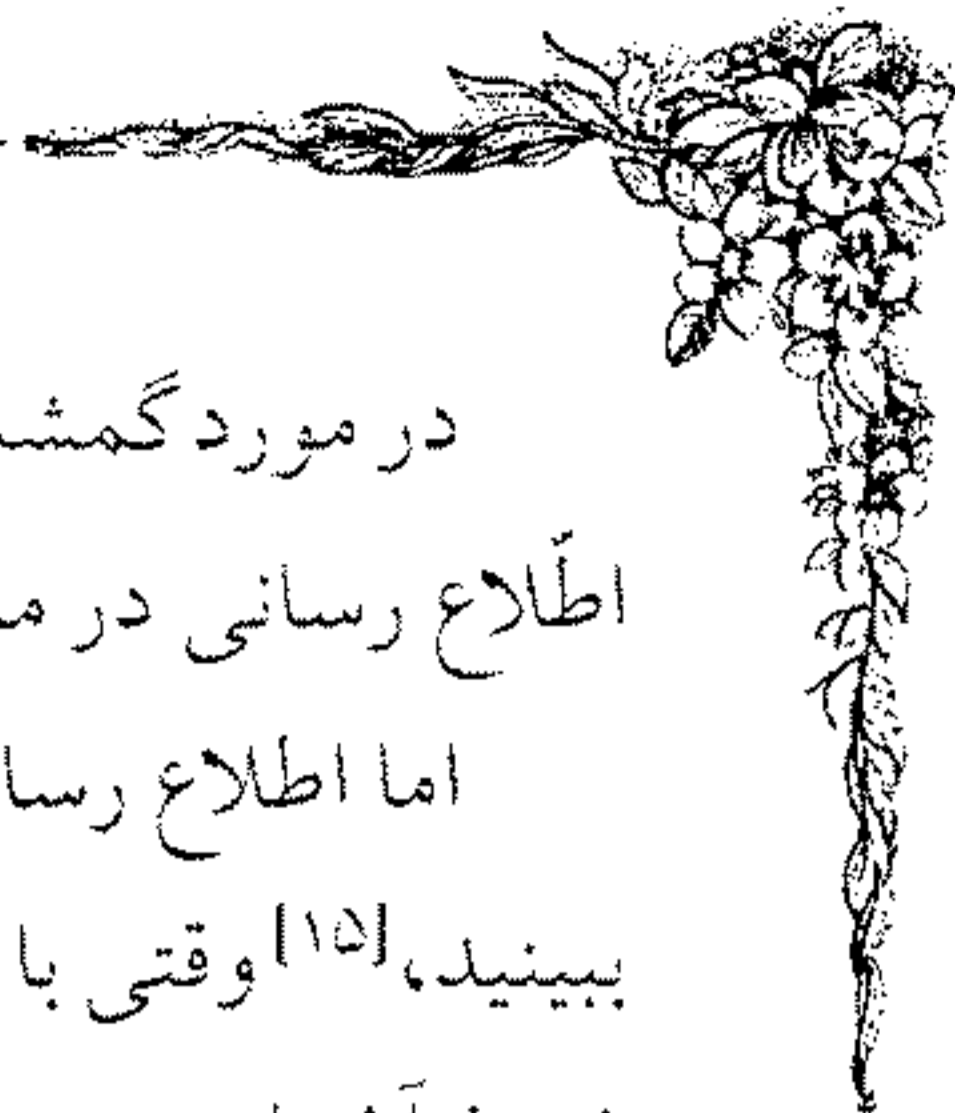
آری... در پایگاه بزرگ شیعه، پایگاه بزرگ مهدویون، تغذیه‌ی دنیا،
 دانشگاه‌ها، تشنگان خارجی و داخلی...

آیا اطلاع رسانی کردیم که امام ما حاکم جانی، مستبد، قاتل، سلطان
 بی‌رحم و دیکتاتور نیست، و مظهر ﴿يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ﴾ [۱۳]
 می‌باشد؟

اگر مدح حضور و ظهور را، اگر جود و کرم مظهر کریم و جواد را،
 اگر مهربانی و رأفت نماینده‌ی رحمان و رحیم را، اگر رحم و دلسوزی
 ذخیره‌ی خداوند را، اگر اخلاق وارث محمد و احمد، نماینده‌ی فارقلیطا
 "Paraglita" [۱۴] و پرکلیوس "Perikleos" و امیر عیسی و سلطان خوبان را
 به خوبی با سند معتبر، بیان داریم و عطر «معرفة الحجّة» را با وسایل
 ارتباط جمعی به مشام مردم دنیا برسانیم، چه می‌شود؟!!

کار دشمن، زار شده و دنیا میدان کارزار می‌گردد، مردم می‌گویند:
 «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»؛ همه می‌گویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» و
 این است که استعمارگران می‌خواهند از ظهور جلوگیری کنند.

همین الآن با این که ما در اطلاع رسانی سست هستیم، دشمن یک
 مطالبی را فهمیده، کوفه را می‌زند، مسجد سهله را خراب می‌کند، سامرا
 را مورد حمله قرار می‌دهد و گاهی از «مهدی» و جای او سؤال می‌کند.



در مورد گمشده‌ی انسان که «فلاح و خوشبختی» است، زمینه‌ی اطلاع‌رسانی در مردم جهان فراوان است.

اما اطلاع‌رسان لایق با نیت صادق، کم است. شما مستبصرین را ببینید،^{۱۵} وقتی با آن‌ها سخن می‌گویید و از اسلام آوردن آن‌ها یا شیعه شدن آن‌ها می‌پرسی، خیلی ساده می‌گویند: (مثلاً) یک کتاب از شهید مطهری خوانده‌ام، یا یک کتاب از علامه امینی رحمته‌الله، یا یک کتاب از سلطان الواعظین رحمته‌الله. این چه تشنگی است، از کجا مردم دنیا این اندازه تشنه شده‌اند، از همه‌ی ملل، از غرب از اروپا از افریقا و غیره، چه شده است...؟! چه عامل و عواملی مردم دنیا را تشنه‌ی حقیقت کرده است؟ مردم دنیا دیدند صلح‌خواهی دروغین حکومت‌های غربی و اروپایی را. مشاهده کردند پاپ و اسقف‌ها چه مقدار به حق ستم‌دیدگان، بدون اعتنائند. دانش‌پژوهان، مخالفت‌علمای ادیان با علم و دانش را مشاهده نمودند. علما و دانشجویان سنی در کتب حدیث و تاریخ، منع حدیث و دفن علم و ستم به بیت علم و عمل را نظاره کردند. به کجا پناه ببرند؟ در گذشته، سرخوردگان از ادیان و مذاهب منحرف و محرّف، به ماتریالیسم و الحاد پناه می‌آوردند.

ولی در این زمان با این همه سستی ما در اطلاع‌رسانی، نشر بعضی از آثار بزرگان در معرفی اسلام و تشیع و ارتباط حوزویان و دانشگاهیان اعم از داخل و خارج، باعث شده است متدینین به ادیان غیر اسلامی و مذاهب غیرشیعی به «دانشگاه علوی و مهدوی» پناه آورند و با نوشتن کتاب به زبان‌های مختلف دوستان و هم‌وطنان خود را بیدار نمایند.

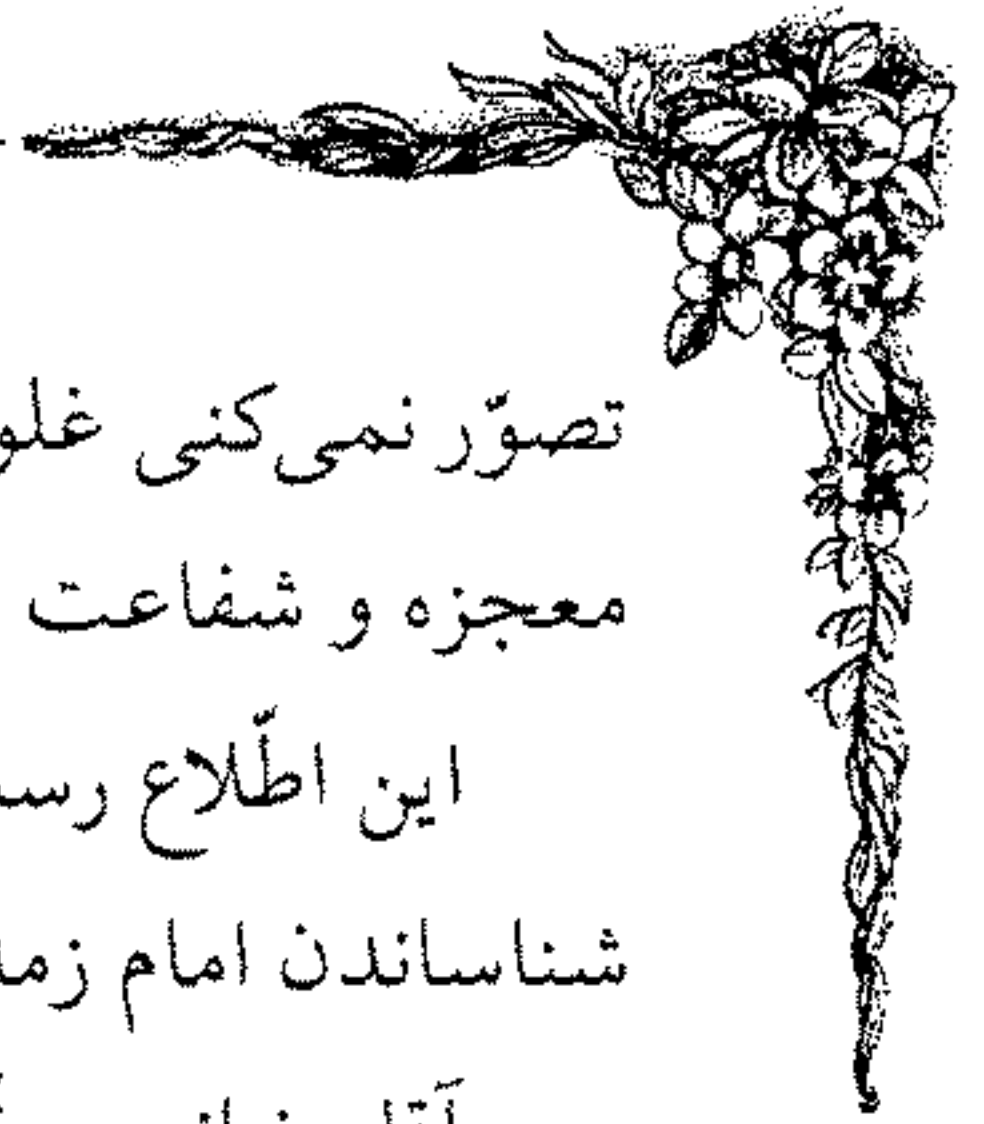
● اطلاع رسانی عرفانی

نمی دانم تا به حال فکر کرده اید که چرا قبل از بعضی زیارت نامه ها، گفتن «الله اکبر» امر شده است؟ مثلاً قبل از خواندن زیارت جامعه که دانشگاه جامع و بزرگ «معرفت الحجّة» می باشد، مأموریم صدبار «الله اکبر»^[۱۶] بگوییم؛ چرا؟

برای این که به غلو مبتلا نشویم. غلوزدایی، درست است. مکتب ما با افراد غالی مخالفت کرده است. ما پیامبر ﷺ و عترت ایشان ﺍﻟﻴﻮﻣَ ﻋَﻠَﻴﻬِﻤُﻮﻟَﻴُﻮﻝَ را خدا نمی دانیم، عبد می دانیم؛ ولی عبدی که بالاترین رتبه و مقام و جاه را در پیشگاه خداوند دارد.

ولی مطلبی را که در مقدمه‌ی «سه رساله درباره‌ی حجّة بن الحسن العسکری ﺍﻟﻤﺴﻴﺤﻲ» آورده‌ام و شاید مطلب خوبی باشد، این است که: ما باید از خداشناسی شروع کنیم، «اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ». ^[۱۷] زائر هم گوید: «الله اکبر، الله اکبر»، عظمت و بزرگی خداوند متعال را درس می دهد، «الله اکبر» می گوید: خداوند متعال، بزرگ تر است از این که توصیف شود و به وصف آید. مگر امام، خلیفه و ولی «الله اکبر» نیست؟ خدای اکبر باید خلیفه و ولی اش، «اکبر» باشد، مگر امام را می توان وصف نمود؟ مگر می توان کُنه عظمتش را شناخت، فقط می توان گفت: به بزرگی خداوند، بزرگ است. بزرگی او از خداوند است، نماینده و نمایش دهنده‌ی قدرت و علم و بزرگی حق تعالی است.

پس وقتی خدای متعال را به بزرگی شناختی، ولی و خلیفه‌ی او را هم به بزرگی وصف می کنی و عبارات زیارت جامعه یا زیارت مطلقه را



تصوّر نمی‌کنی غلو باشد؛ بهانه‌گیری نمی‌کنی، وهّابی زده نمی‌شوی، معجزه و شفاعت را شرک نمی‌دانی و رد نمی‌کنی.

این اطلاع‌رسانی عرفانی برای درک معارف شیعه لازم است، برای شناساندن امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ضرورت دارد.

آقا و خانم محقق! ما سخن از یک شخص عادی نمی‌گوییم. در این کتاب، در این روزنامه یا فصل‌نامه، در این سایت، سخن از «خليفة الله» و «ولّي الله» است. امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف یک عالم و عابد، یک اندیشمند و فیلسوف، یک فقیه و محقق نیست، او عین علم و اندیشه، عین بندگی و معرفت و کمال است. مدرّس بزرگ در مدرّس بزرگ هستی. آنچه خوبان همه دارند، او تنها دارد. او خلیفه و ولی خداوند است. پس حالا با این دیدگاه، «زیارت جامعه» را بخوان و با آینه‌ی زیارت جامعه، امام زمان را بشناس؛ نه با آینه‌ی سخنان بیگانه. مستشرقین، غربی‌ها و اروپایی‌ها که امام را یک دانشمند و یا نابغه، معرفی می‌کنند و نه با آینه‌ی استعمارگران که امام را یک خشونت‌گرا تعریف می‌نمایند.

بالای منبرها، حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^[۱۸] را برای مردم بیان نمودن، این یک وظیفه است.

"هشدار! هشدار! اگر او را شناسی، مرگت مرگ جاهلیت خواهد بود." ولی چه منبعی و چه مأخذی برای شناخت در اختیار مردم قرار دادیم؟

شیعه‌ی افریقانه، که با رنج‌های فراوان بعضی مبلغین دلسوز شیعه شده است؛ شیعه‌ی اروپا و امریکا نه... شیعه‌ی ایران خودمان، کتاب

می خواهد، کتابخانه، مدرّس، مشوّق، ولی بعضی از بزرگان ما به «فقه الصغر»، شرح «عروة الوثقی» و «شرایع» و «جواهر» پرداختند، و «فقه اکبر» [۱۹] در تدریس شان نیامد. یک روز هفته «جامعه، جامعه، جامعه» [۲۰] را بخوانند و بدانند و تدریس کنند.

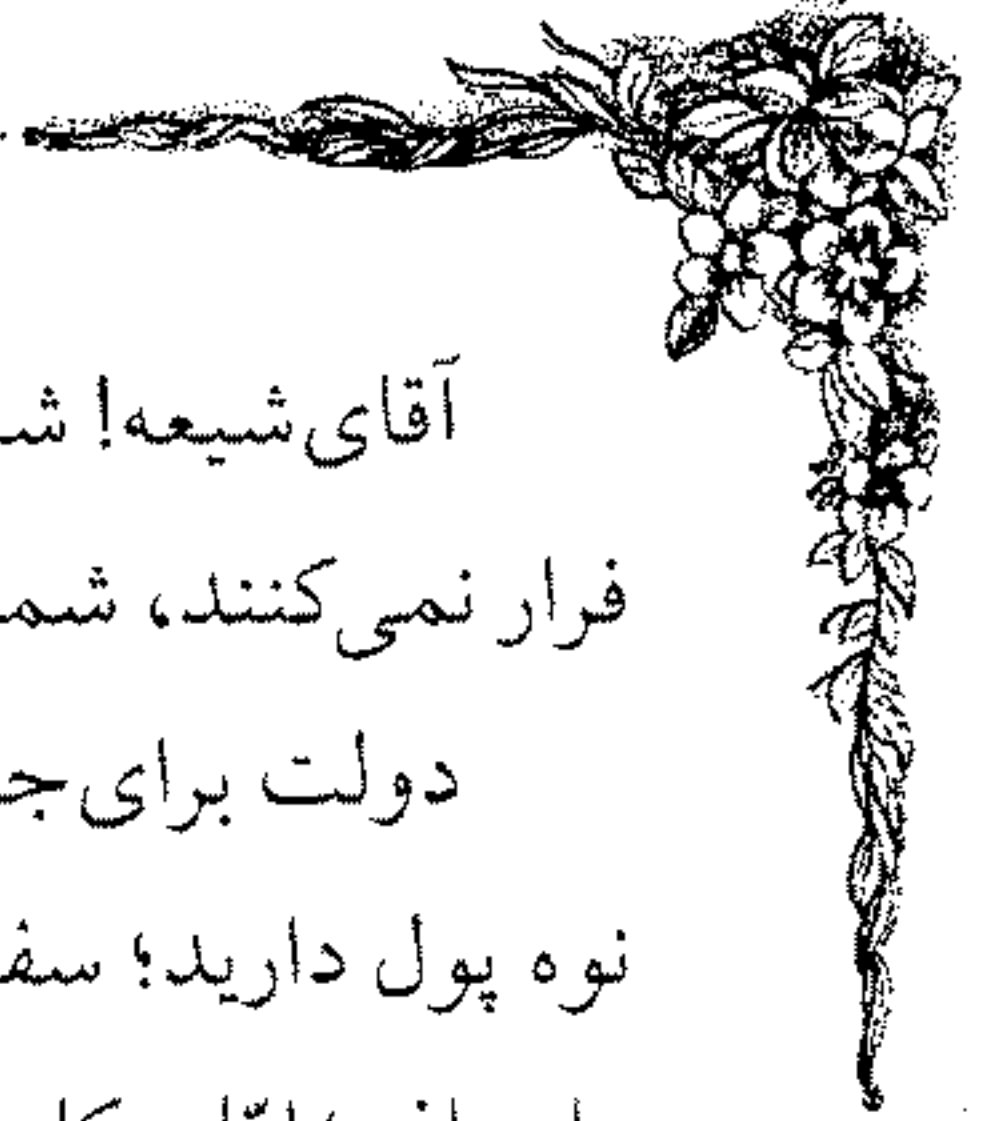
«عاشورا، عاشورا، عاشورا» یک متن درسی حوزه باشد. برای ندبه، آل یاسین، یک کلاس بزرگ نداشته ایم؛ برای همین می بینید کفایه خوان ما پاسخ گوی شبهات و سوالات نیست.

آیا از کار و راه دشمن، دسیسه ها، جعل ها و مکرهای وهابیت فرزند استعمار، بابیت و بهائیت دست نشاندهی حکومت های طاغوتی، اطلاع رسانی داشته ایم؟

چند مدرسه و دانشگاه عترت شناسی، چند کلاس اطلاع رسانی در باب نقشه های استعمار، تفرقه افکنی مخالف و سرقت اعتقادات، داشته و داریم.

پیشنهاد ۳۱۳ تأسیس کتابخانه ی تخصصی درباره ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای بعضی بیان می کردم؛ یک دوست که ناهمی اش برای مکتب، از تیر دشمن خطرناک تر است، گفت: با این پیشنهادهای بزرگ مردم را فراری می دهید!! به نظرم این کارها ضرورت ندارد! گفتم: این پیشنهاد، فقط برای یک شهر است. هر شهر و یا هر استان، حداقل باید ۳۱۳ کتابخانه ی تخصصی درباره ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد. [۲۱]

شما این عدد را برای دنیا بزرگ می دانی؟!!



آقای شیعه! شیعه‌ی متمکن! خیرالحاج! مردم عاشق از این پیشنهادها فرار نمی‌کنند، شما فرار می‌کنید!!

دولت برای جشن کودکان پول دارد؛ شما برای جشن تولد فرزند و نوه پول دارید؛ سفره‌ها و عقد و عروسی‌های آن‌چنانی با آن همه خرج و اسراف؛ اما به کارهای فرزند فاطمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که می‌رسیم، مخالفت می‌کنیم... این پیشنهاد، بزرگ است! این توقع، چنان و چنین است؛ بازار، بد است، بودجه نیست، وقت نیست و ده‌ها بهانه‌ی دیگر؛ همان بهانه‌های اصحاب بی‌وفای ائمه‌ی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به زبان شما تکرار می‌شود.

ولی مردم غالباً آماده‌اند؛ به شرط این‌که به آن‌ها اطلاع رسانی کنیم. حتی مردم غرب و اروپا آماده‌اند به صف مهدویون پیوندند، ولی راه را نمی‌شناسند؛ از مهدی علیه السلام خبر ندارند و سرگردان و حیران مانده‌اند. چه کسی باید کتابخانه تأسیس کند و نشریه‌ی مهدوی نشر دهد؟ در مساجد، حسینیه‌ها، دانشگاه‌ها، مراسم دعای ندبه، کتابخانه، نوار خانه، سایت، به زبان‌های زنده دنیا.

به یقین، این کار، کار ماست. اما ما برای خودمان کار می‌کنیم؛ داعی به نفس، یا داعی به سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؟!... تفاوت می‌کند. از کجا و برای که بگوییم...؟!

یا مهدی! روحی فدای

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ادامه دارد... ۱۳۸۳/۴/۷

● پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾: سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶.
- ۲- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: «زَكَاتُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ». (مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه‌ی ۴۶)
- ۳- قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». (علامه‌ی مجلسی، بحار الانوار، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۲)
- ۴- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۷.
- ۵- این لغت که در اصل یونانی است از پیشوند "peri" به معنی «خیلی» است که همان حکم «تر» و «ترین» را در زبان پارسی دارد و لغت "kileos" به معنی «ستایش، حمد، شکوه و جلال» است. پس این واژه به معنی «بسیارستوده» است که در عربی مترادف «محمد» و «احمد» ﷺ می‌باشد. (به کتاب مصقل صفا، میرسیداحمدعلوی، صفحه ۱۸۴ مراجعه فرمایید)
- ۶- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷.
- ۷- بنا بر نظر کشیری از علمای شیعه، نام بردن از حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه به اسم اصلی آن حضرت که همان نام رسول اکرم ﷺ است، در زمان غیبت حرام است.
- ۸- ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾. (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴۳)
- عن ابي سعيد الخدري قال: سألت رسول الله ﷺ عن قول الله تعالى: ﴿وَمَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾، «قال: ذلك أخي علي بن أبي طالب».
- (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنفيه، ابن عباس و ابي صالح)
- ۹- «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ». (مفاتيح الجنان، زیارت آل یس ﷺ)
- ۱۰- ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾. (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۴۳)
- ۱۱- از مطالب منصوصه‌ی در احادیث فریقین، اقتدا و وزارت حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما السلام نسبت به حضرت مهدی موعود ارواحنا فداء است.



جابر بن عبدالله گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «...عیسی بن مریم نازل می‌شود و امیر و امام مؤمنین به او فرماید: بیا و برای ما نماز بگذار. عیسی گوید: نه، بعض شما بر بعض دیگر امیر هستید...».

(صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۵۵؛ مسند احمد بن حنبل، جلد ۳، صفحه ۳۴۵؛ کفایة الطالب گنجی شافعی، صفحه ۴۴۹)

گنجی، پس از نقل این روایات گوید: «امیر مسلمین در این روز، مهدی علیه السلام است» و سپس می‌نویسد: «تقدم امام مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام، دلیل بر برتری و افضلیت او بر عیسی علیه السلام می‌باشد».

۱۳- سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۴.

در تفسیر قمی، ذیل آیه‌ی شریفه آمده است: «ملائکه و روح القدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آن چه از مدت عمرها و امور ارزاق و هرچه اتفاق خواهد افتاد را که نوشته‌اند، به محضر او تقدیم می‌کنند».

۱۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، صفحه ۶۹۶.

۱۴- «فارقلیطا» واژه‌ای سریانی است که از اصل یونانی «پریقلیطوس» به معنای «بسیار ستوده و پسندیده» مشتق شده و این معنی مترادف واژه‌های «محمد و احمد صلی الله علیه و آله» می‌باشد. (به کتاب ارزشمند «انیس الأعلام فی نصره الإسلام» جلد ۱، صفحه ۱۳ مراجعه فرمایید).

۱۵- منظور، ره‌یافتگان به مکتب قرآن و عترت صلی الله علیه و آله می‌باشند.

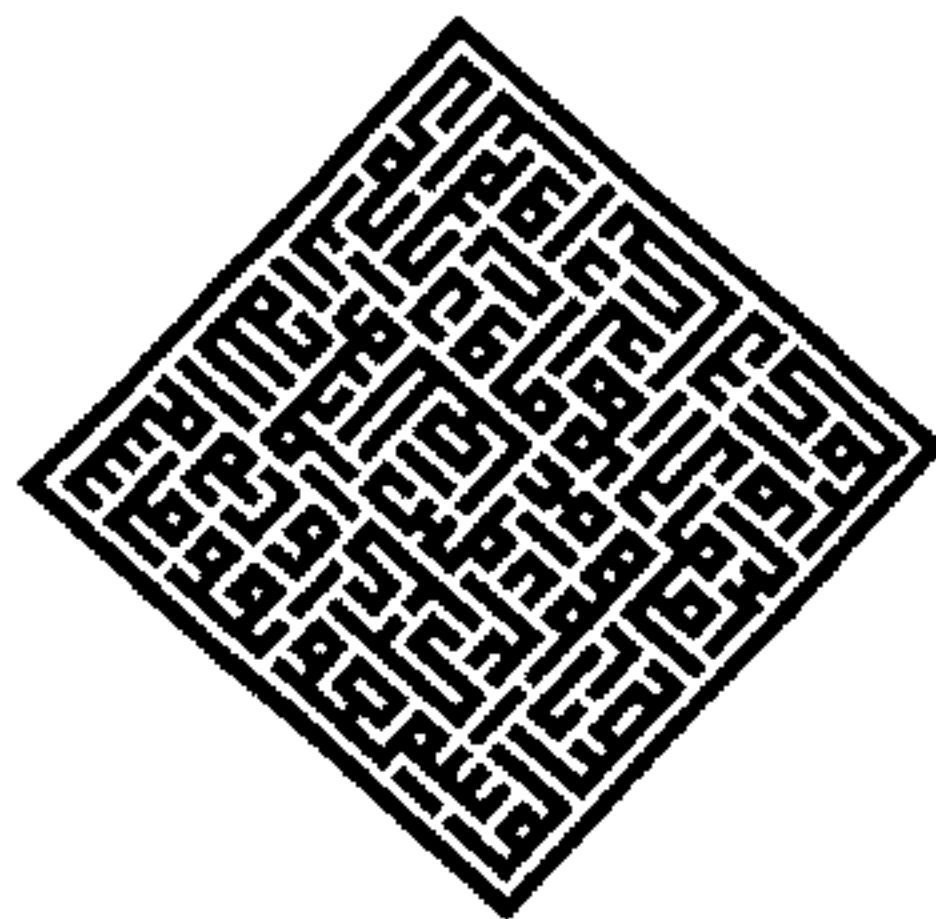
۱۶- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

۱۷- علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۴۶.

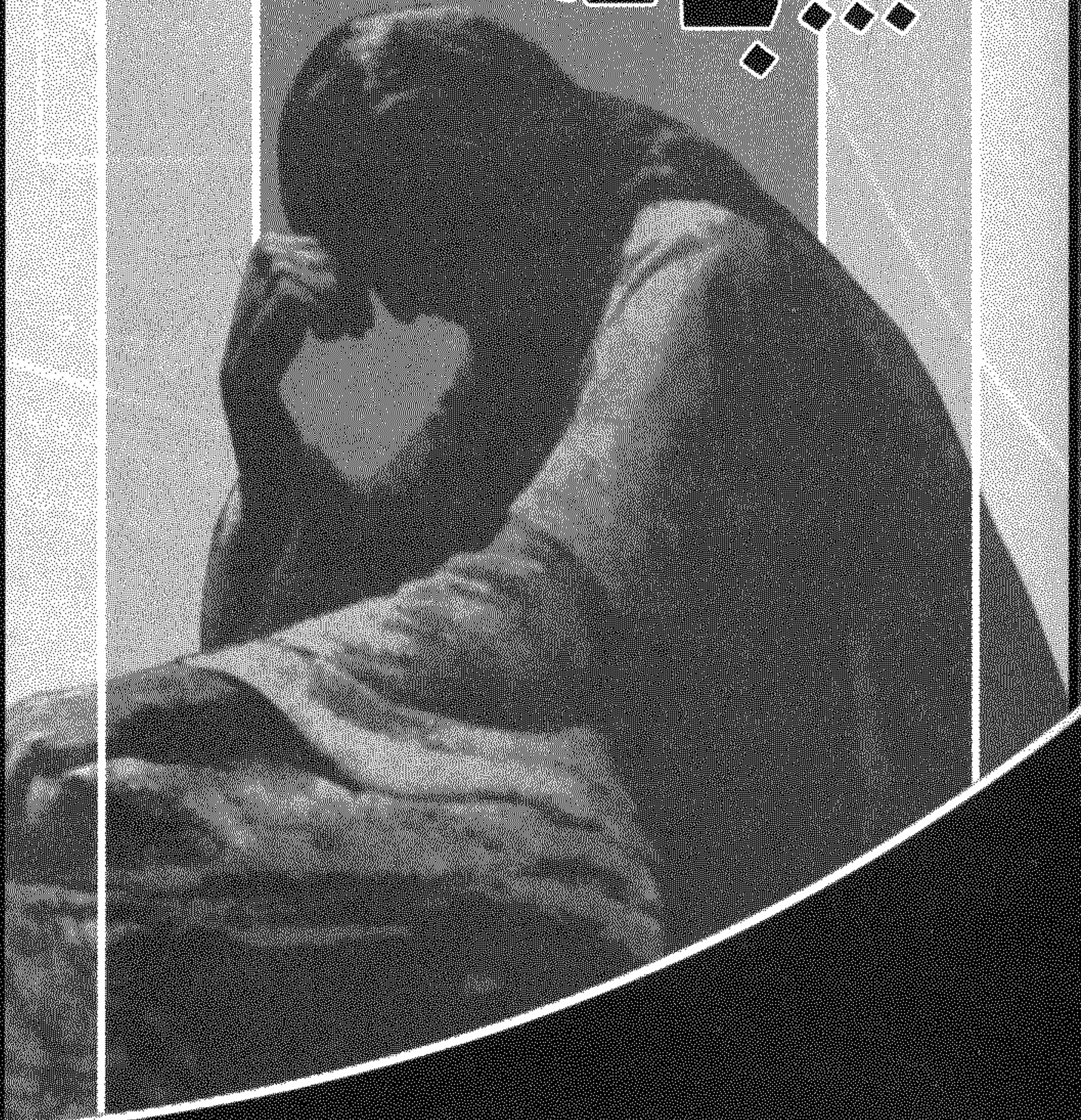
۱۸- کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را شناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (قندوزی حنفی، ینابیع المودة، جلد ۳، صفحه ۴۵۶)

این روایت به عبارات دیگر نیز در مسانید شیعه و عامه نقل شده است. صحیح مسلم، چاپ سعودی، ج ۳، صفحه ۱۴۷۸، کتاب الامارة) و نیز تفسیر ابن‌کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه **﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾** آورده است: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی برگردن او نباشد، به مرگ

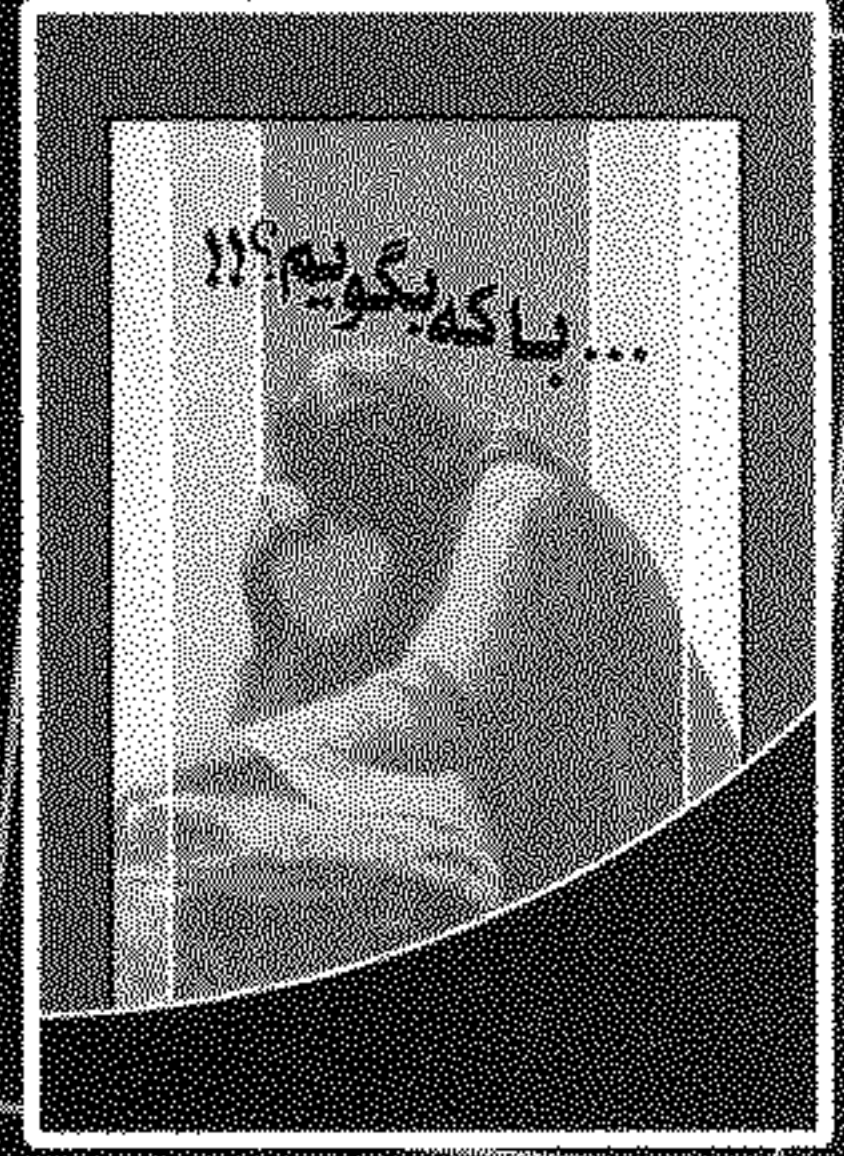
- جاهلیت مرده است». (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی»، هفتاد و نه روایت با همین مضمون از طرق عامه نقل شده است.)
- ۱۹- مقصود از «فقه اکبر» علم کلام و عقاید است.
- ۲۰- اشاره به فرمایش حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید رشتی در تشریح منقول در مفاتیح الجنان محدث قمی رحمته الله.
- ۲۱- بحمدالله با توجهات خاصه‌ی مولانا حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداه، برخی از این شعب در داخل و خارج کشور به بهره برداری رسیده است.



... یا کہہ گویم؟!!



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



...یا که بگویم!!!

برای که بگویم، که از با بسم الله تا آخر کتاب وحی، آیه های فراوانی وصف تو را می گوید
آری! تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده ای، که در اندیشه زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری.
فرازهایی از نوشتار

www.imamahdi.com



با که بگویم؟!!

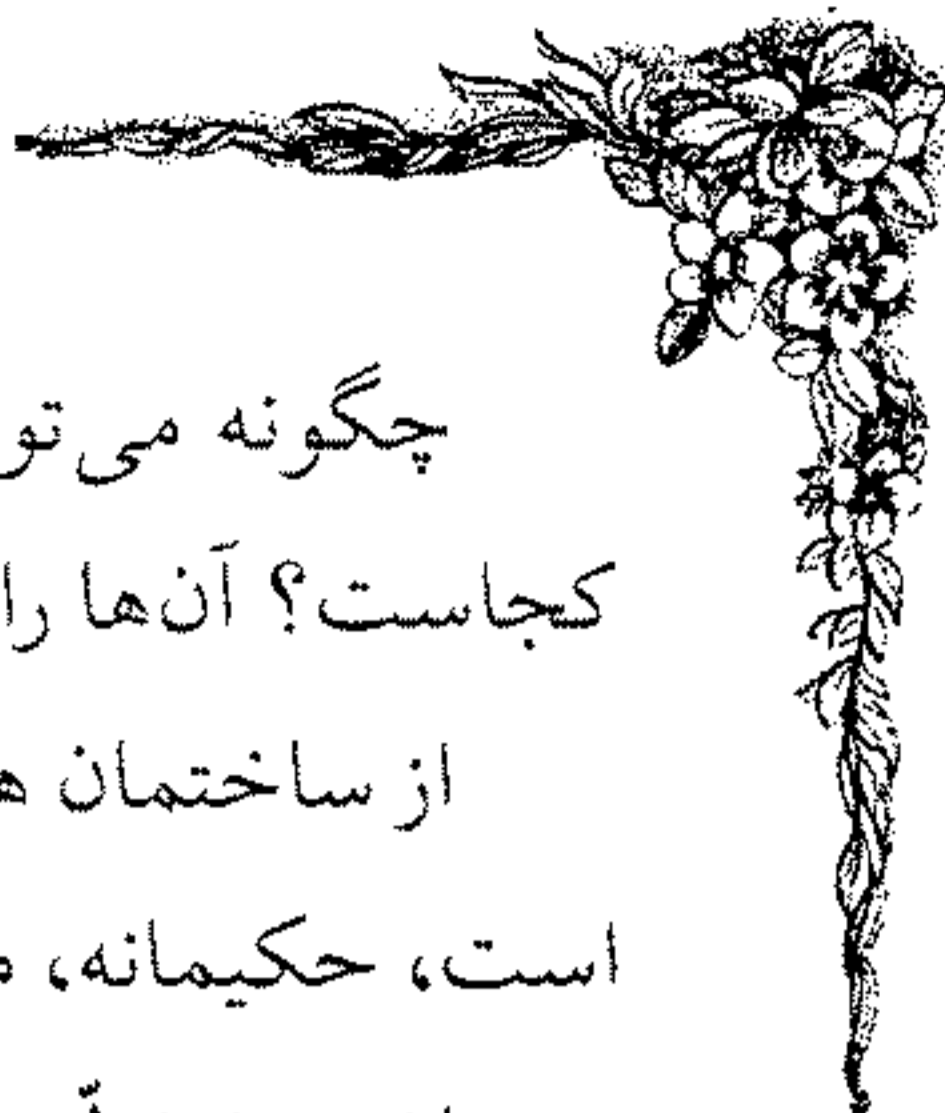
با که و برای که بگویم؟

برای که بگویم که از "باء" «بسم الله» تا آخر قرآن، آیه‌های فراوانی،
وصف تو را می‌گوید؟^[۱]

تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده‌ای که در اندیشه‌ی زرتشتیان
و دیگر مکاتب هم جای داری!

هرچه سخن از عدل و قسط گفته شود، هر کفرانس و همایشی در
موضوع عدالت و شرف انسانی، برگزار گردد، چشم فطرت‌گویندگان
و برگزارکنندگان، به وجود مطهرتوست، ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ
عَلَيْهَا﴾^[۲] از تو سخن می‌گویند، اما تو را نمی‌شناسند، از خوبی‌هایت،
از کمالاتت، اما آدرس تو را ندارند.

با که بگویم که «غیب» در آیه‌ی ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾^[۳] تویی،
﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^[۴] به کسانی گفته می‌شود که به تو مؤمن باشند.



چگونه می‌توان منکر «غیب» شد؟ روح، عقل، فکر و اندیشه، کجاست؟ آن‌ها را نمی‌بینیم ولی از آثار، پی به آنها می‌بریم. از ساختمان هستی می‌فهمیم خدایی که از دید جسمانی ما «غیب» است، حکیمانه، مهندسی این ساختمان بزرگ را نموده است.

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست

که هر چیزی به جای خویش نیکوست

راستی! آیا کسی می‌تواند منکر خدای شود؟ هرگز، ماتریالیست دروغ می‌گوید، اصلاً ماتریالیست در کل عالم وجود ندارد. این‌ها قیافه‌ی ملحد و منکر را به خود می‌گیرند. مگر بنای ساختمان را کسی منکر می‌شود، ماتریالیست‌های پشیمان زیادند تاریخ آن‌ها خواندنی است، یک بدی از دین دارها دیده، عصبانی شده و منکر خدا گشته‌اند؛ بعد به فکر آمده‌اند که مگر می‌شود ساختمان جهان هستی بدون بنا باشد؟! پشیمان شده و از الحاد برگشته‌اند.

همان طور، کسی نمی‌تواند منکر پیامبر بشود؛ قرآن را که آورده؟ پیام آور چه کسی بوده است؟ این آثار، این سنت بزرگ، این دانشگاه عظیم... از اثر، پی به مؤثر می‌بریم و به وجود پیامبر، که او را ندیده‌ایم اقرار می‌نماییم.

از آثار عترت، از نهج البلاغه، ادعیه، زیارات، بیانات، شاگردان، اصحاب، تاریخشان، دوستی‌ها، دشمنی‌ها، به وجود مطهر آنان علم پیدا کرده، نادیده را خریدار می‌شویم.

مخالفی از مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام به یک شیعه‌ی بیدار

اعتراض کرده که: چه می‌گویید، روز تاسوعا و عاشورا! این همه سر و صدا و شلوغ راه می‌اندازید؟ یک حسینی آمد و کشته شد و تمام شد! شیعه‌ی بیدار در جواب آن مخالف کج گفتار، گفت: این که اصل وجود امام حسین علیه السلام و شهادت را قبول داری، به جهت همین سر و صدا و شعارهاست؛ و الا اگر این آثار نمی‌بود، اصل وجود حضرت را منکر می‌شدی و واقعه‌ی عاشورا را رد می‌کردی.

و اضافه کرد: ما در مورد «غدیر خم» کم‌کاری کردیم، شما دلالت غدیر را به ضعف کشانیدید! ^{۱۵} و الحمد لله اصل غدیر، ثابت و آیات و روایات و قراین بزرگ، به دلالت آن دلالت دارند.

ای امام! تو به مانند اجدادت صاحب اثر و ثمری، ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ ^{۱۶} چه بزرگی، ای بزرگ! بقای اسلام اثر توست؛ ﴿إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ^{۱۷} قرآن با آن همه دشمن حفظ شده، نقطه‌ای از آن کم و زیاد نشده، عنایات خاصه‌ی تو نگهبان است.

«كُهُوفٌ كُتِبَ» ^{۱۸} در کلام علی علیه السلام مربوط به شما هم هست.

ای کهف امین و خورشید پرده نشین! اگر عنایات حضرتت نبود،

۱۲ قرن نه، ۱۲ روز هم اسلام باقی نمی‌ماند.

مگر دشمن را نمی‌بینیم؟ مگر از قدرت دشمن بی‌خبریم؟ مگر از

اتحاد سران کفر و الحاد آگاهی نداریم؟ دلخوشیم که دانشگاه بزرگ اسلام

تحت اشراف مدیر و مدبری چون تو حفظ و پاسداری می‌گردد.

با که بگویم شجره‌ی بهشتی در قرآن نظر به عظمت تو و آبائت دارد.

﴿لَا تَقْرَبُنَا هَذِهِ الشَّجَرَةُ﴾ ^{۱۹} یعنی چه؟ به آدم می‌گوید: تو مقامت،

مقام محمد و آل محمد عليهم السلام نمی شود، تو علی و مهدی عليهما السلام نمی شوی. به حواء می گوید: تو زهرا عليها السلام نمی شوی!

این جا به متفکران و مصلحان می گویم: هر مقدار از بزرگی فکر و اندیشه را دارا باشید، و در مورد صلح جهانی، قیام به بیان و قلم و قدم انجام دهید، مهدی نیستید و نمی شوید. مهدی عليه السلام هدایت شده‌ی الهی «عَلِمَ مَنْصُوبٌ وَ عِلْمٌ مَنْصُوبٌ»^{۱۱۰} است؛ کدام آیه در شأن شما نازل شده که «عَلِمَ مَنْصُوبٌ» باشید، و چرا اگر «عِلْمٌ مَنْصُوبٌ» اید، مدرسه و دانشگاه رفته اید؟ چرا به استاد محتاج بوده و هستید؟!

﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ با آدم و حواء می گوید: مقام این خانواده استثنایی است. نکند رتبه و جاه این‌ها را تمنا کنی! و در واقع به همه‌ی آدمیان می گوید: حساب‌ها را جدا کنید. در مورد اصلاح بشریت بگوئید و بنویسید، اطلاع رسانی کنید، مردم را به صلح و صفا، عدالت و کرامت دعوت کنید، اما نه بر مبنای فکر خودتان. شما به آن چه واقع است احاطه ندارید، شما مظهر خدای محیط نیستید، ﴿مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^{۱۱۱} فرد دیگری است که هم کتاب تکوین را می داند و هم کتاب تشریح را مُدَرِّس است. قیاستان صد درصد اشتباه است. مگر علی عليه السلام نفرمود: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ».^{۱۱۲}

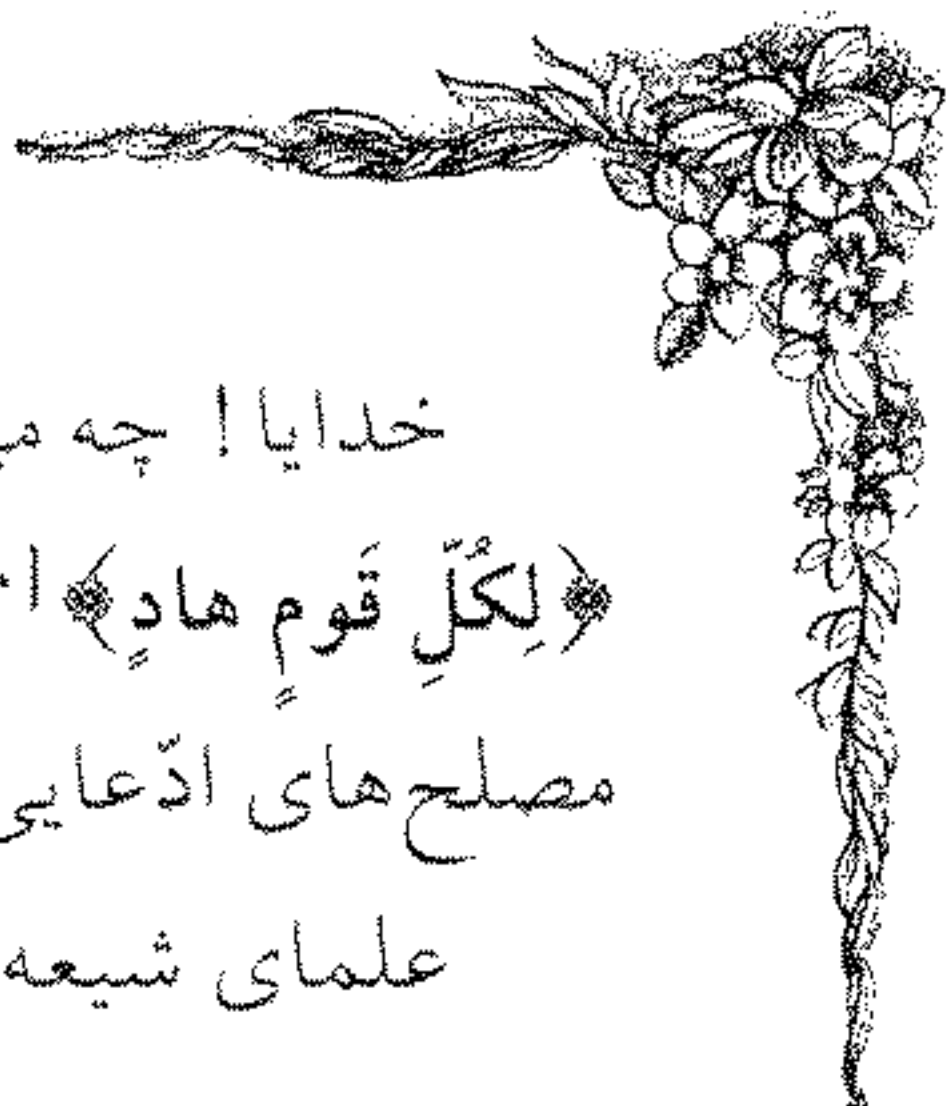
علامه‌ی روزگار که باشید و سلمان زمان، شاگرد کوچک مدرس علوی و مهدوی هستید؛ تازه، با منّتی که خدای متعال بر شما دارد، ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...﴾^{۱۱۳} منّت این‌که قبولتان کردند و در مدرسه رسالت و دانشگاه سلاله‌ی نبوت «مهدی عليه السلام»^{۱۱۴} نامتان را نوشتند.

نه مصلحید، نه امام و نه باب امام؛ اشتباه بزرگ را نفس، القا می‌کند، شیطان بزرگترش می‌کند یا بالعکس، نفس از درهاست... وای از نفس! و او یلاه از شیطان پرستی و شهرت خواهی! استعمار دنبال مصلح‌هایی می‌گردد که هنوز خودشان را نساخته، می‌خواهند جامعه را بسازند، و امروز باید بیشتر از دیروز بترسیم که دچار مسیرهای شیطانی و هابیت، بابیت، بهائیت و فرقه‌های صوفیه نشویم و «حزب شیطان» را به جای «حزب الله» یار نگیریم.

با که بگویم؟ با شما! با شما که نور و ظلمت را یکسان گرفته‌اید، بلکه ظلمت را به جای نور تبلیغ می‌کنید. با شما! با شما که سقیفه را جای ﴿فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ...﴾^{۱۱۵} آدرس می‌دهید؟ آیا در دعای قرآنی ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^{۱۱۶} سقیفه را منظور دارید یا خانه‌ی عترت را؟

گمان ندارم این قدر با کتاب، تفسیر و تاریخ بیگانه باشید. نکند خود را به بی‌عقلی زده‌اید! نکند که عمداً کور شده، احادیث را در باب «صراط مستقیم»، «بیوت»، «پاکان»^{۱۱۷} او «شجره‌ی طیّبه» عمداً فراموش می‌کنید! ﴿مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى...﴾^{۱۱۸} نمی‌ترسید فردا هم کور وارد محشر شوید؟

انسانید یا خفّاش؟ پس چرا از نور فرار می‌کنید؟ چرا ﴿مِشْكَات﴾ را درست ترسیم نمی‌کنید؟ چرا ﴿مِضْبَاح﴾ را درست تدریس نمی‌کنید؟ چرا در دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾^{۱۱۹} را کاملاً تعریف نمی‌نمایید؟



خدایا! چه می‌گویم؟ با که بگویم...؟! با که بگویم که امروز مصداق ﴿لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^{۱۲۰} مهدی آل محمد علیهم‌السلام است، نه پاپ‌ها، اسقف‌ها و مصلح‌های ادعایی.

علمای شیعه در زمان غیبت، خود را ریزه‌خوار سفره‌ی علمی و معنوی حضرت مهدی علیه‌السلام می‌دانند و هرگز خود را مصلح مطلق، هادی معصوم و حتی باب آن حضرت نمی‌دانند.

باید دانست «هادی» در آیه‌ی شریفه، برابری «هادی» را با «مُنذِر» می‌رساند. «مُنذِر» بنای ساختمان اسلام است و «هادی» عَلْتٌ مُّبْتَنِيه. ^{۱۲۱} فقط هادی، نبی و رسول نیست، و دین جدید نمی‌آورد، بلکه وقتی بدع و خرافات را کنار می‌زند و با جهالت مبارزه می‌کند، بعضی فکر می‌کنند دین جدید آورده است.

سنت او سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ ^{۱۲۲} اهل صلح است، نه اهل خشونت، مگر با مفسدین و سران فساد و تباهی. اخلاق، اخلاق محمدی و روش، روش احمدی علیه‌السلام است.

یکی از بزرگان در باب ولایت «هادی» گفته است: «جزء اخیر از عَلْتٌ تَامَّه». ^{۱۲۳} بدین معنا که اگر اعتقاد به ولایت حضرت علی علیه‌السلام و ائمه‌ی دیگر علیهم‌السلام تا حضرت مهدی علیه‌السلام، با اعتقاد به پیامبر و توحید الهی همراه نباشد، این دو اعتقاد، سودبخش و فلاح‌آور نخواهد بود.

جزء اخیر از عَلْتٌ تَامَّه - یعنی ولایت و امامت - است که باعث «اکمال دین» می‌باشد؛ همان که قرآن بی‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ﴾ ^{۱۲۴} دین بدون امامت علی علیه‌السلام مورد رضایت خداوند نبوده و نیست.

اگر «واقفی»^[۲۵] شدی، «زیدی»^[۲۶] شدی، مسأله همین است، دین بدون ولایت امام مهدی علیه السلام جزء اخیر از علت تامه را ندارد. علت تامه‌ی سعادت و فلاح، توحید، نبوت، امامت و قرآن و سنت به تفسیر و تبیین ولی الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

ای شیعیان! برای چه در دعای ندبه، به «أین... آین...» گفتن دل می‌سوزانید؟!

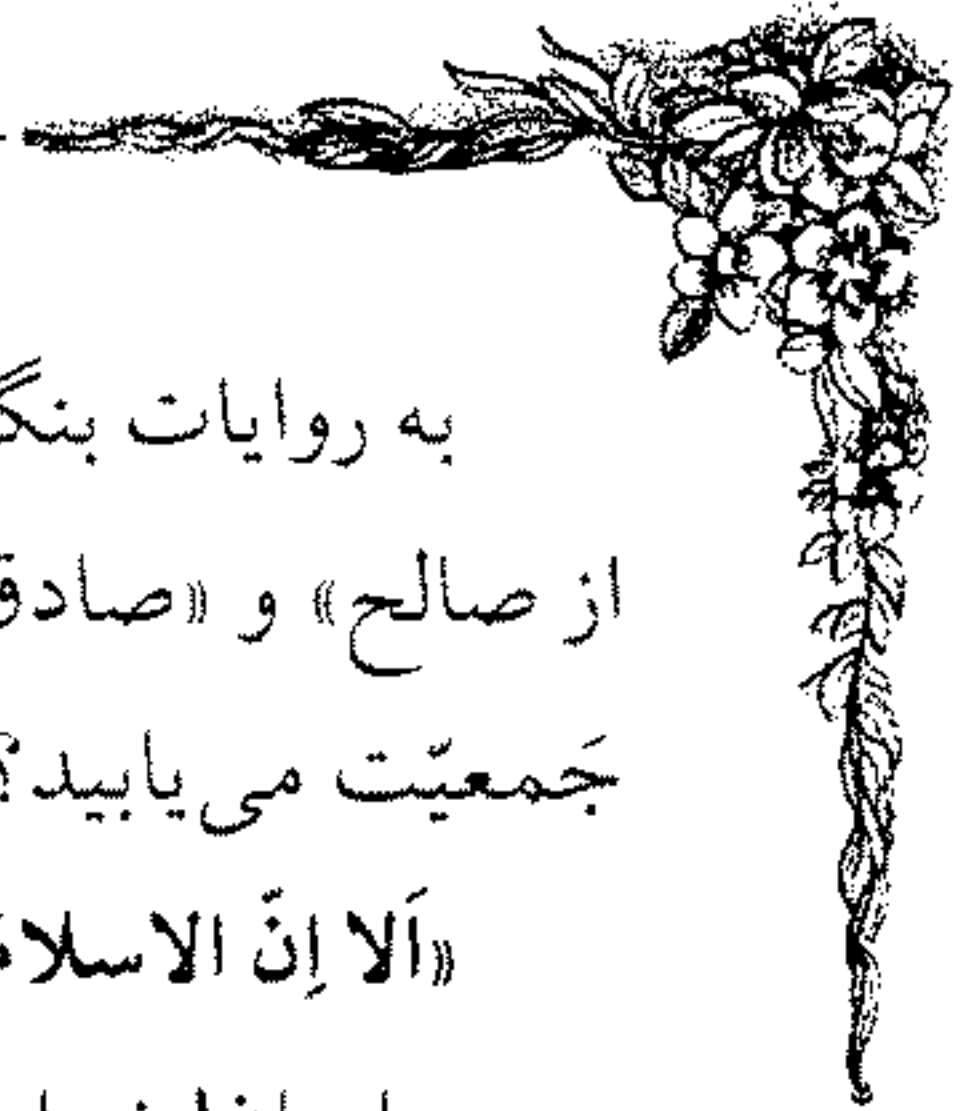
چه گمشده‌ای دارید؟! ... مگر توحید ندارید؟! مگر به رسالت پیامبر معتقد نیستید؟!

«کتاب الله» آیا کافی نیست؟ می‌گویید توحید شرط دارد، رسالت، علتِ مُبْقِیه می‌خواهد. کتاب الله، مفسر و مبین لازم دارد. می‌گویم: درست است. همان جزء اخیر از علت تامه را می‌گویید، قرآن هم همین را می‌فرماید: ﴿ان لَم تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾. [۲۷]

«أین الحسن؟ أین الحسین؟ أین أبناء الحسین؟ صالح بعد صالح و صادق بعد صادق؟» [۲۸] در این طرق طولانی و این روش‌های ظلمانی با وجود «ایسم‌ها» و مکتب‌های پوشالی، «شاقل و میزان» [۲۹] کجاست؟ نور کجاست؟

«أین... آین...»، سرگردانی انسان را می‌رساند، به خصوص انسان این عصر؛ انسان این عصر را بگویند: هرروز ندبه بخواند و هرروز «أین... آین...» نماید.

رفیق راه کجاست؟ رفیقی که رهرو و ره‌شناس باشد، رفیقی که با دزدان طریق، رفیق نباشد؟ ﴿حَسَنَ أَوْلَیْکَ رَفِیقاً﴾. [۳۰]



به روایات بنگرید... رفیق راه «مهدی آل محمد» است. «صالح بعد از صالح» و «صادق بعد از صادق» را در کدام قوم و طایفه و حزب و جمعیت می‌یابید؟

«أَلَا إِنَّ الْإِسْلَامَ لَا يَزَالُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِثْنَى عَشَرَ خَلِيفَةً»^[۳۱] یعنی چه؟
 برادران! خواهران!... دوازده خلیفه‌ای که باعث سربلندی و آسیب‌ناپذیری اسلامند، کجایند؟
 از کدام قوم و طایفه؟
 «أَيْنَ... أَيْنَ...؟!» راه را با تحقیق پیدا کنید، راهنما را با تحقیق بجویید.

مگر مردم صدر اسلام، وکیل ما بودند که راهنمای دین و امام مبین برای ما تعیین کنند؟ و کدامین این‌ها صالح و صادق و مصداق «امام مبین»^[۳۲] قرآن بودند؟

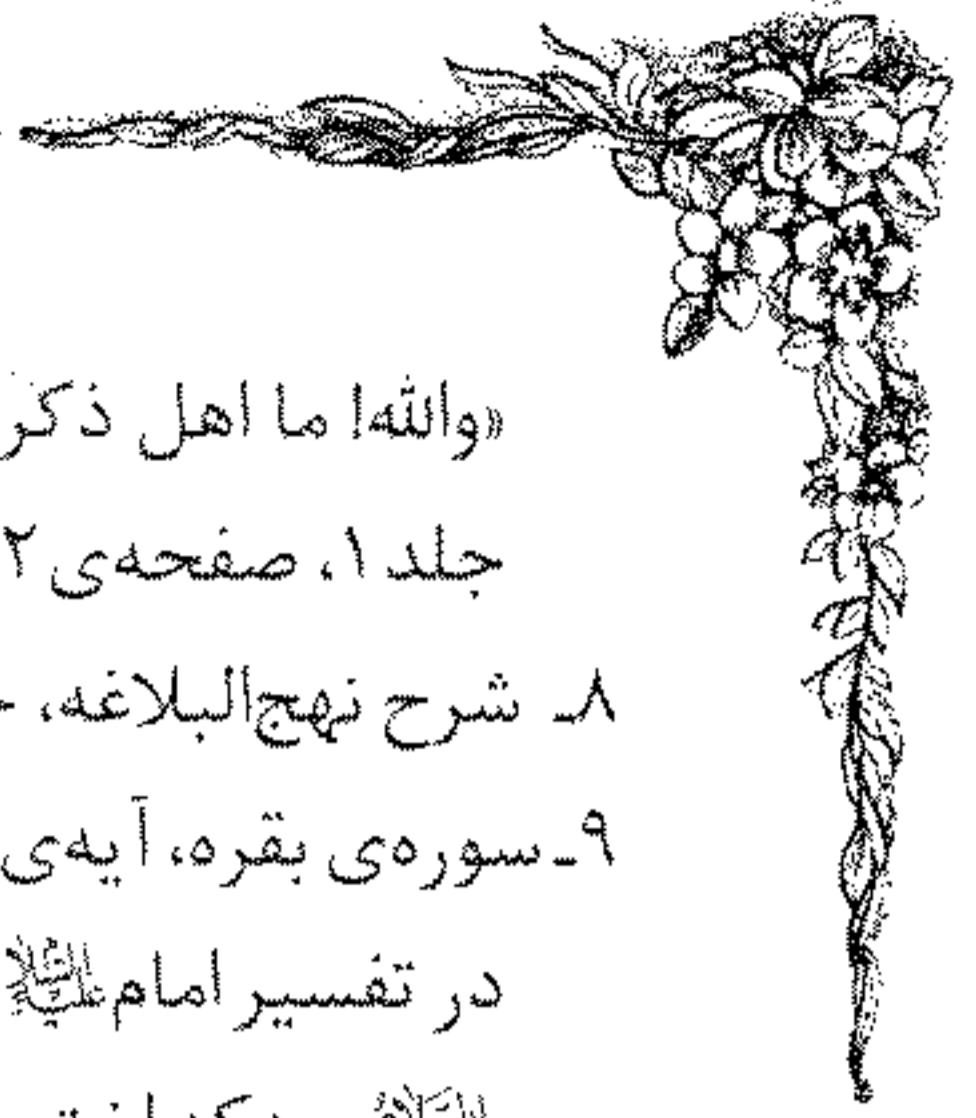
آیا می‌توانید بگویید گذشته‌ها گذشت؟ مگر گذشته با حال و امروز ما مربوط نیست؟ چرا در معرفی «دوازده خلیفه» سرگردانند؟ خلیفه‌ای که به اسلام آسیب نرساند و باعث عزت دین باشد کجاست؟
 آن که در زمان پیامبر باعث سربلندی اسلام بود، که بود؟ «آیه‌ی تطهیر»^[۳۳] چه می‌گوید؟ مدرّس امام باقر و امام صادق علیهما السلام بر چه دلالت دارد؟ آیا خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس، طهارت و صداقتشان به امضای حق رسیده است؟ آیا مبدأ علم و دانش بوده‌اند؟

«أَيْنَ... أَيْنَ...؟!» بر کدام راه دل بسته‌اید و در برابر کدام امام سرفروید آورده‌اید؟ امام نور یا امام نار؟! ...

● پی نوشت ها:

- ۱- تفسیر یا تأویل بیش از ۲۴۰ آیه در قرآن در موضوع مهدویت می باشد.
- ۲- سوره ی روم، آیه ی ۳۰.
- ۳- سوره ی بقره، آیه ی ۳.
- عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾
قال: «مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ». (بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ی ۵۲)
- فقال (الصادق علیه السلام): «وَالْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ...». (بحار، جلد ۵، صفحه ی ۱۲۴)
- ۴- سوره ی بقره، آیه ی ۵.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام
صبر پیشه می کنند و بر محبت اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان،
جلد ۵، صفحه ی ۴۱۴)
- عن جابر الأنصاري عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «طوبى للصابرين في غيبته، طوبى للمقيمين
على محبتهم اولئك وصفهم الله في كتابه فقال: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾»
(بحار الانوار، جلد ۵، صفحه ی ۱۴۳)
- ۵- اشاره به برخی تفسیرهای جاهلانه یا مغرضانه از معنای «ولئى» در حدیث شریف و
متفق علیه «غدير».
- ۶- سوره ی ابراهیم علیه السلام، آیه ی ۲۴.
- عن سلام بن المستنير، قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن قول الله تعالى: ﴿كَشَجَرَةٍ
طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾
قال: «الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَغُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ
الزَّهْرَاءُ علیها السلام وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَأَغْصَانُ الشَّجَرَةِ وَثَمَرُهَا
الْأُمَّةُ علیهم السلام وَوَرَقُ الشَّجَرَةِ الشَّيْعَةُ...»
(الصفار، بصائر الدرجات، صفحه ی ۷۹)
- ۷- سوره ی حجر، آیه ی ۹.

اهل ذکر (قرآن) و وسیله ی الهی برای حفظ آن، اهل بیت علیهم السلام هستند.
حارث گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی این آیه ی شریفه سؤال کردم، فرمود:



«والله! ما اهل ذکر و اهل علم و معدن تأویل و تنزیل هستیم.» (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۳۲)

۸- شرح نهج البلاغه، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹.

۹- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۳. به معانی الأخبار شیخ صدوق، صفحه‌ی ۱۰۸ مراجعه کنید. در تفسیر امام علیه السلام روایت شده است: «این شجره، شجره‌ی علم محمد و آل محمد علیهم السلام بود که اختصاص به ایشان دارد و سایر خلق را از آن، نصیب و بهره‌ای نیست. (تأویل الآیات الباهرات، صفحه‌ی ۱۹؛ تفسیر صافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱۶)

۱۰- «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ» (زیارت آل یس علیهم السلام)

۱۱- ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾. (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴۳)

عن ابی سعید الخدری قال: سألتُ رسولَ الله صلی الله علیه و آله عن قولِ الله تعالى: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ قال: «ذَلِكَ أَخِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام».

(شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷ به همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنقیه، ابن عباس و ابی صالح)

۱۲- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲.

۱۳- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴.

۱۴- کلینی، اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۳.

۱۵- سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶.

انس بن مالک و بریده گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: ﴿فِي بَيْوتٍ...﴾ تا - والأبصار، مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! این خانه‌ها، کدام خانه است؟ حضرت فرمود: «خانه‌های انبیاء علیهم السلام است.» پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه‌ی علی و فاطمه علیهم السلام اشاره می‌کرد، گفت: یا رسول الله! آیا این خانه هم از جمله‌ی این بیوت است؟ حضرت فرمود: «آری! از برترین آن خانه‌هاست.» (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۱۰)

باید از خلیفه پرسید که آیا خانه‌ای که چنین عظمت و جایگاهی دارد، شایسته‌ی آن بود که دستور آتش زدنش صادر شود؟!...

۱۶- سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶. (جهت توضیح بیشتر، رجوع شود به پی‌نوشت شماره‌ی ۷ از مقاله‌ی آینه‌ی زیبایی‌ها)

۱۷- سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. (توضیح بیشتر را در پی‌نوشت شماره‌ی ۲ از مقاله‌ی آینه‌ی زیبایی‌ها خواهید دانست.)

۱۸- سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۲.

۱۹- سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۵.

ابن مغازلی از بزرگان اهل سنت در ضمن روایتی، منظور از «مشکات» را حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و مقصود از «مصباح» را امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و «یکاد زیتها یضیء» را با عنوان «نزدیک است که علم از آن (شجره) بجوشد» معنی می‌کند. (مناقب ابن مغازلی، صفحه‌ی ۲۶۴)

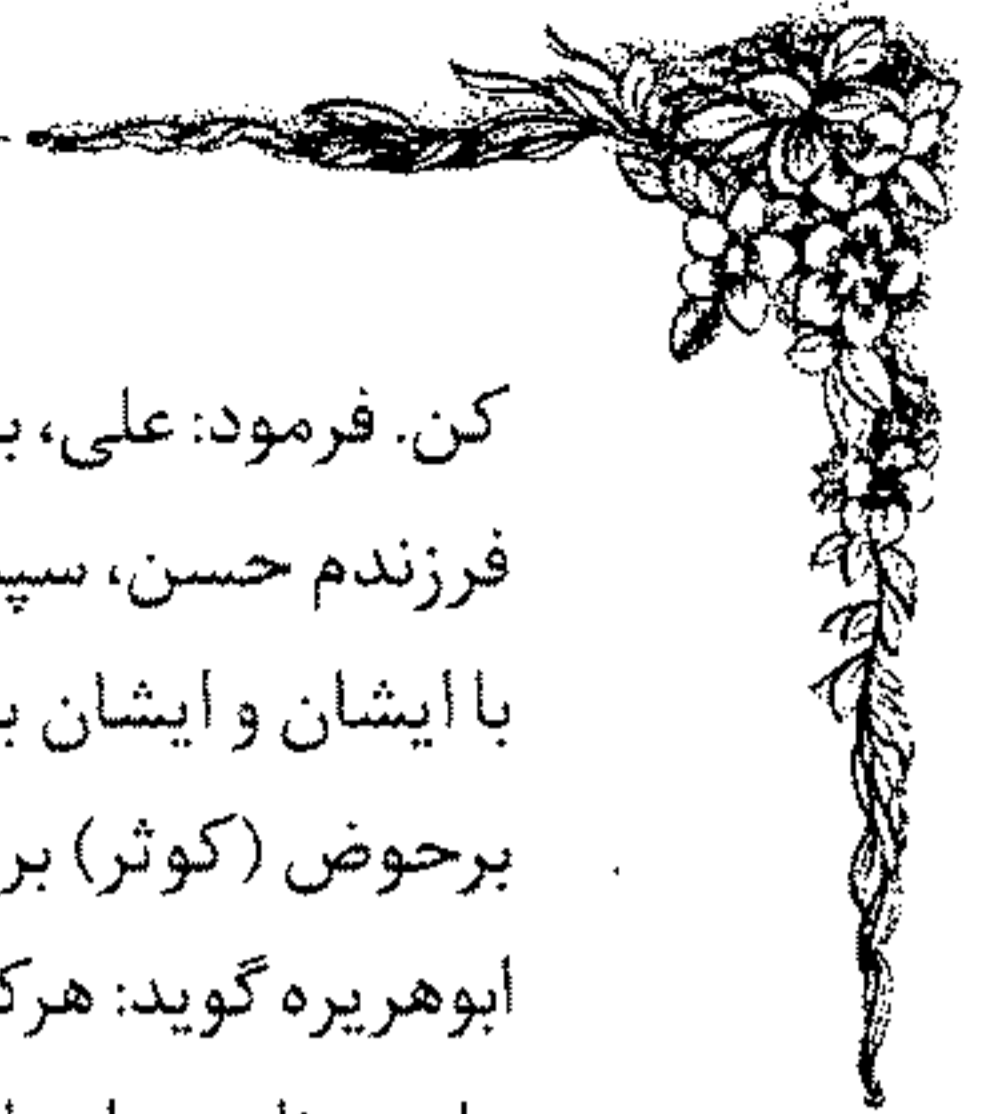
۲۰- سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷. (مراجعه شود به پی‌نوشت شماره ۱۲ از مقاله‌ی «آینه‌ی زیبایی‌ها»)

۲۱- باقی نگهدارنده.

۲۲- عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «القائم من ولدی اسمه اسمی وکنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی ملّتی و شریعتی». (کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶)

۲۳- تصور کنید دارویی از پنج جزء تشکیل شده، اگر یک جزء آن را نیافتیم، دارو مؤثر نخواهد افتاد.

۲۴- امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «پس از آن که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مرا گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه...»، سلمان پرسید: یا رسول الله! این ولایت چگونه ولایتی است؟ فرمود: ولایت او همچون ولایت من است؛ هر که من سزاوارتر از خودش بر او هستم، علی هم نسبت به او این چنین است. در این هنگام آیه‌ی «الیوم اکملت لکم دینکم...» نازل شد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگام به رسالت من و ولایت علی پس از من! عده‌ای گفتند: یا رسول الله! این آیات فقط مخصوص به علی علیه السلام است؟ فرمود: آری، در مورد او و اوصیای من تا روز قیامت می‌باشد. گفتند: آن‌ها را به ما معرفی



کن. فرمود: علی، برادر و وارث و وصی من و ولی هر مؤمن پس از من است، سپس فرزندم حسن، سپس فرزندم حسین و پس از او نه (امام) از فرزندان حسین؛ قرآن با ایشان و ایشان با قرآنند؛ نه قرآن و نه ایشان از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که برحوض (کوثر) بر من وارد شوند...» (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۴۳ و ۳۴۷) ابوهریره گوید: هرکس روز ۱۸ ذی‌الحجه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه‌ی شصت ماه در نامه‌ی اعمال او بنویسد و این روز، روز غدیر خم است که رسول خدا ﷺ دست علی بن ابی‌طالب را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه». در این جا عمر رو به علی علیه السلام نمود و گفت: به‌به! مبارک باد بر تو ای پسر ابی‌طالب! ابی‌سعید خدری گوید: چون این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی‌طالب پس از من! هر که من سرپرست و صاحب اختیار او بودم، علی علیه السلام ولی و صاحب اختیار اوست. خداوند! دوست بدار آن که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هر کس او را واگذارد.» (الدر المنثور، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۵۹؛ مناقب خوارزمی، صفحه‌ی ۶؛ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۰ به بعد؛ تاریخ مدینه‌ی دمشق، جلد ۴۲، صفحه‌ی ۲۳۳)

۲۵- «واقفیه» کسانی هستند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کرده‌اند.

۲۶- «زیدیّه» کسانی هستند که معتقد به امامت زید بن علی پس از امام سجاد علیه السلام هستند.

۲۷- سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹.

اخطب خوارزم در مناقب، صفحه‌ی ۶ می‌نویسد: ابوهریره از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «هنگامی که به آسمان رفتم، از زیر عرش الهی ندایی شنیدم که: علی، پرچم هدایت و حبیب و دوست هر آن کسی است که به من ایمان آورد. ای محمدا این مطلب را (به مردم) برسان. وقتی رسول خدا ﷺ به زمین آمد، این مطلب را در سینه نگاه داشت، پس فرمان الهی آمد که: ای رسول! آنچه را در مورد علی بن ابی‌طالب علیه السلام بر تو نازل شده بیان کن، و اگر چنین نکنی رسالت الهی را نرسانده‌ای و خداوند تو را از (آزار) مردم حفظ خواهد کرد.» (شواهد التنزیل، ذیل آیه‌ی شریفه)

از دیگر مدارک عامه می توان به: اسباب النزول، صفحه‌ی ۱۳۵؛ الدر المنثور، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۹۸؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه، و... بسیاری دیگر از کتب فریقین اشاره نمود.

۲۸- دعای ندبه.

۲۹- عن داود الرقي قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿... والسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ قال: السَّمَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَضَهُ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَوَضَعَ الْمِيزَانَ وَالْمِيزَانُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَنَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ. قلت: ﴿الْأَتَطَفَّؤْا فِي الْمِيزَانِ؟﴾ قال لا تَطَفَّؤْا فِي الْإِمَامِ بِالْعَصِيَانِ وَالْخِلَافِ، قلت: ﴿وَاقِيمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ؟﴾ قال: اطيعوا الامام بالعدل و لا تبخسوه في حقه... (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه)

امام جعفر صادق عليه السلام در باره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷ سوره‌ی شوری، فرمود: «میزان، امیرالمؤمنین عليه السلام است...» (تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۶۵)

در زیارت امیرالمؤمنین عليه السلام در روز مولود نیز می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ». (مفاتیح الجنان)

۳۰- سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹.

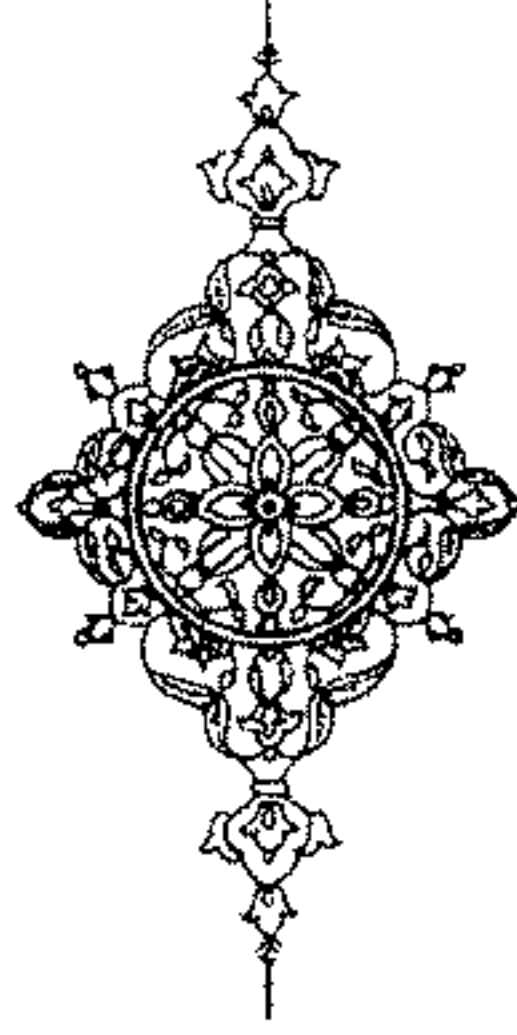
۳۱- مسند ابی داوود، صفحه‌ی ۱۸۰.

در مدرک دیگر عامه آمده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توضیح این معنا فرمود: «كَلِمَهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ». (ینابیع المودة، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۱۵؛ جلد ۳، صفحه‌ی ۲۹۰)

۳۲- امام باقر عليه السلام از پدرش از جدش عليه السلام نقل می فرماید که فرمود: «هنگامی که آیه‌ی ﴿وَكَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾ (یس، ۱۲) بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل گردید، ابوبکر و عمر برخاسته، گفتند: یا رسول الله! آیا منظور از «امام مبین» تورات است؟ فرمود: نه. گفتند: آیا انجیل است؟ فرمود: نه. گفتند: پس قرآن است؟ فرمود: نه.

در این هنگام امیرالمؤمنین عليه السلام تشریف آورد، پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (منظور از امام مبین) این شخص است. او امامی است که خداوند، علم همه چیز را در وجود او جمع کرده است. (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه به ضمیمه‌ی چند روایت دیگر)

۳۳- به پی نوشت ۱۷ مراجعه فرمایید.



اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْخَجَّاءِ بْنِ الْخَسَنِ

مَلَأُواثِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عِيْنًا

حَتَّى تَسْكِنَهُ أَرْضَكَ مَطْوَعًا

وَ تَمْتَعَهُ فِيهَا مَطْوِيًّا

